

کتابخانه

ISSN: 1029-3345

شماره ۲۱ دی ۱۳۸۱
 ۷ دیقده ۱۴۲۳
 ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳
 شماره ۱۰۵ بهمن ۱۳۹۲
 شماره ۱۰۰۰۰
 صفحه ۳۲، ۱۰۰ تومان

خبر

مدیر انتشارات
 سروش تغییر کرد

۲

چهره‌ها و کتابها



جلال الدین همای

۲۳

کتابخانه

چرا ترجمه؟

یک نظرسنجی
 پیرامون کتاب‌های
 ترجمه

۶



داریوش ارجمند، بازیگر تئاتر و سینما:

مطالعه پادزهر جهل و نفرت است

۱۶

راهی به راهی

گفت‌وگوی کتاب هفته با دکتر ملکیان

برای آنهایی که مباحث فکری و چالش‌های آن را در ایران تعقیب می‌کنند، دکتر مصطفی ملکیان نامی آشناست. وی با مطالعه عمیق در تاریخ فکر و فلسفه غرب و شرق و نیز شناخت دقیق از الهیات و کلام جدید و آشنایی مؤثرش با علوم اسلامی و قرآنی، توانسته برخی از مفاهیم و مباحث مبتلا به جامعه امروز ایران را به علمی‌ترین شیوه و با زبان و بیانی همه‌فهم انتقال دهد. توانسته علمی ری و نیز پژوهش از سیاسی‌کردن و سیاسی شدن مباحث فکری و علمی از جمله دغدغه‌های مشترک این جامعه، فرزن عرضه فکر و فلسفه است. ویژگی اصلی نوشته‌ها و گفتارهای ملکیان در همه، مریزی است که خود وی آن را بنا می‌نهد. سپس با نظمی ریاضی گونه و دقیق و از همه مهمتر قابل فهم، به خواننده ارائه می‌کند. مباحث ملکیان اگرچه با سبک‌ها و سخنرانی‌های فراوانش، برای اهل فکر و قلم، آشناست، اما تاکنون و به جهت وسواس خاص وی، مباحثش به زیور کتاب آراسته نشده بود. کتاب «راهی به راهی» که از سوی انتشارات نگاه معاصر روانه بازار شده، نخستین اثر تالیفی این متکلم نامی است که در معرض خوانش اهل فکر قرار گرفته است. به این بهانه با وی به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

۲۰



کتابخانه

قاب زندگی

گزارشی از مراحل نهایی
 انتشار کتاب
 عکسنامه تختی

۴

ادبیات از زاویه عقلانیت

گفت‌وگو با دکتر مهدی محبتی
 نویسنده کتاب سیمرغ در جست‌وجوی قاف



۱۰

دکتر مهدی محبتی، محقق، نویسنده، مترجم و یکی از اساتید ادبیات دانشگاه‌های کشور است که از وی تاکنون بیش از ۱۰ کتاب چاپ و منتشر شده است و شاید مشخص‌ترین آنها، کتاب «سیمرغ در جست‌وجوی قاف» درآمدی بر سیر تحولات عقلانیت در ادب فارسی باشد. این کتاب را انتشارات سخن در سال ۱۳۷۹ منتشر کرده و به گفته یکی از برجسته‌ترین محققان ادبیات فارسی - استاد دکتر «شقیعی کدکنی» این کتاب، «گشودن پنجره‌ای تازه به روی ادبیات فارسی» قلنداد شده است. از دکتر محبتی دو کتاب تازه با نام‌های «بهاران در برپست» (نگاهی تازه به شامنامه و عناصر داستانی آن) و «فارسی عمومی» (با نگاهی نو به ادبیات و نثر ادبی) در پاییز آसार منتشر شده است. وی هم اکنون سه کتاب زیر چاپ دارد. درباره کتاب‌های اخیر دکتر محبتی، گفت‌وگویی با وی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

کتابخانه

شعر امروز ایران
 جهانی شدن
 یا نشدن؟



۸

کتابخانه

هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

پای حرف‌های سید محمد محمدی شاعر و حافظ پژوه برانجانی

۷

پژوهشگران حوزه کتاب
 از پژوهش فرهنگی
 می‌گویند

۲۲

پیداورندگان

روایت اول شخص

مسعود احمدی، میرهاشم محدث
 آتوسا ملکی، عبدالعظیم رضایی
 و مهسا محب علی

۲۴



کتاب الکترونیک چیست
 و چگونه باید با شد

۲۲



هشت کتاب و هشتمین باب نبوت

به گزارش خانه کتاب، ۸ کتاب از تازه‌ترین آثار منتشر شده چاپ اول در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۸۱ با موضوع امام ششمین حضرت علی بن موسی الرضا(ع) به این فرات است:

آثار حضور و برکات امام رضا(ع) در ایران، انتشارات سلسله، ۲۰۰صفحه، ۸۰۰۰ریال.

امام رضا علیه‌السلام و رضا، نوشته محمدرضا داوری، انتشارات عابد، ۲۲صفحه، ۳۵۰۰ریال.
چهل داستان و چهل حدیث از امام رضا(ع) نوشته عبدالله صالحی، انتشارات مهدی پار، ۱۴۶صفحه، ۵۰۰۰ریال.

خوشبید ولایت، برگزیده اشعار مسابقه ادبی خورشید، انتشارات جلیل ۱۱۲صفحه، ۶۰۰۰ریال.
در روز نو، آشنایی با زندگی امام رضا(ع) نوشته محسن قرائتی، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۲۰صفحه، ۲۰۰ریال.

ره‌نوشه زایران امام ششمین حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، انتشارات اندیشه فرازانگان، ۳۴۴صفحه، ۱۹۲ریال.

زبان‌نامه حضرت امام رضا (ع) و حضرت معصوم(ع) به کوشش محمدتقی تیبایی، انتشارات اندماج) ۱۹۲صفحه، ۸۰۰۰ریال.

هشت روز با امام هشتم(ع)، انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۶صفحه، ۳۵۰۰ریال.

تأکید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به رسانه‌ای شدن پژوهش‌ها

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: رسانه‌ای شدن حوزه پژوهش برای اصلاح، تشویق و ارزیابی پژوهش‌ها و پژوهشگران ضروری است و می‌توان با جریان‌سازی در این حوزه از همه ظرفیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده کرد.

به گزارش ستاد خبری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، احمد مسجدجامعی در جلسه بررسی و ارزیابی هفته پژوهش در جمع مدیران پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: همانطور که در حوزه فرهنگی با انتشار نشریه‌ای مثل «کتاب هفته» ارتباط منسجمی بین اهل کتاب برقرار شده است، حوزه پژوهش نیز نیازمند رسانه‌ای برای طرح مسائل، انعکاس فعالیت‌ها و ارزیابی پژوهش‌های انجام شده است.

تألیف دانشنامه فرهنگ فاطمی (س) آغاز شد

همزمان با احیاست زادروز حضرت فاطمه معصومه(س) آئین آغاز تألیف دانشنامه فرهنگ برگزار شد. در این مراسم که با حضور جمع کثیری از اندیشمندان و فرهیختگان در محل پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد، حجت‌الاسلام و المسلمین رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سرپرست دانشنامه، دکتر ثریا مکتون، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر برنجکار معاون پژوهشی دانشنامه و خاتم فریبا علاءوند عضو شورای علمی دانشنامه به ایراد سخن پرداختند.

در خاتمه، حضار از نمایندگان آثار و امتیازات پژوهشگاه بازدید به عمل آوردند.

عاطف‌نشان می‌شود که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی پیش از این دانشنامه امام علی(ع) را به سامان آورده و هم اکنون طرح سترگ دانشنامه‌نگاری دینی را با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در دست اجرا دارد که تألیف دانشنامه‌های قرآن‌شناسی و فرهنگ فاطمی به عنوان بخشی از طرح مزبور آغاز گردیده است.

همایش مراکز فرهنگی - هنری و پژوهشی برگزار می‌شود

پیش از دو هزار مؤسسه فرهنگی - هنری و پژوهشی کشور ۲۷ دی ماه در همایشی به بررسی وضعیت و مسائل فراوری خود

وضعیت نشر کتاب در ۹ ماهه سال ۱۳۸۱

۲۱ هزار و ۵۶۱ عنوان کتاب در ۹ ماهه سال ۱۳۸۱ منتشر شده است.

به گزارش روابط عمومی خانه کتاب ویراساس آمار موجود در بانک اطلاعاتی این مؤسسه، این کتاب‌ها در شمارگان ۱۰۵ میلیون و ۹۹۷ هزار و ۲۵۵ جلد منتشر شده است. در این مدت شمارگان متوسط هر عنوان ۴۹۱۲ جلد بوده و هر کتاب به طور متوسط در ۲۱۰ نسخه به چاپ رسیده است. در ۹ ماهه سال جاری، ۱۲ هزار و ۱۱۸ عنوان (۵۶ درصد مجموع کتاب‌ها) چاپ نخست و ۹۴۴۲ عنوان (۴۴ درصد مجموع کتاب‌ها) چاپ مجدد، ۱۶ هزار و ۴۷۱ عنوان (۷۶ درصد مجموع کتاب‌ها) تألیف و ۵۰۹۰ عنوان (۲۲ درصد مجموع کتاب‌ها) ترجمه بودند. این مدت ۳۵۸۸ عنوان (۷ درصد مجموع کتاب‌ها) برای کودکان و نوجوانان و ۱۷۹ عنوان (۰ درصد مجموع کتاب‌ها) کمک‌آموزشی و کمک‌درسی بوده‌چنین ۱۸ هزار و ۹۰ عنوان (۸۷ درصد مجموع کتاب‌ها) اندر بیان و ۳۴۹۱ عنوان (۱۶ درصد مجموع کتاب‌ها) در شهنشاهان منتشر شده است. در ۹ ماهه سال ۱۳۸۱، از نظر موضوعی بیشترین کتاب‌ها با ۲۵۴۸ عنوان (۲۱ درصد مجموع کتاب‌ها) به موضوع ادبیات اختصاص یافت و پس از آن به ترتیب موضوع‌های دین با ۲۸۱۳ عنوان (۱۸ درصد)، علوم عملی با ۱۹۹۸ عنوان (۱۶ درصد)، علوم انسانی با ۱۵۱۲ عنوان (۱۱ درصد)، علوم طبیعی و ریاضیات با ۲۱۰۶ عنوان (۱۰ درصد)، زبان با ۲۰۰۰ عنوان (۹ درصد)، تاریخ و جغرافیا با ۱۰۹۷ عنوان (۰ درصد)، هنر با ۱۰۵۷ عنوان (۰ درصد)، گیاهات با ۷۷۷ عنوان (۰ درصد) و فلسفه با ۷۳۰ عنوان (۰ درصد) قرار گرفته‌ند. ۲۱ هزار و ۵۶۱ عنوان کتابی که در ۹ ماهه سال ۱۳۸۱ منتشر شده نسبت به ۲۱ هزار و ۷۶ عنوان کتابی که در مدت مشابه سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده، ۲ درصد رشد نشان می‌دهد.

نقد شعرهای بیژن نجدی

در خانه کتاب

شصت و هشتمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه به نقد و بررسی مجموعه اشعار بیژن نجدی اختصاص داشت. در این نشست عنایت سجعی، کامیار عابدی و هیوامسبح درباره اشعار بیژن نجدی به بحث و تبادل نظر پرداختند.

این نشست روز سه شنبه ۱۷ دی ماه از ساعت ۱۷ در مؤسسه خانه کتاب، واقع در خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و صیباي جنوبی، شماره ۱۷۸۸ برگزار شد.

نشست‌های کتاب ماه ادبیات و فلسفه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه هر سه‌شنبه نشست نقد و بررسی ادبی برگزار می‌کند که برنامه‌های آنی آن به شرح زیر است:

سه شنبه ۲۲ دی ماه بررسی کتاب «چهره مرد هنرمند در جوانی»، نوشته جیمز جویس، با حضور دکتر منوچهر بدیعی، دکتر صالح حسینی و دکتر حسین پاینده، سه شنبه ۱ بهمن، «مرز میان زبان و ادبیات کجاست؟» با حضور دکتر علی محمد حق‌شناس.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس

پودجه فرهنگ و هنر در سال

آینده ۵۰ درصد افزایش یافت

«اعبارت بخش فرهنگ پروزه عمرانی، در لایحه بودجه سال ۸۲ افزایش قابل توجهی دارد.»
جلیل ساگزادان نماینده شیراز و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن بیان این مطلب، گفت: توجه به امکانات کابندی فرهنگی جهت افزایش سرانه فضاهای فرهنگی و هنری در لایحه اسمال دیده می‌شود. ساگزادان تراز توجه به افزایش سطح فعالیت فرهنگی - هنری، مطالعه و احداث فضاهای فرهنگی - هنری بزرگ را محور دیگر عنوان کرد و توضیح داد: مطالعه احداث نمایشگاه دائمی کتاب و ده مجتمع فرهنگی - هنری در مراکز استان‌ها، تالار فارابی، ایجاد محورهای فرهنگی از طریق سازماندهی حریم تالار وحدت و امکانات و تسهیلات ۱۵۲۰ کتابخانه عمومی کشور، تشویق آفرینش‌های هنری و فرهنگی از طریق برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و مسابقات فرهنگی - هنری، در این محور مورد تأکید قرار گرفته است.

ساگزادان تراز بیان اینکه در زمینه فرهنگ و هنر شاهد رشد بیش از ۵۰ درصدی هستیم، از نشان‌دهنده اهتمام جدی دولت به تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام دانست.

وی اضافه کرد: حرکت فعلی ما در این بخش تدریجی است اما باید به چارچوب‌های حقوقی تعریف شده‌ای در استمرار خود برسد و ظرفیت‌های جدیدی ایجاد شود تا بتوان به نحو مطلوبی از پژوهش‌ها بهره‌برداری کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به اینکه حمایت و تشویق از پژوهش و پژوهشگر نباید به هفته پژوهش منحصر شود گفت: این نشست‌ها می‌تواند در طول سال به طور پراکنده و در استان‌های مختلف و حتی با هماهنگی سفارخانه‌های ایران در سایر کشورها نیز برگزار شود و از پژوهش‌های برتر با اعطای جایزه ویژه رئیس جمهوری تجلیل شود. این استمرار منجر به رسیدن به ظرفیت جدید پژوهشی و ارتقا، جایگاه مدیریت در این بخش خواهد شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: رسانه‌ای شدن حوزه پژوهش برای اصلاح، تشویق و ارزیابی پژوهش‌ها و پژوهشگران ضروری است و می‌توان با جریان‌سازی در این حوزه از همه ظرفیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استفاده کرد.

به گزارش ستاد خبری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، احمد مسجدجامعی در جلسه بررسی و ارزیابی هفته پژوهش در جمع مدیران پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: همانطور که در حوزه فرهنگی با انتشار نشریه‌ای مثل «کتاب هفته» ارتباط منسجمی بین اهل کتاب برقرار شده است، حوزه پژوهش نیز نیازمند رسانه‌ای برای طرح مسائل، انعکاس فعالیت‌ها و ارزیابی پژوهش‌های انجام شده است.

با استعفاي علي اكبر اشعري مديرعامل سروش، دكتر حسيبي عضو هيأت علمي دانشكده الهيات دانشگاه تهران، مديرعامل سروش شد.

به گزارش روابط عمومي سروش مراسم توديع و تقدیر از علي اكبر اشعري مديرعامل انتشارات سروش روز هفدهم ذي‌ماه در مركز همایش‌های صدا و سیما با حضور دكتر علي لاریجاني ریاست سازمان، نویسندگان و ناشران و کارشناسان و مدیران صدا و سیما برگزار شد.

دکتر حسین اسماعیلی عضو شورای نگهبان و مصطفی رحماندوست شاعر و نویسنده کشور طی سخنرانی‌های جداگانه با اظهار تأیید از استعفاي مديرعامل سروش، به طرح نظرات و تجلیل از خدمات علي اكبر اشعري پرداختند. دكتر علي لاریجاني در سخنانی ضمن اشاره به مسأله دودستی و همكاری با علي اكبر اشعري، وی را مردی باسفا، با معرفت، باادب و مالت و خدمت و عاشق خدمت به فرهنگ خواند. دكتر لاریجاني افزود روحیه خدمتگرای و شور و شغف برای کار فرهنگی، ویژگی‌هایی هستند که در ایشان وجود دارد، من شهادت می‌دهم که در بیست سال گذشته افتخاری در کار مرخصی نفاشته و یکسره کار کرده است. وی افزود، رفتن ایشان برای من هم قابل تأسف است. دكتر لاریجاني افزود، البته اشعري امروز، با اشعري بیست سال پیش يك تفاوت عمده دارد و آن در

آست فرخی

همکام با جایزه ادبی کام اول

این هفته با شهلا زرنگی، منتقد هموار کردن ادامه فعالیت

دیدگاه

شما پیرامون

برگزاری

چشواره گام اول چیست؟

می‌توانید نظر هیچکس درباره برپایی اینگونه چشواره‌ها، منفی نیست.

مهمترین و نخستین فایده‌ای که چشواره گام اول دارد، تقویت روحیه‌ای است

که به جوانان شهامت نوشتن و سرودن داده است. به عبارت دیگر «تشویق» کسانی

است که با وجود شرایط نامیدکننده پیرامون خود، به خودشان و آینده‌اشان

امیدوارند. از سوی دیگر برگزاری چنین مراسمی فرصت مناسبی است برای

کشف و پروراندن توانایی‌های پنهان، با انتخاب بهترین‌ها، راه را برای ادامه

معاوضات هموار می‌کنیم.

اگرچه **عنوان داور در این فراخوان شرکت کنید، ملاک شما در انتخاب بهترین اثر چیست؟**

هر چند نگاه سلیقه‌ای یک داور را نمی‌توان نادیده گرفته، اما به گمان من نخستین معیار باید قدرت

تحلیل و نوآوری و شناخت عمیق و آشنایی کامل نسبت به اصول اولیه نگارش داستان یا سرایش شعر

باشد که البته متأخرانه بسیاری از شاعران و نویسندگان نوقلم این اصول ضروری و پایه‌ای را فراموش

می‌کنند و ذهن خود را یکسره وقف پدعتهای تشجیحه و نادرستی می‌کنند. تب «نومرایی» در شعر و

«مدرن گرایی» در نثر به بسیاری از مجموعه شعرها و داستان‌های کوتاه و بلند، سبب شده است.

نویسندگان و شاعران در گام اول خود گرفتار تقلید از سبک‌های مدرن، بیست مدرن می‌شوند، بی آنکه

به این نکته بسیار مهم توجه داشته باشند که برای رسیدن به اتواع شیوه‌های مدرن، باید شیوه‌های کلاسیک

را خوب بداندند و حتی تجربه کرده باشند. بنابراین درست‌ترین معیار، به کارگیری رویه منطقی و ابتدایی

سرودن و نوشتن و درآمیختن آن با اندیشه‌های نو و قالب‌های نوآورانه است. نوآوری باید پیش‌فانه‌ای اصوری،

منطقی و باورپذیر باشد.

مدیر انتشارات سروش تغییر کرد

کمال و رشد و پیشرفت‌های علمی و معنوی ایشان بوده

است.

به گزارش روابط عمومي سروش، ذری این مراسم دكتر

حسبپاں را طی سخنانی گفت: من از كتاره گزینی آقای

اشعري متأسف و متعجبم و برای من چنین برنامه‌هایی

بسیار عجیب است. این آستانه ارتباطات افورده به نظر من

برخوردها، رفتارها و الگوئی رفتاری اشعري به عنوان یک

مدیرعامل در بسیاری از ناشران خصوصی هم یافت

نمی‌شود. وی مردی متواضع، اهل احترام به علم و پرکار

است.

وی افزود: من معتقدم مدیریت سروش در دوره

اشعري، متحول شده است و این چیزی نیست که به راحتی

به دست بیاید.

مصطفی رحماندوست شاعر و نویسنده کشورمان نیز

طی سخنانی ضمن تقدیر از خدمات علی اکبر اشعري و با

اشاره از تأسف حسین سمین آگاهانی ایشان افزودند من ۱۵

سال است که با سروش همکاری می‌کنم و با قاطعیت

اعلام می‌کنم چند سال پیش از اشعري، همکاران سروش

با بی‌انگیزگی و خودمگی رویه رو بودند، اما آقای اشعري

بعد از ورود خود به مجموعه دو کار مهم انجام دادند. اول

اینکه توانست انگیزه‌های جدی به وجود بیاورد و سروش

را از خودمگی خارج کند و دوم اینکه خود را به همه بیاورد.

وی ضمن تجلیل از شخصیت علی اکبر اشعري افزود:

او مردی با اخلاق بسیار نیکوست و می‌داند که چگونه با

بهترین شیوه‌ها به اهل علم و فرهنگ باید احترام گذاشت.

مصطفی رحماندوست ادامه داد: با ورود آقای اشعري به

آینده این وضعیت ادامه پیدا کند.

همچنین در این مراسم دكتر محسن اسماعیلی در

سخنرانی خود ضمن اشاره به پیشرفت‌های علمی

انتشارات سروش در جامعه افزود: افورده آقای اشعري

خصیصه‌های فراوانی دارند که مهمترین آنها رنگ و بوی

دینی و دغدغه حفظ ارزش‌های فرهنگی بوده است. وی

افزود: او مدیری بوده که هیچ‌گاه تاکنون از منصب دولتی،

چیزی برای خود نخواست و زندگی امروز او با بیست سال

گذشته هیچ تفاوتی نمی‌کند.

دكتر اسماعیلی ضمن اشاره به خرد و مدیریت و

برکاری ایشان افزود: امروز اخلاق نیکو، توان سیاسی و

خدمت‌های آقای اشعري توانسته است کارشناسان علمی

بروناسی را در انتشارات سروش گردآورد که پیش‌فانه‌ای

قوی برای یک مجموعه به حساب می‌آید.

در این مراسم هدایایی به رسم یادبود از سوی ریاست

سازمان و همچنین مراکز و سازمان‌ها به علی اکبر اشعري

اخذ شد. همچنین در این مراسم بسیاری از نویسندگان،

مؤلفان و کارشناسان فرهنگی، معاونان و مدیران سازمان

صدا و سیما نیز حضور داشتند.

نمایشگاه دائمی تخصصی کتاب

اولین نمایشگاه و

فروشگاه دائمی تخصصی در

حوزه ادبیات، علوم انسانی

و هنر با حضور بیش از ۲۰۰

نادر چاپ‌نشده هفته جاری

افتتاح می‌شود.

بانی نمایشگاه و

فروشگاه دائمی تخصصی...

شرکت بازرگانی کتاب‌گستر

وابسته به انتشارات علمی- فرهنگی است.

مکان نمایشگاه بزرگراه آفریقا، چهارراه جهان

کوچه، خیابان کمان، پلاک ۴، نمایشگاه و فروشگاه

کتاب‌گستر است.

همچنین ساعت افتتاح نمایشگاه ۱۵۳۰ اعلام شده

است.

محمدرضا سرشان:

مهمترین رمان های ایران پس از انقلاب شکل گرفتند

محمدرضا سرشان

(رهگذر) نویسنده معاصر و

سرمدیبر ماهنامه ادبیات

دانشی در پابع بیان سوز

که بر اکنون در ایران شاهد

شکل‌گیری رمان‌های

پرسخته و قابل توجه نیستم

گفت: این مشکل منحصر به

ایران نیست بلکه خود غرب هم، در قرن بیستم، توانست

اثر زیادی را قدرت و عظمت رمان‌هایی مانند «جنگ و

آبرودان» و «مکانها» و «برادران

کارآموز» دانسونسکی، «آینولیا» و «وکتور هوگر» به

جامعه ادبی جهان تحویل دهد. در قرن مذکور، رمان‌ها به

سوی هر چه شخصی‌تر و شاعرانه‌تر رفت و باقی

مخاطبان آن نیز محدودتر شد. هر چند سنگ‌ها و

متنک‌های امی متنوعی پیدا آمد که هر یک به نوعی،

واحد تاریکی‌های قابل توجهی بود.

وی افزود: اما در ایران پیش‌تر، هم‌چنین وفوی‌ترین

رمان‌های ایرانی، در همین بیست و سه سال پس از انقلاب

پیدا آمد. مدتی که فقط از نظر تعداد، رمان‌ها بیشتر و در

این دو و اندی دهه، به مراتب بیش از تعداد کل رمان‌های

منتشر در کشور، از شرطه تأیوژی انقلاب اسلامی است.

هر چند در یک قلبیسه جهانی، ماهیوز راه‌زایی در پیش داریم

و باید در این حرصه، خیلی بیشتر کار کنیم. در مورد صنعت

کتابی اینکات نمی‌گفته، به‌شهادت شما نگاه‌دها، دهات

چاپ، آثار دانشی از دست‌دینی، به‌شهادت محاسب که دو برابر

نیستند، بلکه مخاطبان آنها گاه، تنها چند برابر، که ده‌ها برابر

مخاطبان آثار غیر دینی است. برای نمونه آگشتی پهلو گفته

سیدهی شجاعی، در یک فاصله زمانی حدوده‌ساله که از

نخستین چاپ آن می‌گذرد، به شمارگنی نزدیک هشت

هزار نسخه رسیده است. یاد در عرصه ادبیات گرفتگان، هشت

ده‌ها، خود بنده به شمارگان حدود چهارصد و بیست و پنج

هزار نسخه رسیده که بالاترین شمارگان کتاب‌های جدی

کوتان در قرن معاصر، سرشده برای است. با مجموعه

بیست معادلی داستان پهلوی (صه) تاکنی عیالگویم، بر آزار

شیرازی، اکنون در برز شمارگان چهارده میلیون نسخه است

و هزار خواننده‌دارد.

وی خاطرنشان کرد: یک داستان دینی، اگر به شکل

هنرمندانه به نیاز زمان خود پاسخ گوید، قطعاً خوانندگانی

به مراتب بیش از آثار غیر دینی دارد. در غیر این صورت

مثل هر اثر دیگری غیر دینی، مورد استقبال واقع نخواهد شد.

۱۷ دیماه سالروز درگذشت شادروان علام، مرصا یحیی ثورمان بلندآوازه ایرانی است، به همین مناسبت قرار است پرونده عکسنامه‌های منتشر بر عکس‌های معروف و محضانتستر شده ایشان از طرف نشر قلم (به مدیریت پایک



تختی فرزند جهان پهلوان تختی) ورده بازار کتاب شود از مراحل انتشار این کتاب با پایک تختی، جواد کنیری (یکی از مجموعه‌داران عکس‌های مرحوم تختی) و ویریک کریم مسیحی (فراح کتاب) گفت‌وگویی شده است که در پی می آید.

پایک تختی: عکس‌های تاریخی و عاطفی دارند
بهباد کشته‌گرد چراغش را زد که از طریق تختی حد زبانی شناسی مردم را افزایش میدهد. در واقع یک جوری هنر و زیبایی شناسی مردم را وارد زندگی مردم کنیم. اولین بار هم بهزاد بود که نقاشی‌ها و پرتره‌های از تختی کشید… پایک فرزند شادروان غلامرضا تختی را همه می شناسند، الا آن در بازار عکس‌هایی که از تختی موجوداست، کیفیت بسیار پایینی دارند، وی دربارهٔ انتشار کتاب عکسنامه تختی می‌گوید:
از همه علاقه‌ورده بر می‌خوریم یاد و خاطره تختی زنده ماند. دومین علت در برابر کارهای نقاشی که آثار زمان به هریشی که از گذشته مانده می‌باشد دیگر اینکه جلی از علاقه‌مندان می‌آیند و می‌کنند ما می‌خواهیم تختی را به آنچه همایان شناسیم، بطور می‌توانیم این کار انجام دهیم. فکر کردم ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که حتی سون‌های نخت جمشید هم از دستان تراژدگر در امان نمانده‌اند این‌طور بود که تصمیم گرفتیم عکس‌های او را که ممکن بود از بین برود چاپ کنیم؛ عکس‌های تهیه شده متعلق به تعدادی از مجموعه‌داران

است از جمله جمشید آرش، جواد کنیری و… مأسفانه جمشید آرش در قتل‌عام قزوین کشته شد. اما در ادامه گزارش نکات جالبی از زمان ایشان مطرح خواهیم کرد.

داشته ملاحظه داشتند که قسمت کتاب زیاد باشد، به همین خاطر سعی کردیم عکس‌های از انتخاب کنیم که یک خاطره تاریخی برای مردم داشته باشد مثلاً عکس‌های مربوط به لیبیکی رم که مردم همه برای دیدن نشسته بودند یا عکس‌های یوگوما که در آن ایران برای اولین بار تهران شد یا لحظه‌های عاطفی که با پدر و مادرش داشته است، اما مأسفانه امکان چاپ همه عکس‌ها از رویک به ۱۰۰۰۰ صفحه) فراهم نشد و ما مجبور شدیم حدود ۲۰۰ عکس را برای کتاب در نظر بگیریم که به شکل تاریخی از اولین عکس‌ها که یک سلگنی تختی است تا آخرین عکس‌ها چاپ شده‌اند.

پایک که خودمیر، نشراتار قلمه و نشر این کتاب است

درباره معیارهای گزینش عکس‌ها معتقد است:
یک معیار حضور آدم‌های سرشناس در عکس بود، دیگری زیبایی بصری خود عکس، بار تاریخی و عاطفی آن، خاطراتی که خود من یا تختی داشته‌ام البته برای من به عنوان یک پدر و برای مردم به‌عنوان یک قهرمان…

عکس‌ها برای بسیاری از دوستداران تختی فرستاده می‌گردد و نتیجه آن می‌شود که برخی عکس‌ها لازم است بازسازی شوند ضمن اینکه اگر کیفیت عکس‌ها خیلی بالا برده می‌شد، کتاب خیلی گران می‌آمد، در این صورت کتاب خیلی گران می‌شد و ما ندانم می‌خواست که کتاب به دست دوستداران تختی با هر مضامنت مالی برسد بنابراین همه عکس‌ها سیاه و سفید چاپ می‌شوند.

پایک تختی در مورد دیگر بخش‌های کتاب می‌گوید:
اطلاعات گردآوری و ژانر و مالروایی آن را آقای سید فرید قاسمی فراهم کرده‌است، به اضافه مقدمه‌ای از من که در واقع بخشی از یک رمان است که قبلاً در مجله دنیای سخن چاپ شد (این داستان به انگلیسی هم ترجمه شده).

عکس‌های موجود در این عکسنامه زیروبسی دارند که در آن نام مکان، شخصیت‌ها، تاریخ و… ذکر شده است. این کتاب مراحل تهیه‌اش را می‌گذارد و احتمالاً قیمت آن حدود



۶ یا ۷ هزار تومان خواهد بود.

این‌طوریم که این کتاب تا نوروزین ماه ۸۲ چاپ شده بود. در نظر نگارنده بعد از چاپ جلد اول، جلد دوم کتاب را هم چاپ کنیم؟

سنگینی دارد به اینکه توانیم عکس‌های جالبتری پیدا کنیم یا نه. از این حدود ۸۰۰ عکسی که کنار گذاشته شده بود، بخش زیادی تکراری بودند و بعضاً دست مردم هستند، برخی هم بار تاریخی و عاطفی زیادی نداشتند یا کیفیت آنها قابل بازیافت نبود.

فکر می‌کنید عکس‌های دیگری هم موجود باشد که شما هنوز به آنها دسترسی پیدا نکرده‌اید؟

بعید می‌دانم، دست مردم غیر حرفه‌ای بیش از این تعداد به شکل تاریخی از اولین عکس‌ها که مجموعه‌داران هم از زمان جیات خودش عکس‌ها را جمع می‌کرد و تقریباً همه عکس‌هایی را که بیرون آمده، ایشان دارد مگر اینکه یک سری تصاویر دست

دوران زندگی

محمد رضا روئسی

گزارشی از مراحل نهایی انتشار کتاب عکسنامه تختی

قاب زندگی

عکاسان حرفه‌ای غیر ایرانی با سازمان‌ها و نهادهای ورزشی غیر ایرانی باشد.

آرژینو روزنامه‌ها و مجلات قدیمی چطور؟

بیش از ۱۰۰ ساله‌ها آرژینو را بررسی کردیم، روزنامه‌های آن زمان چیزی بیش از عکس‌های مجموعه‌داران نداشتند.

دوباره برخی شخصیت‌های معروف و عکس‌ها و لحظات تاریخی-عاطفی آنها بگوید.

بیشتر روزنکاران قدیمی و کشتی‌گران معروف هستند. مثل عباس فرزین، موحده، مهدی زاده، صنعت کاران، حبیبی، محمدعلی فرزین و… که مردم به‌خوبی آنها را شناسند، مابلاً یک عکس با دوقره با مرحوم داریوش فروزه یک‌سری هم سیاه و سفیدهای هستند که ما از تختی ندیده‌ایم مثل جایی که باقیچه را آب می‌دهد، مادرش را می‌بوسد یا صفحه‌هایی که روی دوش مردم است یا مردم یکی ه‌همین‌به‌اشفتاب آمدند، البته این را هم نشانه کنیم که کتاب عکس‌ها هر چه‌اند و ن طرح کتاب بوده است، من از دید درونی، طرح او دید بیرونی دست به گزینش زده است.

پایک دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری این ایده می‌گوید:
ایشان از همه خودسید فرید قاسمی اصرار بر این کار داشت که پیشنهاد آن را حدود ۳ سال پیش مطرح کرد؛

وی از یک حلقهٔ آتش‌سوزی هم می‌داند که در آن بسیاری عکس‌های خصوصی تختی می‌سوزد، اما متوالمان سال ۹۵ آتش گرفت و عکس‌های زیادی در آنجا سوخت. مرحوم عکس خصوصی دیگری نداشتیم، یک بار آقای سیر مرگاک تختی دو تا آلبوم از عکس‌های پدرم را به من داد، البته من او را نمی‌شناختم، توی این آلبوم عکس‌های می‌س می‌بود، مرحوم عکس‌های نفیس و دیدنی‌شده‌ای نداشتیم، آنها را بیشتر از مجموعه‌داران و دوستان تهیه کردیم.

جواد کنیری :

من با این عکس‌ها زندگی می‌کنم!
سال ۱۳۳۵ بود، آن موقع من دبستان می‌رفتم، در مدرسه صحبت آقا تختی بود ولی من و او نمی‌شناختم، در خاک و موزائیک کشتی می‌گرفتم، یک روز یکی از بچه‌ها پرسید: تختی را می‌شناسی؟ گفتیم نه، علاقه‌مند شدیم که این کشتی‌گیر معروف را بیشتر بشناسم. از همان موقع مجله کیهان ورزشی را که برافرم می‌خریدم با علاقه‌مندی خاصی می‌خواندم، بخصوص مطالب مربوط به آنکتی، عکس‌های ارم از همه روزنامه‌ها، جمع می‌کردم (لا یک آلبوم بزرگ عکس روزنامه‌ای از ایشان دارم) جواد کنیری عموال ۱۳۳۷ آن است.

فک روزیک بچه‌ای از کافلاتی که در آن عکس تختی بود، باکت درست می‌کرد، گفتم این کافلات را یک فرآن می‌خرم، آقای کنیری (سال است که باختر زندگی می‌کنم، من با تختی زندگی می‌کنم، هر چه عکس از او می‌دیدم از سرور ابروی می‌کردم کتم عکس‌های مکتبخانه‌های را و از دستارم در نشربه‌ها پیدا کردم تا اینکه فهمیدم در راه‌آز عکس‌های آقا تختی را می‌فرستد همه را تهیه کردم، یک عکاسی هم در میدان بهرستان عکس‌های عروسی اش را



داشت، آنها را هم خریدم، کتم یکم مجموعه عروسی کردم، وی از کورنی مایش می‌گوید، گفتیم یک کوش می‌فرستیم به مسئله‌های آقا تختی، بدم روزش را خیلی دوست داشتیم، به‌خاطر وجود تختی بیشتر کوشی علاقه‌مند شدیم، دوست داشتنم یک روزی تختی بر من می‌باشد، گفتد عشق داشتنم که به‌خاطر کتشی همه‌کار می‌کردم، کوشم، نشریح فوئال و رالیال و بسکتبال بازی می‌کردم، حتی تیم بسکتبال آموزشگاهی مادران آن شد، علاوه از سال ۶۳ تا ۶۴ کشتی را با جدیت پیگیری می‌کردم، آقا تختی که مرحوم شد، من هم کشتی را رها نکردم، دیدگار علاقه‌ای نداشتیم.

جواد کنیری که بزرگترین مجموعه‌دار عکس‌های تختی است چند سالی کارم سازمان تبلیغات اسلامی بود، بعد سازمان تربیت بدنی منتقل می‌شود، از سال ۳۳ تا ۳۵ آرزو شده‌ام گفته‌ام که بزنشتم، می‌نویسند، محیط‌های بزرگ بود، است، با چنگی پایک را چون یادگار تختی بدمی شناختم و کفلی ایشان را می‌دیدم، پایک ۲۵ ماهش بود که بارش فوت کرد، قبلاً عکس‌های خود، پایک در آنتن سوزی (میدان توحید) سوخت.

ایشان یک مجموعه از عکس‌های مرحوم صدیق را دیدم و خیلی پسندیدم، با من تماس گرفت و گفت می‌خواهم یک عکسنامه منتشر کنم، توجه کنیکی می‌کنی؟ گفتف هر کاری بخواهم انجام می‌دهم، روزی هر چه‌ها کرده‌ام، ام که یادگار آقا تختی هستن، یک فرزه را به عکس‌ها داشتیم، ادامه به پایک، قرار بود همه روزه آنها را اسکن کند ولی خیلی طول کشید، گفتیم عکس‌ها را نگفتم عکس‌های مرا بده من با آنها زندگی می‌کنم؛

که در بازی دو چند سال پیش پیروز بودم، بعد از جی‌جایی که در بازی دو نیم فوئال فرم و امی رخ می‌دهد، ظاهر سازمان تربیت بدنی به فکر چاره می‌افتد (۱) و اینکه، صحنه ورزش کنیر، از پهلوانی تهیه است (۲) آنجایی که جواد کنیری کارمند سازمان بوده، به او مراجعه می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند، خاطرات مربوط به جوانمردی‌ها و بزرگواری‌های تختی را بنویسند؛ از دو سه سال پیش سعی کردم که خاطرات آقا تختی را منتشر کنم، هم‌را با عکس‌ها می‌خوانستم این عکس‌ها همراه با خاطرات، دست مردم برسد بخصوص بخشنامه دست بچه‌ها، مثلاً از طریق مجله کیهان بچه‌ها، کوچک‌ها یا ایشان آشنا شوند، از او انگار بگیرند، سازمان تربیت بدنی، خاطرات را پیرامان از من خواست، من هم با شوق فرآن آنها می‌نوشتم، مردم تا ساعت ۱۲ نصف شب می‌نوشتم، مردم می‌نوشتم، مردم ادامه به سازمان ولی مأسفانه آن را خراب کردند، حتی زیر جملات آن خط کشیده بودند، یک لیل قلاب‌هایی بود از مرحوم آا احمد زیر آنها هم خط کشیدند، تا پیرامال تا حالا هر وقت این دفتر را می‌بینم، تصمیم اخردی نبود، به هر حال خاطرات، تو یک جوهره ۹۵ صفحه‌ای مطرح جلای که در آن عکس‌های شعول خولاند نام است، چاپ شد، با نام (۳) پس کویچه‌های خانم آباد تا زفای دل مردم، بعضی‌را گلچین کردند، البته خوب است ولی یک

جامعی بدسلیغی که خرج دادند.

یوریک کریم مسیحی؛

مسئولیت کار ، سنگین است

روزهای اول ژانویه است و جشن‌های کریسمس یوریک کریم مسیحی یکی از هموطن عزیزانم من طرح عکسنامه نختی است.
پیدا کردن ایشان در این ماه بسیار دشوار است. محل کارشان که حضور ندارند در منزل هم نیستند. بخصوص که یک رقم از شماره تلفن ایشان را نشنیده گیر آورده باشی!به هر حال قرار می‌گذاریم روز ژانویه (هج جشن‌های سال نو میلادی)امرامم ایشان شویم.آن هم در منزل بزرگ‌گرای می‌کنم و می‌پذیرم آن هم به گرمی.

بابایک نختی درست بوده،وقتی همید کار من چیست (طراحی و وسعده‌آرایی)که من پیشنهاد دادم.چشموس که چیز دوسه تا از کارهای مرا مثل طرح جلد کتاب‌های نژادی و اسلایدوسه من پرسیدند...را دیده بودم فکر کردمسکن است من توانم طراحی کتاب را انجام دهم.

از مراحل کار فرمایید.

در مرحله اول قرار بود از میان ۱۰۰۰ عکس ۱۰۰ عکس انتخاب و در قالب ۸ صفحه چاپ شده،بعد تغییر طیفه دادند چون عکس‌های اصلا چاپ نشده بیشتر داشتیم و قرار شد



یوریک کریم مسیحی

کتاب با حجمی بیشتر و باعتر از ۱۰۰ عکس منتشر شود.

آلان در چه مرحله‌ای از کار هستید؟

مرحله اول صفحه‌آرایی انجام شده‌است.شرح عکس‌ها هم نوشته شده.فاز است که یوریک عکس‌ها را در دل صفحات چاپ دهد و منصفه‌آرایی نهایی هم‌را با آخرین تغییرات خواست شده را اعمال کند.

چقدر زمان نور؟

به نظر من کار را از چهارم شروع کردیم ولی شب خیلی فکرم در حین کار افتاد.

مسیحی به مناسبت سال نو آفرین‌بنی شده استنه صورتی از باغلول و درخت کریسمس هم‌را با یک نوشته ۲۰۰۳ که وقتی توهم‌را می‌دیدم نشان می‌دند که آفری پاسپر کوچکش نوشته طرح عکسنامه نختی درباره بزرگی‌های این کتاب می‌گوید:«در عین حال که ممکن است کارگزارای باشد به لحاظ اینکه عکس‌های نختی قبلاً در قالب تقویم با یا پوستر چاپ شده است ولی کاری با این بزرگی‌ها با اول است که انجام می‌گیرد مخصوص نوع عکس‌های که در کتاب هستند.قبلاً جایی چاپ نشده‌اند.مثلاًعکس پدر نختی با نوزادی کردن و انوشی از زندگی خصوصی او!صورتی از اسبیتنی کردن در حوض،دوچرخه سواری، آب دادن باجوجه و...کسب اینکه این بار اول است که بابایک نختی (به معنای هم‌زمان) بر عکس‌ها و وضعت و سیاحت و اسناد آنها نظارت می‌کنم آن هم نظارتی بسیار دقیق»

در حین کار به مشکل خاصی برخوردید؟

نه فقط مسؤولیت آن مرا می‌ترساند،چون چته تاریخی دارد و کار صرفاً یک صفحه آرایی عادی نیست.مسئولیت این کار سنگین است.

روی عکس‌ها، کارهای گرافیکی یا تغییراتی انجام ندادید؟ ابتدا قدم می‌خواست این کار را بکنم ولی بعد هم آقای بابک نختی و هم خودم به نظرمآن رسید که عکس‌ها دست نخورد و سادگی آنها محفوظ بماند.

وی درباره سنگ و سیاق صفحه آرایی کتاب می‌گوید: سعی کردم عکس‌ها هرچه بزرگتر و منسربوط به هم باشند، مثلاًعکس‌ها تنها باقرنایش را در کنار یک عکس با موضوع دلگسکی (مثل جایی که در کنار بجره نظر، تنها ایستاده و جای ناپیدایی را نگاه می‌کند) گنجاندم؛ کلاً سعی شده وحدت مفهومی و مضبوطی کار حفظ شود.

آقای بابک نختی اشاره داشتند که معیار طرح برای گزینش عکس‌ها از میان ۱۰۰۰ نقشه، نگاه بیرونی بوده است، لطفاً در این مورد توضیح بدهید.

بیاید بعضی عکس‌ها ظاهرآ از چند نفر بودند ولی عده، آنها مربوط به یک نفر بود.عکس‌های زیادی هم بااطلاعات دواتی بوده‌مسیحی گزینم عکس‌هایی را بزرگتریم که کمتر دیده شده‌اند یا اصلاً دیده نشده‌اند و مربوط به زندگی خصوصی ایشان باشد از جمله تصاویر شب دامادیش.

یوریک کریم مسیحی می‌افزاید: «چیزی که برام خیلی جذاب بود آخرین عکس نختی بود که با یک روزیا ساعتی قبل از مرگ ایشان برداشته شده. هر چند خیلی محروم و ناآنیادست ولی به تأیید خود بابک این عکس هم در کتاب آمده است».

وی بسیار اسرار داشته که و بیشترامه نختی هم کار شود و نیز گذرنامه‌های دروازش او، هر چند وسعتنامه نختی خیلی آسیب دیده و پوسیده بود ولی عکس‌ها خوب می‌شود.پیشنهاد دیگرم این بود که ۲ صفحه به اسناد تاریخی بایاداست‌هایی که در هنر نوشته اختصاص یابد که باقرنیه شد».

این کارشناس طراحی درباره طرح جلد کتاب می‌گوید: هنوز طرخی آماده نشده است. اسم کتاب هم هنوز مشخص نیست شاید طرح جلد از روی اسم کتاب باشد، این را هم اضافه کنم که به لحاظ فنی عکس‌ها به روش درش چاپ می‌شوند.عکس‌های سیاه و سفید برای به‌دست آوردن کیفیت بهتر،چاپ در بار چاپ می‌شوند که البته مسکنی به کیفیت خوب‌عکس‌ها وارد ولی متأسفانه به غیر از تعدادنگشت‌شماری،بچه عکس‌ها کیفیت خوبی ندارند و میجود ششم برای به‌درازش آنها وقت بگذاریم و لک‌ها و آسیب‌ها را برطرف کنیم. البته درباره اولین و آخرین عکس مجبور شدیم که از کیفیت صرفنظر کنیم».

شما گفتید هیچ کدام از عکس‌ها را نتوانستید به دست آورید؟

خیر ،نکاتیو هیچ عکس‌را پیدا نکردیم. خیلی از عکس‌ها هم نمی‌توانستیم پیدا کنیم.

همسریوریک که بذاری می‌کند.شرمند می‌شوم که روز دوم ژانویه مراسم این خانواده شریف شده‌ام. یک شرمندگی دیگر هم احساس می‌کنم آن هم وقتی است که به فرزند خردسالش نگاه می‌کنم! روی روی تلویزیونی نشسته است که مطابق شنیده‌ها اسامیل برنامه خاصی به مناسبت تولد عیسی مسیح(ع) پاسسر صلح و رحمت نداشته است.؛ مصاحبه را به دراز نمی‌کشانت.

و حرف آخر؟ وقتاً خیلی خوبتولیم که من دوام کار طراحی این کتاب را انجام می‌دهم. که آن هم به خاطر لطف و اعتمادی است که آقای بابک نختی نسبت به من دارند و امیدوارم که ما پریشان نگینم.

بازتاب

جوایه مدیر انتشارات شباویز

به یادداشت جای خالی یک قانون

فریده خلغتری



در صفحه ۲ شماره ۸۸، پیاپی ۲۷۵ کتاب هفته به تاریخ سه شنبه ۷ آبان‌ماه ۱۳۸۱مطلبی با عنوان «حالی یک قانون» درج شده بود که جز تعریف حقایق و گوششی ناآفرجام در جهت شکستن حرمت کسانی که خود را وقف خدمت به فرهنگ کشور کرده‌اند، نمی‌توان نامی بر آن نهاد. در بند دوم مطلب آمده بود، «تلاش معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اتحادیه نشران و کتابفروشان تهران و رایزنیهای آنان با کمیسیون فرهنگی مجلس در نهایت به تصویب قانون معافیت مالیاتی...

منجر شد...». به راستی که هیچ مطلبی از این خلاف تر نمی‌تواند باشد. اتحادیه نشران و کتابفروشان تهران کوچک‌ترین نقشی در تهیه و تصویب قانون اصلاح شده مالیاتی نداشته‌اند. معاونت محترم امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در تحقق یافتن این مهم سهمیم نبوده است. هیچ گونه رایزنی هم با کمیسیون فرهنگی مجلس به عمل نیامده است!

قانون اصلاح شده مالیات‌های مستقیم حاصل ده‌ها جلسه کارشناسی و صد‌ها نفر ساعت کار شبانه‌روزی نمایندگان محترم کمیسیون اقتصادی مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسؤولان وزارت امور اقتصادی و دارایی و کارشناسان مستقل بوده است ولاخیر بدون شک نمایندگان محترم عضو کمیسیون فرهنگی نیز جز این نخواهند گفت. صورت جلسه تمامی جلسات وجود دارد و پیشنهاددهندگان هر جز، قانون نیز مشخصند. گفت و شنودهای جلسه‌ها ضبط شده است و دست‌اندرکاران این خدمت نیز شناخته شده‌اند. نام تمام افراد حاضر در هر جلسه وجود دارد و جزئیات نامه‌های دریافتی نیز ثبت شده است. حتی یک بار، ولو برای یک دقیقه، کسی از وزارتخانه یا اتحادیه در این جلسات حضور نیافته است!نهایتاً، شخصی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، جناب آقای احمد مسجدجامعی، از آنچه در شرف تکوین بود، اطلاع داشتند و رهنمودهای لازم را در اختیار کارشناسان حاضر در جلسه قرار می‌دادند. اگر نویسنده مطلب با مراجعه به دفتر ریاست محترم مجلس شورای اسلامی اسامی دریافت‌کنندگان تقدیرنامه از ریاست محترم مجلس را درخواست می‌کرد، هرگز این چنین به بیراهه نمی‌رفت. اگر پس از گذشتن چند ماه از این رویداد تاریخی، تاریخ‌سازان این چنین به فراموشی سپرده شوند، چند سال دیگر چه نوشته خواهد شد؟

در ادامه مطلب، نویسنده ناآگاه که با معنا و مفهوم مواد قانونی نیز همچون تدوین‌کنندگان آن آشنایی نداشته است، چنین نوشته، «برابر همین قانون اگر درآمد کارگری در ماه ۱۰۰ هزار تومان باشد ۵ هزار تومان از آن می‌تواند صرف خرید کتاب شود». خیر!باز هم خیر!معنای بند ۲۸ ماده ۱۲۸ قانون مطلقآ آن نیست که نویسنده نوشته است. به موجب این بند، هر کارفرما می‌تواند حداکثر تا مبلغ ۷۵۰۰۰ریال در ماه برای هر یک از کارکنان خود و افراد تحت تکفل آنها کتاب و سایر کالا‌های فرهنگی، هنری خریداری کند. این هزینه، هزینه‌ای قابل محسوب می‌شود. حال، از این مطلب چگونه می‌توان نتیجه گرفت که، به این ترتیب یک کارگر در طول سال می‌تواند به جای آنکه مالیات دهد، ۶۰ هزار تومان را صرف کتاب کند، از نویسنده مطلب باید پرسیده شود!

در ادامه، مطالب دیگری آمده که به راستی خیرت انگیز است. کدام بخش قرار است مستقیماً در اختیار کارگران قرار گیرد؟ چه ارتباطی بین مفاد قانون و تجربه فروش بن کتاب وجود دارد؟ آیا به راستی نویسنده معنای هزینه قابل قبول را می‌داند؟ آیا هیچ‌یک از مواد قانون را خوانده است؟ و... چرا هر کس و در هر مقامی و با هر دانشه علمی و تجربی به خود اجازه می‌دهد درباره هر موضوع تخصصی اظهارنظر کند و تا به اینجانب پیشی برود که نادانسته‌های خود را به جای حقایق در اختیار خوانندگان یک نشریه وزین فرهنگی قرار دهد؟

عمل نویسنده مطلب مصداق بارز ننگ خوردن و نمکدان شکستن است. زیرا که از مرایای قانون اصلاح شده مالیاتی بهره‌مند شده‌اند. اما برام تدوین‌کنندگان این قانون قلم‌کشیده‌اند. اگر به یاد آورده شود که نشریه کتاب هفته مدتی است به صورت تریبون آزاد هیات مدیره حاضر و سابق اتحادیه درآمد، است و حتی با عدول از الزامات قانون مقرعات، از درج پاسخ مطلب نداشت آزاد خودداری می‌ورزد، دلیل گوشش ناآفرجام نویسنده، برای تحریف تاریخ مشخص تر می‌گردد.

جای آن دارد که کتاب هفته از فرد فرد کسانی که در اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم سهمیم بوده‌اند، غنارخواستی کند.

اصغر اندروی مترجم و ویراستار کتاب‌های ترجمه بیشتر است

شما چرا ترجمه می‌کنید؟

پنده به علت علاقه شدید به کتاب و خواندن،معلم از تغییر مردم تا بیشتر علاقه مندم و کار داشته بعد خدمت کار و تحصیل به ویرایش علاقه مندم و کارم را در این جهت می‌گرفته بعد از ترجمه اولین کتابم در بهار ۸۲ ترجمه مرا محبوب خود کرد و فریادم به این ترتیب جوشی و علاقه‌ام با نوشتن تراجمی نمود چون همه آنچه را دوست دارم نویسم، نمی‌شود نوشتن، شوقی، خودشان



اصغر اندروی

استدلالهایکی از آنها برای نخستین بار توهمان اسلپ کنده وامت شود اما دقیق تکلمی را مسائلم کنوده شو و اسلپ الاریکی ده دقیقه در سال پیش شروع شد. شالله، البته واضح و مبین است که چنانچه کتاب‌های وطفی یا جال‌هر وی خواندن و معانی فرهنگ این مرموزم به دست مردم برسانه البته به شرطی که خوانده شوند نه لایه‌سیر پیچر است. روزگاری شعاع‌مان بود که برای جشن ارفی بخیر به قول آن آقا خوب شعرهای ارفی از جنس ارفی جمعش بشد. بی‌است که ورفی ارفی معنی و معقول و مقبول به دست مردم برسانه. حاصل کار نویسندگان خارجی رومی می‌آورد که در تغییر بیان جهت حرفی آنگاه که خوب و نگه‌دار است می‌تغیر نیست.

زندگیش

زندگیش

ترجمه اگر چه در ایران از سابقه طولانی برخوردار نیست،اما در عین حال روندی رو به جلو و صعودی داشته است. وقتی آثار ادبی و فلسفی و تئوری نویسندگان و متفکران خارجی در ایران ترجمه و منتشر شد، ما فعلاً با جهانی نو آشنا شدیم. جهانی که به ما نشان داد که صداهای و فک‌های دیگری هم وجود دارند که آنها را نشناخته بودیم و ما از این صداهای و فک‌ها شمر و داستان و فلسفه و لذت بردیم. تأثیر پذیرفتیم و استفاده کردیم. ترجمه این منون ما را از لذت آشنایی و آگاهی از این منون بی‌برند کرد. همچنین حاصل ترجمه، آشنایی ما با سبک‌ها و شیوه‌ها و تئوری‌های جدید در عرصه ادبیات بود.

اما اینجا اینجا دنبال می‌کنیم نویسه و حتی هجوم ترجمه است و نوعی به حاشیه رفتن ادبیات بومی و ملی خودمان، متأسفانه وقتی به کتاب‌فروشی‌ها مراجعه می‌کنیم بیشتر و بیشتر داخل قفسه‌های آن، پر شده از کتاب‌های ترجمه شده شعر، داستان، فلسفه، سیاست، علمی و… و کمترین سهم در ویرتین‌ها و قفسه‌های کتاب‌فروشی‌ها، نصیب کتب تالیفی نویسندگان وطنی است و همچنین کمترین استقبال و فروش نیز از آن همین کتاب‌ها و همین نویسندگان است.

آنچه در این نوشتار و نظرسنجی دنبال می‌کنیم پاسخ به این سؤال است که: چرا بازار کتاب‌های ترجمه گرم است و چرا شعر و داستان ایران در مقابل منون ترجمه شده دارد به حاشیه می‌رود؟ یا چند تن از مخاطبان کتاب، مترجمان و ناشران، این سؤالات را مطرح کرده‌ام که در پی می‌آید.

یک نظرسنجی پیرامون کتاب های ترجمه

چرا ترجمه؟

دست‌اندر کار ترجمه نیز در فاصله کارم بگر بسیار داشته است. یکی دیگر از دلایل علاقه‌ام، ترجمه آن است که مخاطب و مروضعات جدید است. می‌شود و به نظر می‌رسد آگاهی از آنها برای هم‌وطنم سوخته است. **علت استقبال از کتاب‌های ترجمه چیست؟** یکی از علل استقبال مردم از ترجمه بیشتر بودن تعداد کتاب‌های ترجمه‌ای است. به طبعی است. قیبه هر کسی خودش نیز از همه می‌داند. چرا کتاب ترجمه‌ای را ترجیح می‌دهد و دلایل آن هر فردی است. و ترجمه‌شناسی، خود لطفی و تأکیدی ترجمه‌ای موصوعی‌های تئوری ترجمه‌نگار، نظری ترجمه‌نگار و رویه‌رومی‌شود می‌تواند آن را به کتاب‌های کسپ از خوانندگان احساس غبن‌های و معنوی می‌گذراند. می‌دهد. البته هسته کنش‌ها کتاب‌های ترجمه‌ای نمی‌خواند، آن هم به این دلیل که ترجمه کیفیت خوبی ندارد.

آیا استقبال شدن بازار ترجمه به ادبیات، ما فلسفی می‌آید؟ اولاً به نظر بنده بازار خواندن و کتاب و مطالعه هیچ وقت اتساع نمی‌شود. هر چه کتاب نوشته شود، بازار هم کم است و به خصوص ما ایرانی‌ها که با بی‌تألیف، تألیف یا کتاب‌های بی‌مغز بیشتر کتاب در جامعه (از بیرون خودمان) کتاب‌فروشی‌ها میبیم. بهتر

جاهد چپ‌نشانهای



اصغر اندروی

جاهد چپ‌نشانهای مترجم

مخاطب دنبال خوراک فکری نوست

چرا ترجمه می‌کنید؟

آنها هم سر، انگیزه شخصی مرموزم سنگی دارد. همه تلاش است. با نظر گرفتن شرایط اجتماعی، سیاسی و مخاطب مرموزم باید کتابی را به مخاطب ارائه کرد که سطح کلی مخاطب را بالا ببرد. یک مرموزم وطفی جای طوفان راه‌شناسی می‌گذارد. دست به نوعی همه‌شناسی میبند. طوفان می‌رسد. قوی به شناخت اساس مخاطب می‌شود.

چرا؟

میربعضی بی‌شکلی دارند که جلب است. بطرح مخرج‌ها، به دلیل اینکه به کسی صحبت می‌کنند، مرموزم چیزها و مسائل را که برای کشور، خودش نیست. هر ضعیف‌کننده به مخاطبان زبان‌مانی، این انتقال نیست. شرایط اجتماعی یا زبانی‌های خاصی دارد. در کشور ما که سابقه قطع رابطه با جهان اطراف خودش را دارد، ما کمتر با فرهنگ و ادبینه کشورهای دیگر آشنا بودیم. اکثر اهل علم در کشور ما با زبان خارجی بی‌توانند. مخاطبان همه‌چیزهایی می‌شوند که ترجمه‌شده می‌آید. گفت می‌شود چون مخاطب مطالب خوراک فکری نوست و تعداد خوانندگان ترجمه‌شده است. نتیجه نیازش از طریق آنگاه ترجمه‌شده می‌آورد. می‌کنند. این در جامعه خودمان است که نام مرموزم کتاب نیست. جمله کتاب در کشور از کم‌تر نوشته می‌آید. این امر به خاطر این است که در کشور به باقی‌ماند کتاب‌های روز و رویه‌رومیست. همه‌شمن‌جانب‌ش گذر می‌تواند. در باقی‌ماند فرهنگ و اهل قلم خوراک فکری کسی را عرضه نمی‌کند. در نتیجه مرموزم می‌شود. منان، ادب‌های جدید را فقط مخاطف جهان به زبان‌مانی منتقل می‌کنند. و چون مخاطب دنبال این مسائل نوست به مطالعه ترجمه روی می‌آورد.

علت استقبال بازار کتاب از آثار ترجمه، چه آسیب‌ورزایی به آثار داخلی می‌آید؟ کتاب‌ها و تراجم‌های کنده‌شده کتاب‌ها هم جلی‌ارای کسی تنگ نمی‌کنند. نگاری ما باید این باشد که چرا کتاب جایگشای را در کشورمان پیدا نمی‌کند. نه‌له‌های دینی اخبارات رایگانی را در اختیار عده‌ای در نظر می‌گردد. نه که این فریادیل به آفت‌نشر نمی‌شود. نه حال‌دهنده‌شده کار اهل قلم شکر و قدرتی شیشه‌ای شود. حلال‌چه مرموزم باشد و چه نویسمند.



رمان و شعر، بیشتر از نویسندگان و شعری کشورمان می‌خوانی یا رمان و شعر خارجی؟

اشاره‌ان و نویسندگان کشورمان هم می‌خوانم. آنگاه نویسندگان خارجی را هم می‌خوانم.

چند داستان‌نویس و شاعر ایرانی معاصر را می‌شناسی؟

هنرنگ‌کشوری محمد معتمدی یا احمد شاملو می‌دانم. لذت‌آندی.

کتاب‌های این گروهی که نام بردی خوانده‌ای؟

بهار از آنگشتوری حکیم‌احمد حبیب، احمد امجدی و دولت‌آندی

لا‌له‌های بابایی او، فرحبه باباییان و شعرهای شاملو و تیمارام خواندم.

بیشتر کتاب‌هایی که می‌خوانی ترجمه آثار خارجی است یا آثار داخلی است؟

گفتم که هم از نویسندگان ایرانی می‌خوانم. هم خارجی.

دانش‌های خارجی را بیشتر دوست دارم.

چرا؟

هیجان از لذت بیشتر می‌دارند. رمان‌های خارجی بی‌وز است.

مادانه و هیجان و ترس و شادی است. نویسندگان خارجی قلم‌نشانگ و روانی دارند. در عین حال که ساده می‌نویسند.

سازشکل و زیبایی را در کارشان می‌بینم. شخصیت‌های رمان‌های خارجی را بیشتر باور می‌کنم و در ذهنم می‌ماند.

انگار قهرمان داستان خودم هستم. مثلاً یک شخصیت قاتل در یک رمان پلیسی خارجی، آدمی پیچیده و مرموز است. دم دست و نزدیک است در عین حال دور است، با اگر کسی را می‌شناسد به دلایل ملموس و باورپذیر است. هر چند

که این دلایل یک پیچیده هم هست.

آنها را که گفتی، در رمان‌های ایرانی ندیده‌ای خود؟

ببیند. کم‌تر می‌بینم. اندازه‌اش یک رمان‌نویس خوبم و بتوانم

آن آفت‌نست. می‌آید. رمان‌نویس آنگار یک نویسنده و نگاه‌معتدنی

را می‌چندم می‌شود. بخنده و هیجان کم‌تر در دانش‌های فارسی شده می‌شود. در دانش‌های فارسی ما بیشتر صحبت کردن می‌بینم. اتفاق می‌دهی.

مفکرات از هیجان چیست؟

یعنی نویسنده داستان اطوری نویسنده که آدم به‌خاندان آخرش

آن را دنبال کند. یعنی ترس و هیجان در آن باشد. مثلاً وقتی داستانی را می‌خواند، از قول آن آخر آن بگذرد باشد، در هر فصلی اتفاق می‌فتد.

ما رمان‌های خوب‌های ادبیم که همه به حافظ می‌ترم و هم مردم و محبور کارهای روزمانی هستند. او را به اول‌شما هیجان و اتفاق هم هست. در عین حال شخصیت‌های بسیار خوبی که خواننده که باورپذیر هم هستند. شما واقعاً اولین پیش‌نماده که رمانی ایرانی بخوانید و این مشخصات را در آن ببیند؟ فکر نمی‌کنید آثار ایرانی را کم خوانده‌اید؟

اینکه من کمتر از رمان‌ها و داستان‌های ارفی لذت می‌برم. فقط شخصیت من است. اما اینکه آثار ارفی کم می‌خوانم، شاید حق باشد یا شاید نباشد.

متخلص به «مجموده است و سال ۱۳۱۲ در بروجان چشم به زمین باز کرده او فرزند سیدمحمد حسن محمدی از اسادات پیام بروجان است که از همان اوان کودکی شیفته قرآن و خواججه شیراز می‌شود او که پیش از ۶۸ سال عبورش را سپری کرده، حاج سید محمود محمدی متخلص به «مجموده نامبر باز شده است و این نام گذشته از جلد کتاب‌هایش به ترویج تاریخ طغیانات نیز آمده است؛ از تشریحاتی محلی چون «لیک خبسنه و وخامه ملت» گرفته تا «پارس شیراز» و «اطلاعات و ایامداد» وی می‌گوید: «تاکنون ۲۴ کتاب در ۵۵ جلد نوشته که «تتها ۷ جلد» آن تا به امروز چاپ شده است پس ما نیز به دلیل همین چاپ شده و نشده‌ها یا او در مومنتش به یک نشتسه‌ایم

چه آثاری را تا امروز نوشته یا منتشر کرده‌اید و اینکه خط فکری و انگیزه شما بیشتر حول چه محورهای بوده است؟
پیشتر علاقه به تألیف کتاب‌های فرانسوی، مذهبی و تاریخ حافظ پوزوهان دارم که به تلفظ خدا تاکنون ۲۲ کتاب در ۵۵ جلد تألیف کردم اما هنوز ۷ کتاب بیشتر را نتوانسته‌ام چاپ کنم.

اولین کتابتان چه سالی منتشر شد؟

مجموعه‌ای بود از شعرهایم به نام «قیامت و انسان» که پیشتر از دوستانه‌ای حول جنگ ایران و عراق برخوردار بود. کتاب دیگرم «خیز مومنین» است که شرح عهدهای روزانه ماه مبارک رمضان است. کتاب دیگری هم بود که همراه با این دو، سال ۱۳۶۵ چاپ شده است.

چه کتابی بود؟

فنا المومنین» بود. حاوی شرح دعای کبیل که در حقیقت مجموعه‌ای از روایات داستان‌ها و اشعاری از من است. کتاب دیگری هم درام به نام «طایفی» از قرآن کریم که در سال ۱۳۷۶ چاپ کردم و آخرین کتاب نیز ایامثال الحکم در شعر حافظه است که در سال ۱۳۷۴ چاپ کردم.

شیوه‌های نگاه و گزینش شما بر چه روشی استوار بوده؟



من ۱۰۰ بیت از اشعار حافظ را گزینش کردم و به تشریح، تفسیر و تفسیر آن پرداختم و بیشتر به کاربردهای آنها در مکان و زمان توجه داشتم.

آنگونه که می‌دانیم آثار دیگری را در مورد این شاعر بزرگ فارسی‌زبان نوشته‌اید. این آثار با این کتاب چه نقاط افتراق و چه تفاوت‌هایی دارد؟

در این کتاب بیشتر به شرح اشعارش پرداخته‌ام اما در کتاب‌های دیگر توجه من بیشتر به زندگی و شیوه سلوک حافظ است. اینکه چه بوده، چه می‌کرده و مباحث دیگری که برای هر علاقه‌مند به حافظ مهم و ضروری است.

چه شد که به حافظ شناسی و تألیفات دینی و مذهبی روی آوردید؟

من از همان دوران کودکی شیفته و دل‌فرشته حافظ و قرآن شدم. به حافظ آنکه در کودکی «ملاعلی زنگیری» استناد مکتبه‌ای از من خواست تا قرآن و دیوان حافظ را تهیه کنم و پیشتر برهم‌آه شده اشعار دیوان حافظ را به من آموخت و من برپایه شاکردش شدم و از همان موقع عاشق و محاج حافظ شدم. تاکنون سه کتاب پیرامون شناسی تألیف و همچنین اشعاری را در وصف او منتشر کردم.

با توجه به اینکه شاعر و حافظ شناس هستید، تا چه حد از وی متأثر شده‌اید؟

حرفه‌یانی‌ا به خاطر مطالعات و تألیفات که در زمینه

کتاب و نوی

غلامرضا شایسته‌نگار - خاتون فلک‌اللاکی

گفت وگو با سید محمد محمدی شاعر و حافظ پژوه بروجانی

هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

عرفان و قرآن دارم، متأثر از حافظ هم بودم‌ام که خود حافظ از قرآن الهام گرفته است که غیر عشق که عرفان و اشعار مذهبی، از انسان‌سازی دم می‌زند. من مرید اویم که اشعار بسیاری در وصف امانان، الهه و دیگر معصومین و بیغیران داشته است. من نیز بر این بزرگوارم.

شما خود را یک شاعر وی‌ای می‌دانید؟

در حدود ۱۰۰ سال پیش در شب ۱۰ آید، رمضان بود که به علت شب‌زنده‌داری و روز و زین‌افران به خواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم که مانند پرده دو بال دارم و پرواز می‌کنم و پس از طی کردن مسافت زیادی از آسمان نمانی به گوشم رسید و گفتند ای محمود تو طاهر شده‌ای و از این پس به عالم غیب دست خواهی یافت و اشعار تو کتاب و نثار تو چون زر و طلا خواهد بود. در این هنگام از خواب بیدار شدم.

مهمترین ویژگی اشعارتان را در چه می‌دانید؟

شعر باید چیزی است که بی‌شکری اجتماعی داشته باشد و نه تنها نباید به عشق بپردازد و از روی هوا و هوس باشد. باید سازندگی داشته باشد. نه محروم و اگر اینطور نباشد، ارزش و لطفی ندارد.

یعنی به رسالت شعر معتقدید؟

بله. اعتقاد کامل دارم. اگر اینطور نبود، امام علی(ع) و امام حسین(ع) شعر نمی‌سوزند. فردوسی یا شاهنامه

زنده‌کننده زبان پارسی بود و به خاطر اصالت و آهنگین بودنش است که این رسالت را کاملتر کرده است.

از دیگر آثارتان بگویید؟

در زمینه تاریخ و جغرافیا دست به تألیف بسیاری زده‌ام. شش‌تایی زده‌ام و کتابی را به نام طغیان را نیز نوشته‌ام.

پیرامون فایز سخن‌ها و تألیفات بسیار شده است. آیا مطلب تو و جذابی دارید؟

چیزی که مرا به تألیف این اثر هدایت کرد این موضوع بود که مردم غالباً فکر می‌کنند که وی یک ترانه‌سرا و تصنیف‌سرای عشق مجازی بوده. در حالی که دیوان فایز پر از اشعار مذهبی پیرامون الهه است (تذیل امام علی(ع) (ایرقلقل العباس (ع) و روز قیامت الهه است نمی‌توان گفت فقط به عشق اشاره داشته که اینگونه او را شناخته‌اند. می‌خواستند او را کاملتر و نقضاً با تصاف کنم تا دیگر نمانی نماند.

کو تاه... کو تاه شهرستان

این کتابخانه دارای هشت هزار جلد کتاب و ۵۰۰ عضو است که هیچ گونه تطایقی با جمعیت ۱۰۰ هزار نفری این شهرستان ندارد.

کتابخانه ای برای اهل قلیان

اولین کتابخانه مسجد هستان قلیان از توابع استان کردستان، در ماه جاری تأسیس شد.

بزرگترین مرکز تحقیقاتی و دین پژوهی کشور در مشهد گشایش می‌یابد

همزمان با جشنه میلادپرکت حضرت علی بن موسی (رض)ع، ساختمان بزرگین مرکز تحقیقاتی و دین پژوهی کشور در جوار بازار گنجه مورد رضوی گشایش می‌یابد. این بنا که آستان قدس رضوی آن را در بخش شمالی مجموعه حرم مطهر امام رضاع(ع) ایجاد کرده ۲۳ هزار متر مربع زیر بنا دارد و در آن تمامی امکانات لازم برای محققان، دانشندان و پژوهشگران پیش‌بینی شده است.

یادداشت

مجلسی زارعیان جهرمی

همه خاک ایران سرای کتاب

برگزاری هفتاد و یک نمایشگاه بزرگ کتاب استانی، دستوردهیش از یک‌ده فعالیت مؤسسهٔ نمایشگاههای فرهنگی ایران است. این مؤسسهٔ مجری برگزاری نمایشگاههای بین‌المللی کتاب تهران نمایشگاههای قرآن کریم تهران، نمایشگاههای قرآن کریم استانی و نمایشگاههای منطقه و موردی دیگر نیز می‌باشد. برگزاری این نمایشگاهها در استانی، سازمانی، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی میسر بروج فرهنگ کتاب و کتابداری از بین اشل مختلف جامعه است. اما برگزاری نمایشگاههای کتاب استانی از مهمترین رخدادهای فرهنگی کشور در دهه اخیر است. این نمایشگاهها مکتبی برای تعلیم، آشنایی، ترویج و ترمیم است که در آن تولیدکننده، ناشر، مصرف‌کننده، ناخلف یا خواننده) و توزیع‌کننده از خواسته‌ها و نظرات یکدیگر آگاه می‌شوند.

نگاهی به گزارش‌های آماری و نمودار سالانه فعالیت نمایشگاههای استانی نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۷۹، تیرن تعداد نمایشگاههای برگزار شده تعداد تهران شرکت‌کننده، تعداد نمایان ارائه شده، جمعیت بازدیدکننده و میزان فروش

نمایشگاهها رشد چشمگیری داشته است.

لیست که مؤسسهٔ نمایشگاهها در آستانه برگزاری هفتاد و دومین دوره، نمایشگاه کتاب استانی (فارس) می‌باشد، فرهنگ مکتوب برای سراسر این سرزمین پیش‌بینی شده است. کزدهٔ بسیار قابل توجه است که برگزاری سه نمایشگاه بزرگ

بخطور همزمان در سه استان کشور، ایلام، کرمان و آذربایجان هفت کتاب استال (آیام‌ماه) نشان دهندهٔ بتکلیل بالای اجرایی این مؤسسه می‌باشد.

فرهنگی برگزاری بهتر و معیشت نمایشگاههای استانی می‌تواند تسهیل‌هایی را ارائه داد و زمینهٔ روشن‌های گسترده‌ای را فراهم آورد. بررسی این امر برضفا،ها ضروری است.

بررسی بگر نمایشگاههای کتاب استانی و آیندهٔ فرهنگی استان می‌تواند

بررسی بگر نمایشگاههای کتاب استانی بر اقتصاد نشر

بررسی بگر نمایشگاههای کتاب استانی روایات فراغت خانواده‌ها و جوانان

تسین اهمیت فرهنگ مکتوب و بررسی تأثیر توسعه فرهنگ مکتوب

بررسی معضل کتابسازی و بگر آن در فرهنگ عمومی کشور

نظر علیرضی ازنتران، بازدیدکنندگان و مسئولان اجرایی

طرح این مباحث و نظر سنجی‌های گسترده درموردوق

بر افزایش استقبال از نمایشگاههای استانی و در نتیجه عملکرد

و آیندهٔ این نمایشگاهها، تشریح قابل توجه در تهیه مقاله‌های

تحقیقی بر طبق نظر سنجی‌ها و گزارش‌های آماری دقیق می‌تواند

راهکارهایی مفید را در جهت برگزاری بهتر این نمایشگاهها در اختیار مدیران اجرایی قرار دهد.

مجموع فعالیت‌ها و کارشناسان قرا و برگزاری و بررسی

مشخصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان بروجان و در

دست داشتن امام برای آموزش و تحقیقات، کتابخانه‌ها،

دانشکده‌ها و مدارس و برنامه‌ریزی دقیق در جهت ارتقای استانی

و تبلیغات قابل برگزاری و در حین برگزاری در شهرستانها و

حی بخش‌های استان می‌تواند بگذراند و بدون مزاحم و

مسئولان اجرایی قرار گیرد و تألیف هینه در بربر تلاش‌های

می‌بیشان فرای برد

خبر

سخنرانی علی معلم در کانون ادبیات ایران

بیست و نهمین نشست هفته کانون ادبیات ایران در سالن اجتماعات خانه هنرمدان ایران برگزار شد. در این نشست که به سخنرانی و شعر خوانی استاد علی معلم دامغانی اختصاص داشت هادی سعیدی کیاسری از ویژگی های سخناری، محتوایی و موسیقایی شعر استاد معلم سخن گفت.

جلد دیگری از افسانه ها

دهمین جلد از مجموعه فرهنگ افسانه های مردم ایران، منتشر شد.

این مجموعه که سال هاست از سوی علی اشرف درویشیان و رضا خندان جمع آوری شده است چند وقتی است که به بطور مرتب وارد بازار نشر می شود. به تازگی هم جلد دهم این مجموعه که به حرف قوا اختصاص دارد منتشر شده است. این کتاب شامل ۱۸۸ افسانه است و ناشر آن انتشارات کتاب و فرهنگ است.

کتاب

آیه های آه

آیه های آه، **ناصر صفاریان**، تهران: **روزنگان**، **۱۳۸۱**، **۳۹۲ صفحه**، **۳۰۰۰ تومان**

کتاب **سخنرانی** است برای آشنایی خواننده با تمامی وجوه شخصیتی فروغ فرخزاد، بنابراین **آیه های آه** پژوهشی است برای زدودن های

اسطوره‌های پرامون فروغ و ارائه تصویر واقعی از او. در این کتاب نوته‌هایی از منوچهر آشتی، آیدین اعتدالی، حسین بهبهانی، بهرام بهضایی، خسرو سیاهی، هوشنگ کاووسی، پوران فرخزاد، کاوه گلستان، هوشنگ گلکستانی، داریوش مهرجویی و… آمده است.

داستان‌هایی از فریده خرم‌مند

آب حیات عشق، **فریده خرم‌مند**، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی **پاژینه**، **چاب اول**، **۱۳۸۱**، **۱۳۸۱** **تومان**

نشر **پاژینه** چهارمین مجموعه ادبیات داستانی خود را با نام **آب حیات عشق** منتشر کرده است. او در نوشته ادبیات

آدمش و می‌دانشه که نویسنده تحصیل کرده است و دوره کوتاه فیلمنامه نویسی کرده‌ای. رباب پوشن فیلمنامه کوتاه دیباچه که به پایان رسیده است و کتاب مجموعه داستان **آب حیات عشق** هفتین اثری در یک دهه فعالیت در زمینه ادبیات داستانی محسوب می‌شود.

یادداشت

علی بابا جامی

جهانی شدن یا نشدن شعر امروز ایران؟



علی بابا جامی

دوستان، شاعران غیر ایرانی این گروهده مناظره‌ها را باید به صورت استماعی محدود و نه در مجالس فارسی زبان خارجیتشما هم همانطور که می‌دانید منوچهر آشتی این کتاب نوته‌هایی از منوچهر آشتی، آیدین اعتدالی، حسین بهبهانی، بهرام بهضایی، خسرو سیاهی، هوشنگ کاووسی، پوران فرخزاد، کاوه گلستان، هوشنگ گلکستانی، داریوش مهرجویی و… آمده است.

منوچهر آشتی این کتاب نوته‌هایی از منوچهر آشتی، آیدین اعتدالی، حسین بهبهانی، بهرام بهضایی، خسرو سیاهی، هوشنگ کاووسی، پوران فرخزاد، کاوه گلستان، هوشنگ گلکستانی، داریوش مهرجویی و… آمده است.

اما راهکارها انداز به بعضی از شعردارکارها و عقی آنها خودتو می‌راهکار به حساب می‌آید. دیگر باید آثار شعری درخور توجه به‌شوی، روشمند و با مایه‌هایی مشخص و متکثر در زبان‌های دیگر ترجمه شود. طبعاً نسبت مثبت منفی و معیشتی مرسوم شعر می‌شود. مخرج و سلفی‌سلف به دقیق شعر فارسی با چه تک‌گروه و نسبت عطفی نسبت و شعر ترجمه کند و صبر سبب نگردد و ننگه کند خویش گوید؟

تازه به شکل‌های فرهنگی آشنایی اندی می‌آید. چه کسی هزینه تألیف اسطخ مترجم‌های بی‌سهم و افرازم می‌دهد؟ نوشتن؟ چاپ؟ توزیع؟ آگاهی از این قسمت مشکلات اصلی را حل می‌سازند. هزینه چاپ هم برآمده، مناظره‌ها فرودمان رایج کنی - کسلی تبارک می‌تند؟

دوستان! کانون نویسندگان ایران؟ ما کدام و خصت و مکتب؟ آیا مترجم‌هایی که شعر امروز ایران را بازنویس یا محبت و سلامت به زبانی دیگر ترجمه کنند. البته باور و استقبال بافتادان می‌دهد. نویسنده از زبانی دیگر ترجمه کرده به فارسی کس کار می‌دهد. بعضی‌ها می‌گویند نقد آنگاه نوشتار است. نقد و دست ترجمه شعر به زبان‌های دیگر - آنگاه نوشتار بیشتر است. مخصوصاً که می‌خواهم چه‌جایی به هر جلد غلبی را به دیگران عرضه کنی.

شاید باید بگویم جاندرگ‌های همه زمانی، مکتب‌های محدود و یا محدودیت‌های مکتبی را نمی‌تواند گذرده. جهان را می‌باید. راستی جهان امروز چقدر به شعر الهی به عشق انسانی کنده؟ به چیزهایی که از ملاحظات غیر هنری و داد و ستدهای معیسی تقاضای فاصله می‌گیرند؟ این توضیح که معیشت شعر، معیسی کنلایی فایده و غیر سوخته است جهان سرزمین‌های بی‌فادگی کنلرشی آید انگلریم.

آیا جلیظ و مولانا در - که با هر تعریف، چه‌جایی می‌شود افزون بر وطن بوشان، شرایط و اقتضات تاریخی توپراو و مدنیتشان بوده‌اند؟ یا نودمانه بحث در این است. سوخته‌ای توپرا؟

شاید جهان پر ازشته دیگری می‌چرخد. شعر غیرترجمه بوده و گرنه فکر نمی‌کنم مذهب تا بس روز بازار شعر مولانا شده باشد. هر چه هست، شعر یک فعالیت فردی است و این فرد نخست باید فردیت هنری تیار نگداری در حوزه شعری می‌مطه‌ای از خودش بنهاند.

از استنعا و شرایط ویژه و نشدن شخصیت‌های شعری که بگلریم این پرسش مطرح می‌شود که شعر امروز در این مفهاند - هنشاس و واقعاً حال زار و زاری دانسته؟

به گمان من این طورها هم نبوده، ما می‌تویم یک مجموعه شعر نسبتاً نظری که فقط عرضه در سطح شعر چه‌جایی باشد. تبارک بیستم که اقلل چیز چندان از شعر جهان کم نباشته باشد. مرغ هسه‌ایه ما امروز هنوز غزل است!

فکر نمی‌کنم شاعران امروز ایران در اندازه شاعران خارجی فعلاً در صحنه که شمرشان به زبان فارسی ترجمه می‌شود چیزی کم داشته باشند. بعضی معنشان که چون شاعران ما حرف بری گفتن در عرصه چه‌جایی ندارند. از این روش‌ها و زبان چه‌جایی شده است. آنگاه گمان من در زان آسان‌گود حرف تبارکی نیست، عشق، مرگ، عدالت، آزتی، جنگ، کشتار و خون‌ریزی و... مضامینی است که سله‌های سال در شعر ایران چه‌جایی مطرح شده است. بنابراین حرف تازیه، جلیظه، جودند و ناگ شاعر در علقه زمین نوع حضور هنری اش، تها می‌تواند این مضامین شاعران را غیر تکراری جلوه دهد. اگر این حرف را بدون تبارکی به‌بسیم کجا رفتند. تازه شاعر ایرانی مایع خرها که تریون‌های بی‌ساری برای عرضه آثار خود نیز در اختیار داشته‌اند. این شاعران از عرصه‌های چه‌جایی بگلریم: در سطح داستانی توو دیگر ننویدی فارداد!

گاه نیز ضرورتاً سلفراش اجتماعی - سیاسی با خلاقیت هنری پیوند می‌خورد. بنابراین دردی مشترک که در آن گونه شعر قابل نفس است. شعر انسان و شعر انسانان را همزمان به خود جلب می‌کنند. سلفی‌سلفی‌سلفی که در شعر محمود درویش، مایه می‌شود. نام و آواز و بیشتر بر سر زبان‌های افقه، خویش، البته قطاری مردم پسندی نیز بازار شعر بعضی از شاعران را و روی تو می‌کند مثلاً اندیس او نگارنده بیشتر شاعر خواست است و محمود درویش البته غور از این است. حال آنکه هر دو فرزند است!

و عطفی چند، چه‌جود شعر و زبان را با دیگران کرده است. شاعر سله‌ای زبان فارسی، آن هم با این توضیح که یک شاعر متکبرکنی در عرصه خود به جهان از شناس بیشتر برخوردار است تا یک شاعر فارسی معنظوره و مجاورت زبان‌های جهان امریکایی آتی. این بارانی است که به هر صورت زبان چه‌جایی یکیده می‌شود. تا نودمانه امریکایی آنگاه بدین ترتیب مجاورت زبان فارسی در عرصه‌های چه‌جایی در چه‌جایی شدن شعر امروز ایران می‌تواند بازدارنده باشد.

بعظاً هم مرده‌ها و مناظره‌های فرهنگی مسترین شاعران

بحث چه‌جایی شدن آنگاه؟ شعر فارسی که مطرح می‌شود، آن را از دو منظر می‌توان مناظره قرار داد. نخست شعر کلاسیک فارسی، بعظاً شعر امروز ایران!

در دو امر این پرسش هم مطرح است که منظور از جهانی شدن چیست؟ آیا صرف ترجمه یک مجموعه شعر فرساقوق به زبانی دیگر به معنای جهانی شدن این اثر است؟

شعرهای شامو و بسیاری دیگر از شاعران امروز به زبان یا زبان‌های دیگر ترجمه شده، آیا شامو و دیگران شاعرانی جهانی محسوب می‌شوند؟

فرون بازم که سله‌ای شامو یا دیگر شاعران - نه به صرف

وزن‌های آروسی آثار و ترکیبی فردی دارد. مایه‌س که چه‌جایی در

از آن است بر من قول نمی‌دهم که در این نوشتار گفت‌گو؟

چیدگی‌ها را می‌بگویم. اما از کجا می‌توانم که بوف کور، عدالت یک اثر چه‌جایی محسوب می‌شود؟ فردی می‌تواند که نمی‌توانم آیا نیا که بینگذار شعر تو فارسی است. شاعر می‌جهانی است یا نه؟ به هر صورت نمی‌توانم که خارج‌ها و خارج‌شنین‌ها مناظره‌ها و پرسش‌ها چه‌جایی شناختی است. در این میان ملاحظات غیر هنری بسیار کارساز بوده است و این نکته هرگز به معنای نقض لغت بلند شعر کارساز نیست. شاید همین طور که ما فوشا و گک هلاله که را فرست تا کتورست! نخستین کسی می‌توانیم که قد و بند شعر کلاسیک عرب با تکراری گزیده و به شعر آزاد واردند. آیا آنها جهان فرشا علاقه‌مند به شعر امروسم بود. اما در همان علاقه‌فایده‌دیده در کنلرشی شده، با ترجمه شعری از او را آنگاه آنگاه می‌خوانند

باشند. با این حساب آیا شاعر می‌جهانی است؟ نمی‌توانم اما می‌توانم که ما لایحه شاعری چه‌جایی است. در صورتی که در ایران معالومه شناسی هنوز که هنوز است چه‌جایی نسبتاً نزدیک به واقعیت از شعر او به‌مراه شده است. باشه اما فقط حلال‌زاده‌ها قادر به زودت این چه‌جایی‌ها به همین دلیل است که می‌گویم این قضیه فردی چه‌جایی از آن است. که.

واما صحبت بر سر این است که چرا ترجمه ما چه‌جایی نشده؟ چرا زبان مشترک چه‌جایی پیدا نکردیم؟ من شخصاً معتمد که وقتی شعری در اندازه‌های چه‌جایی مطرح می‌شود، زبان آتش نگارش منحصراً در فرد شاعر خودش را می‌جهان شعر می‌توانم تحصیل می‌کند. زبان مشترک به گمان من، ربط چندانی به مؤلفه‌های ثابت با تغییر پذیری ندارد که پسند تقاضی عموم جهان را از خود کند. خلاقیت فردی این اثرش را ایجاد، توضیه و ترجمه می‌کند.

از همین منظر می‌بینیم که حافظ مولانا جلال‌الدین، خیام و... چه‌جایی می‌شوند. اگر بگویم که صرف مضامین شعر این شاعران از صحنه‌های بسته هنری در سطح جهان است، گمان می‌فردی شاره‌ده فعل کرده‌ایم. این هنری، به قضیه گنگ می‌کنند. شاعر چه‌جایی نخست در سطح سرزمین خودش پوست می‌زکند. آنگاه به سندها و جو‌های دور بر خود پیوست می‌زند. معنظف‌های فرزه را اولونه می‌کند و بعظاً از آرای معرفت همین دیوانگان فرزه به عالم یکنگه معرفی می‌شود.

من این طوری فکر می‌کنم که چه‌جایی‌گری غیر از زبان مشترک که غالباً تکرار کردی، است سبب رخنه کردن شعر در زیر پوست جهان و جهانیان می‌شود و گرنه فکر نمی‌کنم مسلمان ساجوسی، خواجه کریمی، عهده‌نقده - یا کیم و زینش آثار ندانم. همان سرزمین‌های حافظ را زنده‌اند. بعضی که معنظف یکی از چهارمین معنظف‌ها و کنگه‌نگان فنی است. در عین حال بر صدر می‌نشیند و نقد می‌بند.

بنابراین قضیه کسی چه‌جایی از آن‌ها است! جهانیان زبان



حسن محمد علی ساربانهای از کارکنان و از بیان فرمایند:
علی ابدالی همنزد من بودم.۱۳۹۸ و اهل ایلام از سال ۱۳۷۳ به صورت جدی کار شعر را در قالب‌های کلاسیک و نو آغاز کردم. در حال حاضر دانشجوی رشته مهدی‌پژشکی هستم. کارهای ادبی را که انجام داده‌ام، در مجلات محلی و براسری به چاپ رسانده‌ام. مدتی سوختر مجله ادبی فاندسک بودم و در هفته‌نامه سینه‌تیز برای مجبوعه شعرم برآ عنوان «فرهنگی نگار» و در زینت‌سومین جشنواره شعر در حال حاضر به مجبوعه نقد ادبی را در دسترس چه دارم با عنوان «لا فریبستم با بستندریسم» که مجبوعه آنلاین از دیده‌اند. فیکر و… می‌باشد.

به نظر شما آثار شاعران جوان چگونه باید مورد حمایت و ارزیابی قرار گیرد؟

در همه کشورهای دنیا معمولاً بهترین حامی هنرمندان جوان کادسگاه‌های دولتی هستند. در صورتی که در ایران هیچ‌گونه حمایت دولتی از شاعران جوان نمی‌شود. حالا منگن است، در صحنه جاها دیده‌باشیم که یک شاعر جوان مورد حمایت قرار می‌گیرد که آن هم مطمئن‌باشیده به نحوی موضوع شعری او مورد حمایت قرار گرفته و به اصل شعر.

حسین منصورى

کام اول

این هفته با علی ابدالی سراینده مجموعه « **از بودای نگاه تو و زرتشت سوختن**»

اغلب شاعران مطرح، شهرستانی هستند



چرا که اگر اصل شعر مورد حمایت قرار می‌گرفت، این نوع تبعیض ها وجود نداشت.
مسئله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه خرید کتاب هیچگونه کنشکی انجام نمی‌دهد. در حالی که یکی از وظایف این وزارتخانه گسترش هنر در میان لسل جوان است ولی نه تنها در زمینه خرید بلکه در مورد نحوه چاپ و انتشار هم جز به عنوان یک اهرم فشاری برای سانسور یکدیگر از تمام می‌دهد. در مورد ارزیابی آثار باید گفتی که در این زمینه پیشگوند و منتقدهای بزرگی هستند، شعر را هدایت کنند و نقد نمایند ولی متأسفانه این عزیزان جز در مورد گفتی که درای من لالی هستند و یا دوست و آشنا، این کار را برای همه انجام نمی‌دهند و بعد هم انتظار دارند شعر جوان چیز نقد شود!

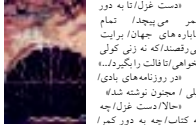
آیا تأخیر گرفتن ادبیات شهرستان‌ها را صحیح می‌دانید؟

از نیشل خودمان

فرخنده شمس

نقدی بر مجموعه شعر «دنیای من از پلاک ۱۱ می‌آید» سروده خلیل شیخیان

چندصدایی یک اثر



«دست غزل/ تا به دور کمر می‌پسند/ تمام کتاباره‌های جهان/ برایت می‌رضند/ که نه زنی کوشی بخواری/ انقالت را بگردی.»
«در روزنامه‌های بادی/ لیلی / همچون توتنه نشاند/ «حالا دوست غزل/ چه به کتاب/ چه به دور کمر/ چرخ خیال حرکتش نیست/ تمام کنشی‌های عاشق/ به گل نشسته اند»

چرخش، دوران و آوردن عناصری که حالت سرگردانی و حیرانی بشر را بیشتر متذکر می‌شود، با استفاده از نوعی معاشقه، جریان تأثیرگذاری به ذهن مخاطب را سرعت می‌بخشد. این همه چرخش بی‌مقذور آفریده شده است و شاعر با توجه به دنیایی خودشی، عناصر را در حالتی برگزیده که بتواند حیرانی و سرگردانی بشر را با انتظام کنشی‌های عاشق(به بل گل نشسته‌انده نشان دهد. به عقیده آنتونی پرچی، منتقد معاصر، موسیقی و ادبیات باهم مشترک زیادی دارند، هر دو از مواد و مصالح زمانی استفاده می‌کنند. موسیقی از صداهای فاقد معنی به عنوان ماده اولیه سود می‌جوید، ادبیات از

چرا فقط به مرکز توجه می‌شود؟
مفتخا هیچ شاعر معاصر ادبیات شهرستان‌ها را نادیده نمی‌گیرد، چون عموماًشاعران مطرح ما شهرستایی هستند و در حال حاضر ساکن تهران می‌باشند.
مأشقه امکان رشد و باروری یک شاعر در مرکز خیلی بیشتر است و آن مربوط به امکانات فراوانی می‌شود که در مرکز است و این از مشکلات فرهنگی کشور می‌باشد که بازأسفانه دولت در ترویج آن نقش فراوانی داشته‌است.
من شخصاً به عنوان کسی که در شهرستان شعر را شروع کرده و ادامه می‌دهم، از لحاظ دستیابی به مراکز فرهنگی، رسانه‌ها، جشنواره‌ها و امکانات فراوانی را نسبت به دوستان جوانم در تهران دارم.

به عنوان یک جوان که به شعر و ادبیات علاقه‌مندید، انتقاز بیان از دیگران در مواجهه با کارتان چیست؟
دوست دارم دیگران -چه مخاطب عام چه مخاطب خاص- کارهای مرا بخوانند و در مورد آن نظر بدهند. چرا که با نظرات و نقدهای آنها به نقاط ضعف در تجربه‌های شخصی خود که به طرز قیق کم هم نیستند، بی‌خواهم برد و در صندوق و اصلاح آن بر می‌آید. در ضمن نگریزم در برای ادامه کار بیشتر می‌شود.

مخاطب پوشیده می‌ماند.

من از پلاک یازده آغاز می‌شود. همان‌آمن از یک زوج استند. شیره حیات و موه آتم و جا و با دو ریل قطار که هرگز یکدیگر را قطع نمی‌کنند. ره‌اشد آسان در دنیایی از مخاطرات که مقیاس بزرگی را شاعر به صندوق پستی دریا، قیاس می‌دارد. «دو شاخه گل سرگیجه‌چیدم‌و به صندوق پستی دریا انداختم.» شعر برای بالندگی و بلوغ مخاطب سایه نیندازد؛

«اهل هزار و یک شب هم که ناشی‌ازت از قصه‌ها هم که تپایی آگاه و بی‌گناه دوستم دارم.» اگر آگاهانه و برای رمز و نشانه دو متن گسترده شوند، کارکردی دروجدان خواننده دارند. درخش روز زمین را می‌آفریند و شاعر از این عدد در شعرش بهره می‌جوید.
جدلاً از پلاک شش چه خبر داشت.
افغانی نماد آوارگی، در به دردی و مظهر مظلومیت بوده استند.
دکه افغانی/ قلمی می‌بش آب شیب/ او من میان مریم و میتا/ میتا و مریم/ آنچه‌چیدم / من رخصتمای شوم‌یمان مریم که نشانه‌ای از نجابت و باقی و مینا یکی ظهور می‌کند و کسی که نه ایدئولوژی‌زده است، نه سیاست می‌فاند و نه در زمینه‌های فکری بی‌ریشه قرار می‌گیرد. این همه یادگیری حرف‌زدن -مسئله و متنوع- مخاطب را پاینده بند شعر گردن شعور تکامل‌یافته‌ای می‌خواهد. شعر از هر گونه سفیدپوشی بی‌معنای گریخته و چنان ذهن مخاطب را مخاطبان گوناگون -مهرام می‌شود که به مثالی اثر می‌انجامد-اجتماعت بوی سفر می‌داد/ عتسگی از شانه‌هایی بالا می‌رفتا/ که سحر خشکی مرا خندید/ و من قیسی شدم/ برای اتروسس های آسنگاه چهاردیواری و من جقدر این روزها/ این آسنگاه آسباده دوست دارم.

فراخوان جایزه ادبی کام اول

تشریه کتاب هفته در نظر دارد همزمان با برگزاری شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (۱۳۸۲) نخستین آثار در چهار زمینه شعر، داستان و ترجمه ادبی (شعر و داستان) منتشر شده، از اول سال ۱۳۷۶ (که نخستین توجه جدی به توقیفاد در مراسم افتتاحیه هفته کتاب ایران، سال نهم گرفت و آقای عباسی رئیس جمهوری ضمن تجلیل از این اثر، پاسی توتیه همین منظور صادر کردند) تا پایان سال ۱۳۸۱ (و انتخاب و معرفی نماید. به همین منظور آثارشان و نویسندگان می‌توانند با ارسال هفت نسخه از آثار خود به دبیرخانه جایزه «کام اول» در این حرکت ادبی فرهنگی شرکت کنند.مهلت ارسال آثار منتشره از آغاز سال ۱۳۷۶ تا نیمه نخست سال ۱۳۸۱ پایان‌دهی ماه سالم جاری، و مهلت ارسال آثاری که در نیمه دوم همین سال به چاپ خواهند آمد، تا پانزده اسفندماه است.

خواص:
گفتنی است که به ۱۳ اثر برگزیده‌شان در چهار زمینه یاد شده جایزه‌ی به شرح زیر اعدا می‌گردد:
نفرات اول: ۷ سکه بهار آزادی
نفرات دوم: ۵ سکه بهار آزادی
نفرات سوم: ۳ سکه بهار آزادی
نشانی: تهران، میدان هفت تیر، خیابان قائم‌مقام
فراخوانی:
خیابان لهری پلاک ۹ طبقه دوم، گروه جوان
تشریه کتاب هفته، جایزه کام اول
دبیرخانه جایزه کام اول

مخاطب پوشیده می‌ماند.
زنج استند. شیره حیات و موه آتم و جا و با دو ریل قطار که هرگز یکدیگر را قطع نمی‌کنند. ره‌اشد آسان در دنیایی از مخاطرات که مقیاس بزرگی را شاعر به صندوق پستی دریا، قیاس می‌دارد. «دو شاخه گل سرگیجه‌چیدم‌و به صندوق پستی دریا انداختم.» شعر برای بالندگی و بلوغ مخاطب سایه نیندازد؛

«اهل هزار و یک شب هم که ناشی‌ازت از قصه‌ها هم که تپایی آگاه و بی‌گناه دوستم دارم.» اگر آگاهانه و برای رمز و نشانه دو متن گسترده شوند، کارکردی دروجدان خواننده دارند. درخش روز زمین را می‌آفریند و شاعر از این عدد در شعرش بهره می‌جوید.
جدلاً از پلاک شش چه خبر داشت.
افغانی نماد آوارگی، در به دردی و مظهر مظلومیت بوده استند.
دکه افغانی/ قلمی می‌بش آب شیب/ او من میان مریم و میتا/ میتا و مریم/ آنچه‌چیدم / من رخصتمای شوم‌یمان مریم که نشانه‌ای از نجابت و باقی و مینا یکی ظهور می‌کند و کسی که نه ایدئولوژی‌زده است، نه سیاست می‌فاند و نه در زمینه‌های فکری بی‌ریشه قرار می‌گیرد. این همه یادگیری حرف‌زدن -مسئله و متنوع- مخاطب را پاینده بند شعر گردن شعور تکامل‌یافته‌ای می‌خواهد. شعر از هر گونه سفیدپوشی بی‌معنای گریخته و چنان ذهن مخاطب را مخاطبان گوناگون -مهرام می‌شود که به مثالی اثر می‌انجامد-اجتماعت بوی سفر می‌داد/ عتسگی از شانه‌هایی بالا می‌رفتا/ که سحر خشکی مرا خندید/ و من قیسی شدم/ برای اتروسس های آسنگاه چهاردیواری و من جقدر این روزها/ این آسنگاه آسباده دوست دارم.

این کتاب **توحیح وهدی** و **بینه** که به **چه دلیل نام آن را پای چوپین فرهنگ ایران گذاشتید**، **چه نتیجه آن چه بود است؟** در حقیقت سیمرع در جست‌وجوی قاف، سه جلد است که جلد اول آن را انتشارات سخن در سال ۱۳۹۶م‌شتر کرده و جلد دوم آن قرار است تا نام پای چوپین فرهنگ ایران منتشر شود در اصل نیز فرعی آن سیر تحول عقلانیت در ادب فارسی است که به زمینه‌های احاطاظ و عوامل فلسفی‌مادنگی فرهنگی و ادبی ایران از قرن هشتم تاشرطه پرداخته است و جلد سوم از علو و سطه تا فلسفه اسلامی را در برمی‌گیرد و در آنجا علت و عوامل عقل‌مادنگی فرهنگی را در برمی‌آورد با آن منظری جامعه‌شناختی و ایرونی مورد بررسی قرار خواهد داد. همان‌طور که در مقدمه کتاب آورده‌ام این روش، روش تلقیف محسوب می‌شود که از بیرون به ادبیات می‌نگرد. بر خلاف عیوم تحقیقات که درباره ادبیات فارسی شده که معمولاً از

درون به ادبیات می‌نگرد، سعی کردم در این تحقیق از بیرون

به ادبیات نگاه کنم، سعی کردم راه‌های خوان یک محقق از حیثه

ادبیات بیرون بکشم که گفته‌ام این مسئله به طور کامل ناممکن

است، ولی با حد امکان سعی کردم ادبیات را از منظر جزئیات

عقلانی، یعنی از حیث تألیفی که به عقلانیت فارسی گذاشته

و هم از حیث نگارشی که از عقلانیت گرفته نگاه کنم و بعد

جایگاهش را در کنش‌های و بلذاتی عقلانیت ملی و فرعی

عرومان به نقد و بررسی بگذارم. جلد اول آن با یک مقدمه

طراحی و با زمینه‌سازی‌هایی که اسلام‌پرای ادبیات و عقلانیت

فارسی کرده آغاز می‌شود و در مقدمه آن رابطه عقلانیت را با

ادبیات، لفظ و معنایی کرده‌ام، تا اینکه به پایان قرن هشتم

بعصر عقلانیت سیاسی و کتب و ریشه ادبیات فارسی که گذاشته

گفته و دهه چهارم ظاهر و پرمشغول معنایی است. می‌رسیم

از آنجا تحقیق فراموش می‌شود که در حال حاضر مورد

بحث نامتعارف، عقلانیت فارسی در جلد دوم نیز این مسئله را که چه

زمینه‌ای باعث شد ادبیات فارسی از حیث عقلانی، ضعیف یا

در بعضی جنبه‌ها قوی شود، بحث کردم علت اینکه کتاب را

پای چوپین فرهنگ ایران نامیدم این است که در واقع از قرن

هفتم پارادوکسی مواجه می‌شویم که بسیار معنادار است و آن

اینجاست که مولانا در تحلیل بسیار معروف در رابطه با فلسفه

می‌گوید: پای چوپین بودایی چوپین چوپین سخت

بی‌شکن بود. من منتظر از اینکه خود این مسئله یک استدلال فلسفی

است و وسوسه و تیری نتیجه دارد، اما آنچه که در فرهنگ

ایران آمده درست سنگس این مطلب است؛ یعنی فلسفه یا در

حقیقت عقلانیت، میدان را خالی کرده است. فلسفه نمی‌گیریم،

زیرمقارنی آن را محدود می‌کند. از اینجا وارد ادبی اصطلاحات

مذهبی که شامل کلیه مباحث عقلانی این حوزه می‌شود،

شدمیم و به جای عقلانیت، اندیشه و حکمت، عرفان را

جایگزین کرده که خودمیین جایگزینی به این معنا که بخوایم

از منظر عرفان مشکلات اجتماعی، اندیشه سیاسی و راه‌رهای

اجتماعی‌امان را پیدا کنیم، بزرگترین مزایای پارادوکسی است

که در فرهنگ ایران به وجود آمده و فرهنگ ایران را به پای

چوپین که قول‌نامه زیاد در ظاهر بسیار مستحکم است ولی

در حقیقت پایا و بی‌پایان است، منظر از ادبی

چوپین فرهنگ ایران، در حقیقت، بیرون راندن اندیشه

و عقلانیت و حکمت و فلسفه از فرهنگ و جایگزین کردن

احوال دل است که خود این جایگزینی احوال دل، بزرگترین

پای چوپین فرهنگ ایران شده و تا امروز ادامه پیدا کرده است.



به عبارت ساده‌تر ما بعد از شاهنامه تا حدودی گشتاب و

بوسان معنای حتی یک کتاب فارسی ادبی که عقلانیت

اجتماعی و فرهنگی ما را از منظر عقلانیت نقد کند،

نداریم. اما در کتاب آن‌ها شاعران و عارفانی داریم که نقش مسلمانان

را ایفا می‌کنند. مثلاً سهروردی و حافظ از بزرگترین مستفادان

مسلمانان اجتماعی و فرهنگی ایران هستند. اما نوع برخورد آنها

با مسائل سیاسی، اجتماعی و سیاست و فرهنگ چوپین است. چون

برای نقد عقلانیت و سیاست و فرهنگ چوپین است. خود

این دوران، دوره معرف آ آغاز مشروطیت را شامل می‌شود و

حاکمیت عرفان در این زمان و در حقیقت، تک حاکمیت و

حاکمیت بود. به معنی‌هایی کلیه زمینه‌های دیگر است. من این دوره

را دوره‌های دانستم که فرهنگ ایران روی پای چوپینی می‌ایستد

که هیچ‌گونه نگاه عقلانی ندارد و در اساسی عرفان عقل برتر

است. عقلانی که فراتر از عقل معمول است، ولی کاربرد اجتماعی

آن ممکن است از همه محتمل‌تر بوده تأیید قرار نگیرد.

درست است. برای ما نیز در ادبیات فارسی آنچه ندای

زندگی‌نامه

نامنه تصویری ما

دکتر مهدی محبی، محقق، نویسنده، مترجم و یکی از استادان ادبیات دانشگاه‌های کشور است که از وی تاکنون بیش از ۱۰ کتاب چاپ و منتشر شده است و شاید مشخص‌ترین آنها، کتاب «سیمرع در جست‌وجوی قاف» درآمده بر سیر تحولات عقلانیت در ادب فارسی باشد. این کتاب را انتشارات سخن در سال ۱۳۹۶ منتشر کرده و به گفته یکی از برجسته‌ترین محققان ادبیات فارسی ـ استاد دکتر ماشینی کدکتری این کتاب، «نگین‌دو پیمپرای تازه به روی ادبیات فارسی» قلمداد شده است.

از دکتر محبی دو کتاب تازه با نام‌های «پهلوان در بی‌بست» (نگاهی تازه به شاهنامه و عناصر داستانی آن) و «فارسی نامه» (با نگاهی نو به ادبیات و متون ادبی) در پاییز اسال منتشر شده است. وی هم اکنون سه کتاب زیر چاپ دارد: ترجمه «الطبع فی التصوف» اثر «ابونصر سراج» (یکی از مهم‌ترین دایرةالمعارف‌های عرفان و تصوف) یک داستان بلند که به گفته خود او پلی است بین مقامات‌نویسی گاشنگان و رمان مدرن، دارای موضوعی اجتماعی ـ فلسفی با تری کلا ادبی و فاخر که البته پیش از این درباره این کتاب توضیحی نداد و جلد دوم کتاب سیمرع در جست‌وجوی قاف با عنوان ایهای چوپین فرهنگ ایران» که به دلایل و عوامل احاطاظ و عقب‌ماندگی فرهنگی و ادبی ایران از قرن هشتم تا مشروطه می‌پردازد درباره کتاب‌های اخیر دکتر محبی، گفت‌وگویی با وی انجام داده‌ام که می‌خوانید.

گفت و گو با دکتر مهدی محبتی نویسنده کتاب سیمرع در جست‌وجوی قاف

ادبیات از زاویه عقلانیت

می‌کنند حرف دل است نه حرف عقل و ما می‌خواهیم باقیم

آیا عقلانیت، در ادبیات ما جایگاهی دارد؟

این سؤال را از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد. یکی از این منظر که عقلانیت را نقد کنش‌گرش دعویم که خود عرفان را نوعی عقلانیت محسوب کنیم. همین که بگوییم عقل کافی نیست با ادبیات نباید عقلانی باشد و با اندیشه چیز خوبی نیست، یا به گفته مولانا اندیشه را از حیثتم گذاشته چیزی بعد از باسوم از فرهنگ و از فرهنگی استقیم من برین دیوانگی آدمیوم عقل در اندیشش راه بعد از این دیوانه علوم خوشی وارد این خود نوعی عقلانیت است. بنابراین شام چرخ‌های عرفان نوعی اندگاه‌های عقل سطر در فرهنگ و ادب فارسی، نوعی عقلانیت است. منتها عقلانیتی که با عقلانیت متعارف متفاوت است و این نوعی ادبیات دارد. اگر به این معنا به عقلانیت بنگریم، هیچ چیز بشر غیر عقلانی نیست.

چون در بشر چیزی جز عقل حکم نمی‌کند، حتی عقل سبزی خود نوعی عقل است. اما اگر عقلانیت را به معنای متعارف‌تر بنگریم یعنی، با کردن مادی در بنهادهای اجتماعی، بیرونه حاکمیت سیاسی و اصول و بنیادهای ادبی در عقل به معنی برابری که چارچوب و قانون دارد و هستی بر عقلیت و معرولت است. ادبیات فارسی از عصر عقلانی خیلی بیرون نیست و علت آن کار کرده‌های سیاسی عرفان در جامعه گذاشته ماست. در نظر بگردید فردی را که به هیچ معنا به عقلانیت آورنده و امیرش کرده، این فرد به هیچ وجه امکان ابراز خودش را ندارد. چیزی که در آن نظریه می‌خواهد به آن حد ابراز آبیات بونش است و دادمی‌اند که این فرایزدنش نمایش نیست. اثبات هویت و موجودیت اوست که اگر نمایش کند و به خودش بیاید، دیگر نمی‌تکم عقلانیتش شروع می‌شود. در حقیقت، تاریخ و فرهنگ گذشته ما در چنگال دیکتاتورهای مطلق و مطلقین دیکتاتور به جایه همان در خصم‌بودن در حال نشسته است و عرفان نهادین فرهنگ است. او می‌خواهد فرهنگ ما را دل نمرده‌ام و هستم و تنها معنایی که در گذشته فرهنگ ما از تمام تاریخ خارج می‌شود و حاکمیت مطلق و فرهنگ موجود و تمام سلفه‌هایی که فرهنگ را له کرده، عرفان است. بنابراین، عرفان در اینجا فرهنگی دوگانه می‌یابد. یکی اینکه بحث فربدهای مالدکار فرهنگ ایران بوده و دیگر اینکه باعث شده فربدهای دیگر به گوش عموم برسد. علت آن مشخص است، فردی که در حال مرگ است، می‌خواهد اول به زندگی برسد و بعد عقلانیت را شروع کند. به این دلیل، سعی کردم در دوچه شست و شوی را در این کتاب مبصطر دانتم. به‌شما به هر دو رسیدگی کنیم که این نیاز به بحث منطقی و شانگانه‌ای دارد. **شما ضرورت عرفان را با تفکر لازم دانستید. که باعث شد ۳ کتاب در این مقوله بنویسید. کتاب‌های چوپین سیمرع در**

جست‌وجوی قاف، الطبع فی التصوف، زلف عالم آرزو.
من از زمانی که در حوزه علمیه نزد آقا سید محمد عرفان می‌خواندم، بیوه شرح منظومه سهروردی و مباحث لاسی و اسفار اربعه ماصلدار، بسیار علاقه‌مند بودم. مسائل فارسی را دنبال کنم و به عنوان یک ضرورت فرهنگی به آن توجه بسیار جدی داشته باشم. به همین خاطر رساله دکترای خود را در دانشگاه تهران در موضوع عرفان انتخاب کردم و بعد هر چه پیش رفتم، بیشتر توجه شد. ادبیاتی که در این خصوص ایران زندگانی می‌کنند. در این وضعیت، سرتی می‌چویدم. نویسنده خوش را از این سوره‌های غنی و قوی محروم کند. به همین دلیل الطبع فی‌التصوف ابونصر سراج را که یکی از دایرةالمعارف‌های اصلی و اساسی تصوف عرفان است می‌طرقم کرده. با همکاری انتشارات اسفیر آن اثر ترجمه کرده، البته حدود چهار سال است که منتظر صاحب نشر اساطیر هنر و آقام به انتشارش نکرده است. زلف عالم آرزو را نیز کرد و نقد مزمهای عرفانی است. برای کسانی که می‌خواهند با آن آشنا شوند. البته این رومو بسیار فراتر دارد و در جامعه ما مطرح است. من هم خواستم علاقه‌مندان بیشتر با آن آشنا شوند.

این کتاب بسیار نوست. فقط محققان مصری کتابچه‌ای در علم تصوف و عرفان و به زبان عربی نوشته که بسیار زیاست. اما سیمرع و جلد دومش، در حقیقت نقد تصوف و عرفان است نه پرداخت به آن من دیدم که تصوف و عرفان با همه عظمت و ارزشی که دارند، در زمانه ما قوی اعاده نیایم. از بزرگی مجدد هستند تا بتوانند مالد کار شوند و دل‌هایی شنه را ب معقد، در حال حاضر، ما مصرف کننده تمام محصولات فرهنگی گذشته‌امان هستیم. ما سلفه‌مانده دانتم. سعت و طبیعت که به صورت تمام از آنها استفاده می‌کنیم. من سعی کردم با دید جدیدتری به آنها بنگرم. یعنی فرهنگ و عرفان گذشته را با سلفه‌های امروز جهان مدن عقلیده، دانه‌ها تا بتوانیم از آنها استفاده کرد. علت پرداختن به عرفان در این کتاب اول شناختن سندهای فرهنگی، دوم آشنایی با مبن عرفان و تصوف و سوم دل‌نزدان و نقد کردن فرهنگ تصوف و عرفان است. **شما به کار کرده‌های عرفان در این کتاب اشاره کرده‌اید و به مثبت و منفی نگاه کردن به این مقوله. حال آن‌ک شما می‌خواهیم نوع نگاهی را که در این کتاب به عرفان دانستید بر وی ما توضیح دهید.**

بسیار سؤال خوبی است. در گذشته‌های دور که سعی می‌کردم عرفان را جامعه‌مطلوب‌کنند و این جزوهای هابیلیس ایلمس می‌نوشتم تا زمان ما که ایلمن برخی محققان معاصر چنین کتاب‌سوزان پیشنهاد می‌کنند. هرورال این مسئله مطرح بوده

که عرفان را بی‌پایریم و با طوفان شد تا آخرین تحقیقاتی که انشا کردم و دکتر زین کوب بحث عنوان ارزش میراث صوفیه برای بازندهٔ دوایم از ارزش این تصوف می‌نوشتند، این مسأله مطرح بوده است. در حال حاضر نیز چنین جنگ‌هایی در این زمینه صورت می‌گیرد و اخیراً آذکتر شفیعی گدکنی در مصاحبه‌های سعی کرده بود بیشتر به خواص مثبت عرفان اشاره کند و یا جنبه منفی آن بسیار قفاقه برخورد کردند. نظر من این است که باید یادید عرفان در فرهنگ بشری و لااخص در فرهنگ ایرانی، نمی‌تواند پاک سبده بر سر برود. کتب بیشتر این است که عرفان در حقیقت باطنی است، به دل‌هایی که فراز از حد معمولی و به تعبیر حفظ مرم و دینی و عقی فر و نمی آید تبارک اله از این فته‌ها که در سر ماست.

دل‌هایی هستند که قلب‌هایی مانند قفه، فلسفه، دانش، پول و مقام نمی‌توانند آن را سیراب کنند. گویند این‌ها را باید با چه سیراب کنیم، تنها چیزی‌ای که می‌تواند سیرابشان کند، این است که در فکر خوششان شوند و داف‌شان کنیم که به کشف درون خود یوزارند. و چون آدمی موجودی است نامحدود، تا جایی که در حقیقت‌های حجاب آید.

بنا بر این در این کتاب سعی شده، به وجه مثبت عرفان، که عوالم و مآضی‌ها، به طویل تاریخ و با ماهیت عوام‌زد شده و خود این مقوله محلی است که می‌توان در موردش همین‌طور کار کرد یعنی عرفان عوام و عرفان خواص و عوام‌زدگی عرفانی و عرفان عوام‌زده آنچه که در طول تاریخ ما از قرن ششم، یوزده قرن هفتم، به بعد نشان داده شده، این است که عرفان با اسیر دست عوام بوده و در پیش بازی و قلندری‌های، همین امر مثبت اسیطه انحطاط جامعه فرهنگی ما شده است. از جهتی، نمی‌توانیم عرفان را مطلقاً نفی کنیم چون باطنی بر این دل‌ها می‌توانیم داشته باشیم. با بر این نظر من در این کتاب این بوده که ما بماند و شکافتن عرفان، بتوانیم عرفانی را که از آن عوام بوده و عرفانی که متعلق به دل‌های خواص بود را جدا کنیم و در عین حال، عوام را در حد متعارف و معمول نگه داریم. بر این روش تشریح شدن محیط مانی می‌زیم، چنان‌گونه که حافظ می‌گوید، مصلحت‌چیدن نیست که بیازن همه کارگراندارد و جسم‌فره‌پازی گیرد، این را برای آن می‌گوید، اگر برای عوام باشد که باید سبب ثابت دست‌آورد کنند و به معنوی‌تر و می‌پروراند که این جسم را به هم می‌رود ولی با دل‌هایی که می‌توانند کار و توفیق خویش، انجام دهند. امری‌ای می‌چیزی که دارند نمی‌شوند، پس باید کرد؟ ایستاست که عرفان و عرفانی می‌تواند آن‌ها داشته باشد. عرفان خواص و عرفان عوام در واقع هنوز مطرح شده و آن بهتر نتیجه‌گیری کردی.

از نظر شما در این کتاب که به آن دراختیار، فعالیت فرهنگ ایران سبب می‌شود یا عرفان در فرهنگ گذشته و گذشته فرهنگی ما مؤثره

بیش از حد مسائل عرفانی و فرهنگ ایران امروز، صوفی شدن اکثر ذهن‌های ی‌رقی فرهنگ ایران، باعث شده فعالیت تاریخی آن طوری که باید باشد، کند و ما توانیم در زمینه‌های مغفرت و متناوب فرهنگ ایران، آثار لازم را به وجود آوریم. همان‌طور که می‌بینید هر چه از قرن چهارم و پنجم طول‌تر می‌آید، عصر طلایی فرهنگ ایران در تعبیر می‌توانیم، عصر زین عرفان ایران تمام می‌شود و دیگر آن حالت نیست که مافلسوف‌های پس از سقراط قرنی ذهن و عوالم هر چه یک داشته باشیم، اما پس از قرن پنجم، همهٔ تفکرات مشهور عرفانی و در پیش روییم، خود این رشد در پیش روی سقراط از ریشه‌های است که دل‌های پاک به وجود می‌آید. ما نیست آن با مسائل اجتماعی، تاریخی و فرهنگی چه می‌شود؟ ما می‌توانیم تاریخ طلایی را

بر پایه مسائل شعرونی یا کنیم، اگر بگویم که فرهنگ‌ساز نیستند، بالعکس، کسانی که فرهنگ ایران را ساختند کسانی هستند که در این کار می‌کنند و از طرفی بیشتر کتاب‌های عقلانی ما که نوشته می‌شود در آخر به طرف صوف و عرفان روی می‌آورند. از این‌سینا که در اشارات و تنبیهات از لفظ نیم به عرفان روی می‌آورد تا خواجه‌نصیر و بعد تا ملاصدرا که فلسفه و کلاما عرفان‌زده می‌شود و تا به اخلاق ملاجلال دوانی و ملاسحین و لفظ کاشفی و دواعج الشعله و جامع الشادات و ملاصدرا، زکری و بدیش، ماصحیح مهدی زکری، حکمت و فلسفه مارکس، امر گیلاآغاجالی می‌شود و کلی فعالیت از آن دور می‌شود، این کتاب را می‌خوانم، بگویم که بسیار مهم است. یعنی ما در آغاز، یک فعالیت داریم و یک عرفان، اینها در یک جا چالش می‌یابند، در قرن پنجم با ظهور غزالی، بعد هر چه جلوتر می‌رویم، فلسفه، آرام آرام برای فرهنگ ایران میان را خالی می‌کند و عرفان جایگزین آن می‌شود. تا جایی که فلسفه ما کم کم به عرفان تبدیل می‌شود. بهترین نمونه‌ها را در کتاب‌های سیدحیدر آملی، غفالی‌قزوین و کتاب‌های مشابیه آن سیدیه که عرفان و تصوف و کتب فلسفه را عصر زاده و از حکمت و فعالیت‌های عوالم بنی‌نماندند، البته همه‌ها به خاطر اقتضات خاص تاریخی، اقتصادی و اجتماعی است.

در سنی که در حال حاضر، فلسفه ما یک فلسفه کلاما‌فلسفی و عرفانی تلقی می‌شود در صورتی که در این دو باید مباحثشان از هم جدا باشد. ما در فلسفه می‌گوییم باید اولیه سیاسی و اخلاق مدنی داشته باشیم و در خصوص خوب و بد آن برای کارکردهای فرهنگی بحث شود. اما تمام اینها را تصوف زدگی و عرفان کلاماً بیرون رانده است. به همین خاطر حکمت شرافتی در فرهنگ ما بر فرهنگ عقلانی مسلط شده است.

چرا عرفان این قدر بر فرهنگ ما مسلط دارد؟

در حقیقت، تازه همان جهت تاریخی دست‌مست، خاطره‌ای را به نقل از گویند، را در پیام بر اینان می‌گویند، آن گویند می‌گفت، اگر حجاب مولانام زودیک بود، با پولی که از خواندن اشعار از رانیم پیام می‌گرفت، به یک میلیون‌های ایران می‌شد، چون ما مرتب از شعرهای مولانا استفاده می‌کنیم، چه به صورت سرود و چه به این صورت که خود ما می‌خوانیم، این مراه فکر قوی بود و خیلی جالب بود که اگر به این حرف ققت کنیم، می‌بینیم بیشتر استفاده‌های ما از شعرهای عرفانی است و این نشان می‌دهد که دهعت فرهنگ ایران هنوز عرفانی است. از طرفی با جایی‌های اول تا هم در صدم و صومیه که از دیوان مولانا و حافظ و به عنوان عارف شناخته شده‌اند، و من به این نظر مطمئن‌شده‌ام. نشان می‌دهد. فعالیت امروز ما در عرفان‌زده است. فرش عجیب کتاب‌های سهراب یا کسانی که در عرفان و تصوف بر میانی فعالیت ماست که با همان نظر جهان را تحلیل می‌کنیم. حالا این بداست یا خوب، باید نقد شود تا جایش مشخص بشود. اگر خوب است، تقویت شود. اگر نه باید آرام آرام سلطه‌ها را بر فرهنگ کم کنیم. آیا با مسائل جهان مدرن می‌توان از دید فعالیت بر عبور کرد؟ آیا فعالیت را می‌توان از دید عرفان بررسی کرد یا اصلاً چیزی به نام عرفان مدرن در فضای امروز داریم و یا چیزی که این هم محتاج به بحثی مفصل است.

در کتاب لفتح فی التصوف نیز بحثی به عنوان عرفان مدرن مطرح شده است.

بله، اتفاقاً در مقدمه آن کتاب بحثی به عنوان عرفان و تبیین مدرن آورده‌ام که نسبت عرفان و دیبای مدرن چیست. آیا باید عرفان را یکسره نفی کنیم. آیا عرفان یکسره دنیای مدرن را نفی خواهد کرد و جای آن را خواهد گرفت، یا یک ترکیب جدیدی را از آن دو ارائه دهد. که هم در آن مرزبان تنظیم فرهنگی، آن روح‌های پاک و در ششاد، را که دعوت به شمع و شعل و آتش درونی می‌کنند که داریم و هم از مدرن بودن عقبی نمانیم. این سؤالی است که بسیاری از دانشجو‌های سر کلاس‌های ما از من می‌کنند که برای اینکه هر دو داشته باشیم

چه باید کنیم. آیا باید هست یک درویش را بگیریم و به قول سهراب در خیابان‌ها مانا بلباب کنیم یا اینکه نوع دیگری باید عمل کنیم. من این را آنجا مطرح کردم به نظر من دنیای مدرن به معنی واقعی کلمه، انسان را با عرفان حقیقی آشنا می‌کند و خندیتی یا آن ندارد.

هنگال می‌گفتی که ما به عرفان داریم که به فکان دست‌نگاه داشت. اما این نگاهی که ما به عرفان داریم که به فکان دست‌نگاه و به آداب و مراسم است، نوعی سقیق درونی انسان است که تلفظ شود و خود را محور کائنات فرض کند. شما صرف عرفان در یک کلام بود که خود را نسبت از تر تا دوست، دو قدم راه است. یکی اینکه خود را نسبت و دیگر اینکه به دوست برسی. من فکر می‌کنم با ذهنیت خود را در این نقطه کائنات که کشف شده و این ابعاد ظنمی که از کائنات در چشم بشر کشف شده، در حقیقت بهترین راه برای آدم روشن ساخته است. عرفان و دنیای مدرن خیلی با هم تعلق دارند و تضادی ندارند.

در نهایت می‌خواهم بدانم شما در جلد اول فعالیت در ادب فارسی را مطرح کرده و در جلد دوم عقل انحطاط و عقب‌مانده‌گی فرهنگی را بیان کرده‌اید. فعالیت‌ها و انحطاط روسیه‌ها در نهایت شما بران را نفی کرده‌اید یا نه؟

در حقیقت من از فعالیت به انحطاط ترسیدم. فرهنگ ایران آن را نشان می‌دهد، یعنی شما از آن منتهم تا مشروطیت را عاقبتی کنید. با فردن بود ما قرن پنجم، ما در آن ۲۰۰ سال، یوزده



دکتر سعیدی محبتی:

سعید کبردم از بیرون به ادبیات نگاه کند یعنی خودم را به عنوان یک محقق از حیضه ادبیات بیرون بشکشم

قرن چهارم و پنجم، عوالم کریم به تعبیر نیوسنکس عصر زین عرفان ایران قلمداد شده، به اندازه تمام تاریخ ایران دانشمند، محقق، روش‌شناس و تفکرو آزادی‌خوب و فرهنگ داریم. این یک صورت تاریخی ماست که آن عصر، عصر فعالیت ماست که در آن کتاب نام آن را سیدهدمان و آغاز عصر سلطوحی را نامش‌نگاهان، گذاشتم و این تا خود عصر مشروطیت ادامه پیدا می‌کند. ما هیچ محقق داریم که دوره مغول تا مشروطه را عصر طلایی فرهنگ ایران بنامد، همه می‌گردید دوره انحطاط یا عصر طلایی فرهنگی ایران، خوب، شما به مظاهر فرهنگی ایران نگاه کنید که بهترین آنها ادبیات است. بیبید، شعرا و نویسندگان به کدام سمت پیش رفتند. اگر تراست که آن تفکرات گوی‌های دود ندارد و است. اگر شعراست که بیشتر صرف، معیاش و چیزش‌های سیاسی می‌شود. تفکرات یک‌دیگر که در خردشان دارد که عرفان در چندین جنبه است که آن هم باز آتقدیر به آسمان رفته که از زمین در آن خیزش نیست. این غلت فلسفی انحطاط آن دوره فرهنگی ایران است.

سب تکلف ما در این بین چیست؟

من مفتی نیستم که قواضیم، به نظر من و موقفه ما استخراج و تصفیه این منابع فرهنگی است. اگر می‌خواهیم این ادبیات و این فرهنگ بماند، باید اول آن را استخراج کنیم، بشناسیم، تصفیه کنیم و به جعبه برسیم. جامعه بشری نیوسبیل نیازمند این خردش‌های تازه ماست.

۷۰ درصد تحقیقات ادبی ما در حال حاضر در برابر عرفان است. دلیل این همه گرایش چیست؟

این همه باید به همان ذهنیتی که ما در این مسائل داریم، برمی‌گردد. اتفاقاً آن‌سأله را با دکتر شفیعی گفتی نیز مطرح کردیم. شما الان مجموعه آثار دکتر زین کوب را در نظر بگیریم، ایشان یکی از بهترین و درگیرترین محققان تاریخ معاصر ما هستند. مجموعه آثار دکتر زین کوب دو دسته هستند. اشعاری که تاریخی اند کتاب می‌گذاریم و آن دسته را ادبی هستند. نظر من می‌گیریم، ۷۰ درصد تحقیقات ادبی دکتر زین کوب درباره تصوف و عرفان است. از حیث وجود تصوف ایران، ارزش میراث صوفیه، سر می‌باید، بلکه تا ملاقات خدا و همین طور بقیه کارهای وی.

همچنین مجموعه تحقیقات استاد دکتر شفیعی کتابک، بهترین کارهای ایشان خصوصاً خیال و موسیقی شعر، دو روزه تصوف و عرفان است. از کتاب از ریشه ائیرافیلید گرفته تا در اولین روشنی، تاریخانه خیال و غیره، بهترین ممتازترین تحقیقات ما در این زمینه است. آن هم به به صورت قفاقه و مقل، مابراغه بیشتر زیبایی و شیفکتی است. وقتی به عرفان می‌رسیم، اقتدار این موضوع زیاست که به جای اینکه خودمان را نگه داریم و آن را نقد کنیم، دوست داریم در برابر آن زیاده، دل‌بازیم و از دیوبندی که خرج مردم همین در عین حال که کشنگ است، اقتد زین دست‌آورد فلسفه تحقیقات غزالی بر فرهنگ ما مباحث می‌شود که باز فعالیت فلسفی و حکمت در ما نظیر، که باید باشد، کند. وقتی به دکتر شفیعی گفتیم که بگذار اینها دسته بندی، بعداً می‌سأله می‌گذارید، گفتند که بگذار اینها دسته بندی، بعداً جایگاه اینها مشخص می‌شود. یعنی ایشان هم به نوعی، با جمعی از اشعاری نسبت به مسائل می‌رسد. واقعاً بر این جامعه‌ای مثل ایران، این همه عرفان و تبلیغ عرفان مفید است که چیزی حدود ۸۰ یا ۹۰ درصد از تحقیقات ادبی ما را به خود اختصاص می‌دهد. من این را برای نویسنده‌های جوان می‌گویم که به هر حال به سمت رسمی بروند که بتوانیم عرفان را برای خلق که سرمایه‌های عقلانی و روحانی‌شان دارد، نگه داریم. بیرون با عرفان هم برخورد مماند. حرف من این است، و الا من از کتابی بودم که از گوئی‌های دلداد، عرفان بودم و عرفا را دوست دارم و تحقیقاتم هم نشان می‌دهد که به این موضوع علاقه‌مند بوده و خواهم ماند.

عربی‌اش چند کتاب یا نام‌های به‌لوان در بین دست و فارسی عوامی از شما منتشر شده است. درباره آن کتاب ما هم توضیحی دهید.

در کتاب به‌لوان در بین دست، فلسفی با عنوان آفرینش، رستم‌نهار می‌بیند. تاریخ ایران دارد که خود نشان‌دهنده معنوی کتاب است. من برای کتابک، اگر گوئی برای فرموس برصوم و با قلم‌آمیز و محضر به کار و فرموس است. در فرهنگ ایران کتب دیگری داریم که این طوری قفه دارند. ایران، انسان‌های تکیه زده باشد. بخش دیگر هم درباره شاهنامه و بحران هویت در فرهنگ ایران است. به این نتیجه رسیده‌ام که تنها دیدگاهی که توانسته عرفان عوام را در فرهنگ ایران بعد از اسلام حل کند، شاهنامه بوده است. به این طریق که یابی بین اسلام و ایران زده و حقیقت اسلامی را گرفته و با فرهنگ ایرانی بومی کرده است. دو بخش مفصل هم درباره نقد مظاهر دانشگاهی و فلسفه عوامی است. که به اجازت نیاز عجیب و شوگر، بچه‌های رشته‌های دیگر به فارسی عوامی و ساخت معیاش برخی فارسی‌های عوامی که پرس داده‌ام، در دو بخش خوب واقع شده است. این کتاب انگیزه‌های بچگون طوری ادبیات فارسی را مطرح کرده‌است. همین اولین فارسی طوری انتخاب شده‌اند که خیلی بیچار و زمین آن را بداندند. حدود ۶۰ صفحه از این کتاب هم اشعاری، ادبیات جهان است. این دو کتاب بازرگنی منتشر شده‌اند. که اگر اهل تحقیق آن‌ان دیدند، می‌توانند نگاهی به آنها بیندازند.

استاد بهشت‌خوان

کامران کاسی

کسی با فرهاد رزاقی کاشانی
کتابفروشی فروشگاه علمی فرهنگی
کتابفروشی علمی نشده است

چند سال است به کتابفروشی مشغول هستید؟

آرزو سوم مهم‌مسئال هشتادواردینگی شده که برپایم چندان آشنا نبود.

چرا کتابفروشی شده‌ا؟
بدانچه به‌شدن و اقبال اعتقادی داشتند، نوجوانم داشتند از کارهای همس واین رامهرمون توجیهی خاص از جانب پروزدگار می‌دادند.

باشه‌بیتنام می‌گویم هیچ وضعیت خاص و دشوار و حتی ناراحت‌کننده برای یک کتابفروش علاقمند وجود ندارد **فروش کتاب چه احساسی دارد؟**
واقعی خریدوفروش کتاب واردچهارمی‌های‌هاو معاملات بازاری و مملکتی‌ستلای پس ازانفکتهضاتی‌شده برعه کتابفروشی‌هاو دلبستگیان به این کلاهی فرهنگی از زیست‌بوم و غیر قابل‌وشت‌ترین اساس‌هاست.

چقدر حقوق می‌گیرید؟

مأمله‌فوق‌وقتی‌پای‌پول‌و مسائل‌مادی به میان می‌آید ارزش این حرفه مقدس به طرز محسوسه افت می‌کند، به صراحت و باحداقلتی می‌گویم پول برای من همه چیز نیست من ازحافظ‌معنوی باکار و زحمتی‌شوم‌این بزرگترین موهبت است.

مشکلات کار شما؟

بزرگترین مشکل این است که این حرفه هرگز به صورت علمی موردتوجه قرار نگرفته‌است. این مسئله دربرجه اول در تک‌کاری کتابفروشان و در مراحل بعدی عدم وجود امکانات پایه‌ه همچنین عدم اطلاع‌رسانی صحیح از سوی مراجع و به‌خصوص رسانه‌های فضیلاح برمی‌گردد. این دو عامل دست به دست هم داده موجب کمبود آگاهی‌دوستان نسبت به تجارت‌صورت گرفته در صنعت نشر و عرضه کتاب شده‌است.

با بازاربازیان کتاب چطور برخورد می‌کنید؟

اکثربت کویب به اتفاق بازاربازیان به دلیل مشکلات معیشتی وبتکاری وارد این کار حاشایی که نقش‌صعب‌کننده در جذب‌توجه وفاق عمومی‌دوستان‌کتاب‌فروشان‌شده‌اند. متأمله‌عدم تسلط آگاهی‌عالمین و همسران و آن‌محوری کتاب که هم‌میزین دلیل آن عدم علاقه و در مراحل بعد دفعده‌های مالی‌است، باعث شده تا این نقش حساس بازاربازیان به عیان مانعی‌دفعده‌دوستان‌کتابفروش به طرز محسوسه کم‌رنگ جلوه‌کند.

با همه بازاربازینی که در ارتباط مستقیم با آنها هستیم، دوست هستیم و چهره‌های فراتر از آنان فرا گرفته و بابت هرآنچه که به من داده‌اند، ممنون و سپاسگزارم.

در طول چند سال فعالیت کتابفروشی می‌توانی دو حرفه زیسته‌هایی شناسایی کنی و دانش‌آموزی‌های من باعث شده تا به شام خودم‌های ابدیت و علم انسانی‌گویی بزنم که البته این کار صد در صد اشتباه و غیر علمی‌است. در این حالت مطالعات سطحی و افتاد معنی لازم‌است. مطالعات داشته باشم و امیدوار باشم که این پراکنده‌گی ذهنی روزی به انسجام لازم برسد.

وقت و وقت

زهرا حاج محمدی

گفت وگو با محسن میرآبادی مدیر مسؤل نشر فرهنگ گستر وقت تصمصیم‌گیری‌های آنی به سر آمده‌است

در سال‌های آتی ارزش این مستندات شناخته می‌شود.

رمان‌نویس‌ها، فیلم‌نامه‌نویس‌ها، فیلم‌سازان و تاریخ‌نویسان هیچ سند و مدرکی غیر از این مجموعه پیدا نخواهند کرد. اما در کتاب‌های خاطره‌ها و سال‌هایی‌چهارم‌نگه‌شده‌نگه‌نگه‌نگه‌نگه

تاریخ‌نویس، رمان‌نویس، فیلم‌ساز خواهد شد. فرهنگ‌جبهه نگاه تخصصی نیست، وقتی عنوانده تخصصی، پژوهشگر، مراجعه‌کننده، می‌تواند اطلاعات دسته‌بندی شده‌ای را از این مجموعه دریافت‌کند.

پشتاد و توجیه بر وی چه عاقلی بوده است؟

در کتابهایی که با من شده‌بعضی عاقلین مثل اصلاح‌مات‌نویس‌ات، شوخ‌طبعی‌ها، نام‌ها، نام‌ها، نشانی‌ها، و آداب و رسوم مورد توجه‌ناشران خارجی‌بود‌است آنجا که مطبل‌عقلی‌ها در دنیا مسوخ شده و همه چیز به سمت میزما مل‌پیش می‌رود. فرهنگ‌جبهه‌تو که ۳۳ جلد از آن منتشر شده و قرار است به ۵۰ جلد نیز برسد، موجب ترس آنها شده. ضمن آنکه معادلی‌هایی و تعبیر بسیاری واژه‌ها و اصطلاحات زبان فارسی به زبان‌های دیگر بسیار سخت‌است. گرچه برخی دوستان ایرانی علاقه‌مندی‌خودشان را به انجام این ترجمه نشان داده‌اند از جمله آقای سید مهرلادین معینی که موضوع پیش‌ذکرتاری خود را در دانشگاه



سورین ترجمه اصطلاحات و تعبیرات فرهنگ‌جبهه به فارسی‌وتعاب کرده‌از سوی دانشگاه‌توین‌موردپیش‌واقه شده‌است. **با ارتباطاتی که با ناشران خارجی داشته‌اید، ناشران اروپایی و آمریکایی در حوزه فرهنگ جنگ خود چقدر وارد عمل شده‌اند؟**

در سفر به فرانکفورت حداقل ۱۰ ناشر را دیدم که اختصاصاً در حوزه جنگ کار می‌کنند. شامل کتاب‌های هورلیماساری، رمان جنگ و دیگر مقالات جنگ از آمریکا تا نشر آلمان، آلمان، سوئد، انگلستان، استرالیا، ژاپن و دیگر کشورهای اروپایی نیزهنگام انتشار در این حوزه حضور داشتند.

عده‌ها قدرت ناشر جنگ ما با ناشر جنگ خارجی چیست؟
قدرت‌ناشناسی نیست به چه‌های جنگ و فرهنگ آنها. عملیات جنگ و افرایندی که در جنگ حضور داشتند در کشورهای دیگر جایگاه خاصی دارند و امتیازات اجتماعی بزرگی را به خود اختصاص داده‌اند. اما نگاه کنید که چه‌های جنگ ما کجا‌ها هستند. به همین دلیل کار جنگ کردن کار ساده‌ای نیست اگر چه وزارت فرهنگ و ارشداد اسلامی و ناشران دولتی حمایت‌های خود را از ما در پی می‌کنند. اما ناشر خصوصی کمتر حمایت‌است. در این حوزه کار کرده‌ام، می‌توانم بگویم که جمع‌آوری و مستندات قضایی‌شده‌ای از این محسوساتی‌بودن‌جهدانجام‌شده‌م‌نشر



سبب راه‌اندازی کنیم.

قول کنید یک ناشر خصوصی در اروپا و آمریکا نیز به جنگ نمی‌پردازه و عموماً با دولتی‌هاست یا پروپاگاندا کتاب‌های دولتی.

بله، اما چیزی که مسلم‌است مقدسه‌خبریت‌کلیجاری‌کنشور ما یا کنشور آلمان است. حاکمان کتاب‌سازگان کتاب‌فروشنور ۵۰۰ هزار است. حال آنکه حداقل کتاب‌سازگان متالور کنشور آلمان، ۵۰ هزار است.

این مشکل فقط کتاب‌جبهه را در بر نمی‌گیرد مشکل کاش روزانه‌های سازگان و علم‌ملاعه خواندگان و کتاب‌جبهه حوزه‌های کتاب را در بر می‌گیرد و همه ناشران را.

بله، اما وقتی ناشران دیگر در این شرایط با دانشه باشند، ما سخته‌بظرف کرده‌ایم!

به نظر شما ما باید هم‌تایز به کمک خاص دولت از حوزه تولید فارم؟

کتاب‌جبهه‌ای که به همه ناشران می‌شود. همه ناشران از سهم‌خرید کتاب توسط ناشران‌برجوراد مستندان نشود کمتر در دنیا وجود دارد و در کنشور خودمان یک‌بار و یوه‌نگلی‌است که همه کتاب‌ها را در بر می‌گیرد و به حوزه موضوع خاصی را.

با این وجود شما معتقدید دولت باید ملاً به کتاب جنگ توجه بیشتری کند؟

بسیاری از کتاب‌ها بازار خودش را دارد. مثلاً کتاب کودک و خردسال خواننده آزاد خودش را در جامعه دارد. کتاب‌های افسی و غریب اما کتاب‌هایی مثل کتاب جنگ از امکان خرید کمتری برخوردار است و به اندازه کتاب‌های دیگر مشتری ندارد. اینجا است که دولت باید کمک بیشتری بکند. البته نه به صورت فرمایشی تا ناشران دیگر فکر کنند می‌تواند از این باز هم سودی برای خود بسازند. در چنین قضایی که کارهای فاقد کیفیت و موازی‌کاری در بین ناشران زیاد می‌شود، این تعداد خواننده محدود نیز از دست می‌رود.

کتاب‌ها بدون تیراژ و در عرض هم حرکت می‌کنند.

برای گریز از این چرخان برای بازار نشر چه باید کرد؟
به نظر من مشکل اصلی نشر ما در حال حاضر توزیع

کتاب است. بعد می‌دانم برای بازار کتاب با حداکثر ۵ هزار دلار گانه، خواننده‌های وجود نداشته‌باشد. برای حمایت ۶۰ میلیون ما که اکثریت آنها جوان و نوجوان هستند. شمارگان ۵ هزار نسخه، شمارگان بالای سیست چه رسد به آنکه روز به آنکه هم باشند. شاید این آریسیده که ما منتظر یک ژانر باشیم تا با یک سامانه‌دست در حوزه توزیع کتاب برسیم. الان هر چه امکانات دست در حوزه تولید متمرکز شده، آمار کم‌سبب جواز از ۱۰ هزار به ۷ هزار رسیده است. در حالی که فقط ۵۰۰ ناشر پیشتر از ۱۰ کتاب در سال تولید نمی‌کنند. این یعنی خیلی‌ها فقط در عرضه نشر برمی‌باشند. ما شانتان‌رسیده و به همین خاطر هم مجبور گرفته‌اند. من آنها را واقعیت‌های برای خیروم می‌دانم. نگاه قضایی هستند که هرگز آگاه‌دهی به مصرف‌میرنشان‌ده‌در این حوزه از میان ۷ هزار ناشر فقط یک‌هفت‌اینها را قبیب‌خیروم می‌دانم. ما مطلق فقط فروشنده‌کامله‌کامله با ۲۵۰ تومان می‌بخردند و با سه برابر قیمت می‌فروشند. اما برای آنها که کار حرفه‌ای می‌کنند، مشکل توزیع مشکل بزرگی است.

دانش آموز سال های دور

مریم جباری

گفت و گو با استاد دکتر مصطفی کمال پورتراپ

پول ناهار و خرید کتاب

سر من خالی می‌گردد.

نگاه خانواده شما به کتاب چگونه بود؟

در زمان تحصیل در دبستان، خانواده‌ام کتابی در اختیارم نمی‌گذاشتند. البته در آن زمان جز کتاب‌های «آرسن لوپین»، «جاتی» و «تازانه» و نیز «امیرارسلان رومی» که برایم بسیار جذاب و خواندنی بود، کتاب دیگری را نمی‌دیدم. ولی از دوره دبیرستان که به هنرستان عالی موسیقی وارد شدم، مقالات و اشعار کتاب‌های صادق هدایت، عبدالحمید نوشین و اشعار نسیا پوشیح را در حلقه موسیقی خواندم ولی چون در رشته تحصیلی‌ام علاوه بر دروس علمی باید مقدار زیادی از وقت را به تئری و سازهایی چون فاگوت،ساپوا، ویولن، ویولن آلتو و نیپاتی اختصاص می‌دادم، لذا در عمل وقتی برای کتاب و کنجرفانی نمی‌ماند. شاید به همین جهت



پاشد که حتی امروز هم امکان خواندن کتاب‌های غیرفنی و حتی روزنامه را ندارم.

کتاب‌های مورد نیازتان را چگونه تهیه می‌کردید؟

آیا آنها را می‌خریدید یا به امانت می‌گرفید؟
علاوبا پول ناهار چهار روز در جمع کرده و کتاب مورد نیازم را تهیه می‌کردم. در دوره دبیرستان کمتر کسی کتاب به امانت بر اختیارم می‌گذاشت.

چه کتاب‌ها و موضوعاتی برای شما بیشتر جذابیت داشت؟

در دوره دبیرستان فقط کتاب‌های مربوط به موسیقی ولی در دوره عالی کتاب‌های روانشناسی، فیزیک، منطق و فلسفه دکتر سیاسی و کتاب‌های هدایت پیش از همه مرا تحت تأثیر قرار می‌داد.

آیا در فعالیت‌های فرهنگی مثل تهیه روزنامه‌های برای هم شرکت می‌کردید؟

نه.

چرا؟

چون در زمان ما روزنامه دیواری معمول نبود. **بیشتر دوست داشتید بخوانید یا بنویسید؟**
خواندن برایم جذابتر است ولی سعی است که نوشتن و ترجمه کتاب‌های موسیقی هم بپردازم. اگر به سال‌های دانش آموزی برگردیم، دوست دارید

دانش آموز سال‌های دور این هفته ما دکتر مصطفی کمال پورتراپ است که نام و اثر وی برای بسیاری از دانش آموزان و جوانان

علاقه مند به موسیقی آشناسخت بخصوص کتاب تئوری موسیقی وی که در حیاتی جنج و جور و مدام، مقامی اولیه موسیقی را به جوانان و پژوهشگران دانشمندی غرضه موسیقی است و به همین جهت در سال جاری و در سومین جشن خانه موسیقی از مقام علمی وی تجلیل و تقدیر شد و نیز در هفته پژوهش از وی به عنوان یکی از چهره‌های پژوهشی سال نام برده شد. پورتراپ همچنین برای رده‌های سنی مختلف کتاب‌های متعددی نوشته تا آنها را با مقامی و نکت‌های موسیقی علمی آشنا سازد. شاید بهترین وقت برای این دانش آموز سال‌های دور این باشد که وی معرفی چند و چهره روزی و تلاش کرد تا موسیقی علمی را در جامعه رواج و روش دهد. گفت‌وگوی ما با وی چنین‌است.

آقای پورتراپ، پس از سال‌ها اولین مدرسه‌ای را که در آن درس خواندید، به یاد دارید؟

به گندم دبستان علامه بود.

از فضای مدرسه بگویید و اینکه آیا تئیه یا تشویق هم می‌شدید؟

سال سوم دبستان بودم که یکی از همکلاسی‌هایم کتاب یکی از چپ‌ها را رنگ فریخ در کیف من گذاشت و آن دانش آموز متوجه شد.

که کتاب داخل کیف من است. لایحه به ناظم خیر دادند و ناظم مرا عیب و ذلک کرد و ضمناً از گذاشتن کلام بونی بر سرم مرا دور حیاط چرخاندند.

از دوره دبیرستان بگویید.چقدر از وقتان را به درس و کتابخوانی و بازی و... اختصاص می‌دادید؟

از سال اول دبیرستان که از کلاس هفتم شروع می‌شده، به درس خواندن پرداختم و از سال دوم دبیرستان به طاق موقوفه‌شدگان یزد، ناهار نقد علاوه

بر تحصیل برای امور معاش خودم و در برابر و خواهرم کاتب گندم، گذارمی برای کتابخوانی باقی نمی‌ماند تا چه برسد به بازی و...

از چه زمانی احساس کردید که کتاب، گوشه‌ای از دستان را به خود مشغول کرده است؟

از همان زمان مشغول عشق و علاقه فراوانی به

دانشن چیزها و مطالعه داشتم. ولی به علت ناشناسی وقت و اینکه می‌بایست هزینه و خرجی خانواده را می‌شده، به درس خواندن بیشتر مردم و فقط درس مدرسه را بخونم می‌خواندم ولی نمی‌گرفتم. فقط هم شاگرد اول می‌شدم. شاید همین امر باعث می‌شد که مورد حمایت همکلاسی‌هایم واقع بشوم و آنها هم از گاهی با پاپوش دوختن برای من دلی و ملی خود را

چه کاری انجام میدید؟
تمام کارهایی که امروز مرسوم است، بازی، کتاب خواندن، خواندن روزنامه، فعالیت‌های جمعی

و... در اختیارم نمی‌گذاشتند. البته در آن زمان جز

به دوران بعد از دبستان بپردازیم. در کدام مدرسه درس خواندید و آیا در مدرسه شما کتابخانه‌ای هم وجود داشت؟

تحصیل دوره بعد از دبستان من، در هنرستان عالی موسیقی بود ولی کتابخانه آن بسختی کتابی را در اختیار می‌گذاشت؛ بخصوص که فقط کتاب قصه‌های مربوط به موسیقی داشت.

از دوستانتان کتاب امانت می‌گرفید؟

چیزی امانت نمی‌دادند.

کدام کتاب در آن سال‌ها برایان جذابیت داشت؟
از آنجایی که روانشناسی با تئری ناخوانگه و مغفل و فلسفه در تشخیص حقایق موجود در جهان به انسان کمک می‌کند، کتاب‌های روانشناسی و فلسفه بیشتر برایم جذاب بود و به آثار صادق هدایت و صادق چوبک و جمال‌زاده هنوز هم همان قدر علاقه دارم.

شعر می‌خواندید یا می‌سرودید؟

اشعار سعادی و حافظ و نیما بوییح و مولوی مورد علاقه‌ام بود، ولی چون در دوران دبیرستان در کوهستان گذارم، موسیقی می‌گزدم. اشعاری همراه با آهنگ برای کودکان می‌سرودم.

چه ساعتی را در روز و شب به مطالعه اختصاص می‌دادید؟

چون فرصت کمی داشتم، هر وقت فرصت داشتم مطالعه می‌کردم.

خواندن کتاب‌های درسی برایان جالب تر بود یا کتاب‌های غیردرسی؟

چون از زمان تحصیل شاگرد اول بودن برایم مهم بود، بیشتر وقت صرف خواندن کتاب‌های درسی می‌کردم.

خانواده‌ی از آن سال‌های دور دانش آموزی برلمان تعریف کنید.

روزی از روزهای تحصیل دوستانم را بعد از سال‌ها، در خیابان ملاقات کردم و چون او کار فروری داشت، قرار شد روز بعد در ساعت سامعی بگذریم و ببینیم ولی از شدت شوق دیدار فراموش کردم که در آن ساعت امتحان دارم و چون قول داده بودم، آن روز در جلسه امتحان حاضر شدم و به دیدار دوستم رفتم. متأسفانه اوسر قرار نیامد و من هم به دلیل عدم حضور در امتحان، تجدید شدم.

در حال حاضر چقدر کتاب می‌خوانید؟

در زمان فراغت که زمان بسیار کمی است.

تازه‌ترین کتابی که خواندید چه بود؟

تازه‌ترین کتابی که چندسال پیش خواندم «مفروض انسان» بود.

راسته کتابفروش‌ها

شهرالله حدادی

کلاه میرزا موسی



یک نشریه که ادعا دارد با جلال‌ترین نشریه سراسری دانشجوئی‌است، به‌اضافه‌ای‌به‌نام مجله‌رضا حدادی، در مقام سرپیچ به من نوشته است.

جواب آقای شهرالله حدادی

عشق محرم چریبیه هفته‌نامه کتاب هفته سلام بگویم. خجالت

امدی‌شش‌دره‌خمن سوزی که هر هفته قلم می‌کشد، خواننده که کشتار از راه پوله‌تولید کتاب‌های آن کمیت‌شرا کاغذ کتابی می‌نویسد، اما (چه من قاضی‌م) اگر چه ما تمام جیب‌مان را بر جوت استفاده از کاغذ کتابی را ناگفته‌ام، اما فرمایید این هم کتاب از زان!

شاید در نگاه اول به نظر برسد که تمام هرهای آن دروش بخش خصوصی استوار شده است، به نوعی وقفه دولت با نظارت سکریت و سرگرم به امید محرم‌ت‌ه‌ت‌انجاریان و فراق‌التحصیلات داخل در این طرح نیست و در حرکت دولت در این بخش را به تخریب ۲۲-ساله خویش روزی‌آید. لذا هرگونه براری «حاجت» حتی در حد معرفی نهادن آن طرح و «حفظ آن آن بی‌شکست» به زنده‌مانی‌اش ملی و هنگ این مردم استوار آغوش آری، رسانه‌ها هم در این حرکت شریک خواهند شد؛ ببینید و تعریف کنید، «الانرا لیکم رانشن از شما به‌نظا وقتی نامه را خواندید، «مجنبن فهمی» همه آید خوده خوش‌شان شده اما بعله، دیدم اتفاقاً چند بار نامه را خواندید، ملی اشعرو و شعر نیندازه که اصل‌شان آن سر درمید، قسمت دوم برنامه دستگیر نامن شد. شاید علت آن باشد که ما اخیر سرمان با شعر و تئو در این طرز چیزها اصلاً رابطه نداریم و خارج از حد هزار بار شکر لا نیما تا روزگار ما هر چه شعر تو گفته‌اند، «اگر اهلی شعر نوبش‌شان بایند-حاجت‌مان نمی‌شود، به همین دلیل اگر در کتابخانه خانه ما نکرید، بخش زشای حدادیک کتاب شعرو با حداقل اشعری نیندازه بیا نمی‌شود!

بعد فکر کردم نکت‌های گفته‌ام این آقای حدادی، رقم بالا با ما نیستی داشت باشد، به‌دقت نظر فلسفه سرخطانرا دیدم، یک آقای فرمودند، نشست، بعد با نظریه آمد. بعد از نظر نگاه زدم، یک آقای دیگر فرمودند، نشست، بعد نگاه کردم، وقتی نشست، می‌آوردند، فرمودند، فراروز بعد علنی چهارمین و پنجمین بار یک‌نگ دیدم گفتند، نشست، مشکل چیست؟ گفتند، ریزه مشکلی ندارم و خود را معرفی کردم و خواستم بدانم ایشان یا بنده فراموش دارند یا خیر، که گفتند، اهل علم هستند. آمده بود بلای، ما به خیر گفتند، چون ما به تمام ارقامشان همان طرز که یادگیری کنیم اشعرو خوانند، بیشتر مغزش می‌کنیم که فدور و کتاب و مطوعات نوزدهم و بیونده به دنبال استکس و پول که اسرار الهوب، است و بر هر فردی در زمان دور-حاجل جواب حضرتش!

جواب حدادی آن طرز که تعی آن‌کن می‌فرمودت، می‌خوانید سری علی‌سیر ما پیدا کنید و اگر گفته‌شده، و کتاب‌های شما خوب است، آن وقت بنشیند و تعریف کنده می‌گوید، روزی بخسار شد، به میز او سر می‌وزید گفتند، بنده سوخته چرا گوش‌هایم ازین کلام بیرون است! امیرا موسی سر حلی که می‌گفته‌ام را به یزید لاه می‌برد، گفت، فریقت کردم، اگر مشکل ملکات باشد، باز کلاه رفتن گوش‌های بنده حل می‌شود، فرمایید این گوش‌های من.

حلی خودم اگر مشکل تزیین در زمان دور-حاجل جواب حضرتش!

قلمی کردن گفتند، سرطری از تسلا حل می‌شود، چون گوش‌هایم فرمایید این هم معرفی و به عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ کتاب هفته به عنوان عضو محرم تخریبیه «حجنتان فرانسوی» دوری با از افضلی حیات تجربه به کتاب هفته به روزی نامه اهلی کتاب تو جمله حضرت عالی و دیگر دوستان- «مخبرانه باول است و بفری شاست، کلیت است تا بخواهد و در پیله که این نشریه هم برای همه ایرانیان است، و آن گاه ما شاهد تعریف‌مانندینیه هر چند باز به تعریف نیست و آنچه که انجام می‌پذیرد و توقف است و بر سر کسی نمی‌تاریم.

در پایان امیرا موسی هیئته ما جلال‌ترین نشریه سراسری دانش جوئیان باقی‌مانید و همچون مطرفین نامه سرور و به‌حکام شکار، خودتان به عنوان دانش‌ت-شعبه و گویید به شکار رفیق، مقلز مقلز مرده را در اسخر شکار کنیم، توگره‌های ما به ما دانش‌ت-دانش‌ت ما هم که خواندن از خواندن خیلی خواننده آمده بود، به خواندن، مدت‌ها نداشتند، فدایم ازین کار بگذریم، دیگران بگذریم، اما شما اظهار است.

امیرا موسی از مزاج من که فقط برای اسیلاط حاضر گفته شد، دکتر می‌شود این نوی و این بدانم، ما منتظریم، در خانه باز است، قدم در آن نگارم که خانه، خانه تو سر



آقای خرسندرو، **انتشارات منادی تریست** از چه زمانی تأسیس شد؟

مؤسسه فرهنگی تریست، تریست، حدود ۳ سال پیش ثبت رسمی شده است، اما قبل از آن با عنوان انتشارات تریست صرفاً در حوزه نشر کتاب کار می‌کرد تا اینکه حدود ۳ سال پیش هیأت امنای مؤسسه در اسانسه و مأموریت‌های مؤسسه بازنگری کردند. نتیجه آن شد که مؤسسه در سایر زمینه‌های فرهنگی مثل سینما نیز می‌تواند فعال شود. این مؤسسه حدود ۱۵ سال است که فعالیت دارد.

مؤسسه تریست به لحاظ سیاستگذاری و بودجه زیر نظر کدام وزارتخانه قرار دارد؟

این مؤسسه، یک مؤسسه غیر انتفاعی است که ضمن آنکه زیر نظر آموزش و پرورش است، هیأت امنای آن را چهار معارف وزیر شکل می‌دهند، ولی هیچ بودجه‌ای از آموزش و پرورش نمی‌گیرد، یعنی ما ردیف اجزایی و بودجه در آموزش و پرورش نداریم. بلکه بعضی از قراردادهای آموزش و پرورش است که می‌تواند با بخش خصوصی منعقد شود، یا ما بسته می‌شود و ما در قالب این قراردادها خدماتی را به آموزش و پرورش ارائه می‌دهیم. **کتاب‌هایی که انتشارات تریست منتشر می‌کند در چه سطر می‌باشند؟**

به طور کلی اولین تریست مخاطبان ما کودکان و نوجوانان (دانش آموزان) در مقاطع مختلف تحصیلی هستند. در واقع ۸۰ درصد آثار انتشارات ما به این مخاطبان اختصاص دارد و ۲۰ درصد آثار کتاب‌هایی که تولید می‌کنیم به مخاطبان سطح مردم، یعنی معلمان و مربیان آموزش و پرورش اختصاص دارد.

انتشارات تریست کنفرنسی‌ها را در مراکز استان‌ها با همت خود

تولیدکننده‌ی کتابی را در مراکز استان‌ها با همت خود استان‌ها تأسیس کردیم، برای نمونه استان قزوین در سال گذشته سه نمایشگاه و فروشنده دائمی کتاب ایجاد کرد که ما نقش حمایتی و نظارتی داشتیم.

آیا کتاب‌های موجود در نمایشگاه‌هایی که در شهرستان‌ها و تهران برگزار می‌کنید، صرفاً کتاب‌های انتشارات تریست است یا اینکه از انتشارات دیگر هم کتاب می‌فروشید؟
ما در طرح ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب که در هفته کتاب برگزار می‌کنیم و همچنین در نمایشگاه دائمی کتاب که در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها برگزار می‌کنیم، از همه ناشران کتاب می‌گیریم، به عنوان مثال در ۱۰ هزار نمایشگاه اسفند و همچنین به کمک ناشرانی که نشانی هیأتان را داشتیم، نامه فرستادیم و از آنها برای شرکت در طرح هیأتان دعوت به عمل آوردیم. اسفند در حدود ۱۲۰۰ ناشر شرکت کردند. شاید معدودی از این تعداد ناشران دولتی یا وابسته به آموزش و پرورش بودند، اما اکثریت قریب به اقلی آنها ناشر بخش خصوصی بودند.

آقای خرسندرو! ملاک شما برای خرید کتاب از ناشران خصوصی یا دولتی چیست؟

ما ضوابط انتخابی را تدوین کردیم که در آن موضوعات مختلفی در زمینه محتوا و فرم و شکل، ارزشگذاری شده است. بر مبنای این ارزشگذاری در این زمینه، کتاب‌ها از هنرناشری که ارائه شود، حائز شرایط و امتیاز قرار می‌گیرد. و در اختیار کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد.

ساختار انتشارات تریست، از چند بخش تشکیل شده است؟
مفاهظوری که در بین محبت‌های اشاره کردم، در رأس مؤسسه فرهنگی منادی تریست، هیأت‌انما داریم که در حال حاضر ۴ معاون وزی در آن حضور دارند. بعد از هیأت‌انما، هیأت مدیره داریم که نقش اجرایی در کار دارد.

کتاب و رو

کیسیا امیری

گفت‌وگو با عبدالحمید خرسندرو مدیرعامل مؤسسه منادی تریبست

پذیرای انتقادهای علمی و کارشناسانه‌ایم

با چند سال پیش مؤسسه فرهنگی تریست، تنها نامی بود و پس، اما از زمانی که عبدالحمید خرسندرو به این مجموعه با نهاد و مدیریت آن را بر عهده گرفت، این مؤسسه با تغییر نام به منادی تریست از رخنوت و رکود چندین ساله به در آمده، پوست انداخته و هم اکنون در پس از گذشت نزدیک به پنج سال به مؤسسه‌ای قابل اعتماد و تأثیرگذار در نشر کشور و بخصوص آموزش و پرورش تبدیل شده است. خرسندرو سخت به عبوری عرضه و تقاضا و فعال کردن و تعویض بخش خصوصی معتقد است. وی در لایه‌های گذشته گفت‌وگو ما را به اقتصاد آموزش و پرورش توجه می‌دهد و تأکید می‌کند که متیتر کنیم، به این بخش و کارآمد کردن آن هیچ توجهی نشان ندهاد. مؤسسه منادی تریست اگر چه با انتقادات سختی از سوی انجمنده ناشران و کنفرانشان تهران و برخی ناشران دیگر روبه‌رو شده است، اما مدیران با متکیگ این انتقادات به دو گونه تخریبی و تمجیحی، از گفت‌وگوهای انتقادی اصلاحی استقبال می‌کند.

شما با مراکز و مؤسسات دولتی هم چنل‌ل کتاب دارید؟
بله اولاً آموزش و پرورش ۱۰ ناشر دارد: کتابان پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انتشارات مدرسه و انتشارات انجمن اوتیا و مربیان که ما ما آنها در معارف و داد و ستد هستیم. ضمن اینکه با ناشران دولتی دیگر که خوب کار کنند و به نیاز معلمان و مربیان و دانش آموزان بخوبی پاسخ دهند نیز ارتباط برقرار می‌کنیم.
قیمت‌گذاری روی کتاب‌هایتان بر چه اساسی است؟
مانند هر ناشر دیگری برآورد هزینه‌ای می‌کنیم و از مجموعه سرمایه‌گذاری‌هایی که در واقع هزینه تمام‌شده تولید کالاهایمان هستند، که امر اجتناب‌ناپذیری است، در قیمت‌گذاری آن را دخالت می‌دهیم و همچنین حداقل سودی را در مؤسسه در مجموعه کار می‌بینیم.
شما معمولاً کتاب‌ها را از ناشران یا چندت دروسد تحقیق خریداری می‌کنید؟

عرف متداولی بین ناشران است، حدود ۳۵ درصد تحقیق.
وقتی کتابی را از ناشر یا مؤسسه خریداری می‌کنید، بعد از مدتی پول را به آنها برمی‌گردانید؟

♦ تولید نیاز به حمایت‌های

جدب‌تری داریم. مؤسسه

تریبست به علت وصل بودنش

به بازار توزیع و به بازار نیاز آموزش و پرورش، شاید در توزیع چندان مشکل جدی نداشته باشد

ما از موزعان کتاب خریداری نمی‌کنیم، فقط از ناشر کتاب می‌گیریم و سعی می‌کنیم درسه ما با حداکثر ۶ ماه با آنها تسویه کنیم.

آیا انتشارات منادی تریست در کل سال فعالیت دارد؟

است و همچنین در طول سال در دو شکل برپایی نمایشگاه‌های دائمی در استان‌ها و شهرستان‌ها به شکل تجهیز کتابخانه‌های مدارس به تالیف کتاب‌ها فعالیت داریم.

اوج تولید کتاب شما در چه زمانی است؟
تولید کتاب یک برنامه زمان‌بندی شده دارد، به معنای آنکه ما در سال گذشته شعار همه روز یک کتاب با ما داریم که خوشبختانه هر دو نیم روز یک کتاب تولید کردیم و در سال گذشته در دو نیمه پیش از ۱۰ کتاب تولید کردیم.

اهداف انتشارات منادی تریست چقدر با اهداف مطرح در اسانسه مطبوعی دارد؟

پس بنده به عنوان مدیرعامل فعالیت دارم و در کنار مدیرعامل هم ۴ معاونت و یک شورا وجود دارد. این ۴ معاونت شامل: معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی، تولید، بازرگانی، پشتیبانی و شورایی هم به‌عنوان شورای بررسی و انتخاب است که در امر تولید کتاب و انتخاب لیسنامه در مؤسسه فعالیت می‌کنند.

حجم فروش شما با حجم تولیداتان در انتشارات تناسب دارد؟

قطعاً تاوان عرضه و تقاضا برای ما هم حاکم است. سعی می‌کنیم که بازاریابی کنیم و البته نمایشگاه‌های دائمی هم به همین دلیل تأسیس شده است. یعنی ما ضمن افزایش تولید، بازاریابی می‌کنیم تا محصولات به فروش برسد.

برای چاپ (تیتروگرافی - مصاحفی) از بخش خصوصی استفاده می‌کنید؟

ما عمدتاً با بخش خصوصی همکاری می‌کنیم. در مورد نحوه قراردادن با اهل قلم، توصیه تصویری و مترجم توضیح میده!

نوع قراردادیستگي به شرایط فی مابین دارد. گاهی اوقات دوستان اهل قلم با مترجم، بنا به شرایط شان پیشنهاد قطعی بودن قرارداد را می‌دهند و گاهی اوقات، تصور و تفکی دوستان این است که آثارشان ارزشمند است، در این صورت قراردادهای نویسی و مترجم می‌تندند. در مجموع با توجه به شرایط طرف مقابل و مؤسسه قراردادهای مبتنی بر اوفی بسته می‌شود.

کافه‌ها را چوه‌دهان تهیه می‌کنید یا از طریق وزارت

و فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گیریم و هم از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گیریم. بعضی از قسمت‌ها را وزارت فرهنگ و فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین نمی‌کنند و ناگزیر هستیم که خودمان از بازار آزاد استفاده کنیم.
کافه‌هایی که استفاده می‌کنید اوفی است یا خارجی؟

عمدتاً سعی می‌کنیم کافه خارجی استفاده کنیم.

مشارکتی کیفیت کاغذهای ایرانی، کیفیت مطلوبی نیست، شما در تأمین مواد اولیه، تولید چاپ و توزیع چه مشکلاتی دارید؟

در تولید نیز به حمایت‌های جدی‌تری داریم. مؤسسه تریبست به علت وصل بودنش به بازار توزیع و به بازار نیاز آموزش و پرورش، شاید در توزیع چندان مشکل جدی نداشته باشد. به عبارتی در حال ایجاد ساختار مناسب توزیع است. اما عمده‌ترین مشکل در تولید است که باید با حمایت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر مراکز، به افزایش شاخصی تولید و سهول الوصول کردن این مرحله توجه جدی شود. به عنوان مثال گرفتن وام از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بانک رفاه برای تولید، بسیار دشوار است و منابع متعددی را برای به دست آوردن وام باید طی کرد و علاوه یک طرح بلندمدت شبیه است که موفق شدن در آن منوط به گذشتن از موانع است.

در خصوص انتخاب کتاب از ناشران ملاکان چیست، قیمت یا محتوا؟

قطعاً هم قیمت است و هم محتوا. اما هر کدام یک سهم درصدی دارند. اصل انتخاب در محتواست. بر مبنای ضوابط مولدی که با نگاه کارشناسی به آن نگریسته شده، محتوا ملاک اصلی است. اما با توجه به اینکه یکسری از استان‌ها، جز استان‌های مجرم هستند و دانش آموزان قدرت خرید ندارند، ملاک چند کتاب در یک موضوع داریم و بعضی از ناشران رعایت مخاطب را کرده‌اند و قیمت ارزان‌تری در نظر گرفته‌اند. به طور طبیعی، کارشناسان و داوران به کتابی که موضوع مشابه با قیمت پایین‌تری دارد، امتیاز بیشتری می‌دهند.

صدا در صد، چون در اسانسه‌ها رسانی سیاست‌های کلی وزارت آموزش و پرورش تأمین شده است و بر مبنای نظر سنجی که از استان‌های می‌سعی می‌کنیم تولیدمان را زود رسانی سیاست‌های کلی و نیازهای روزمره آموزش و پرورش تنظیم کرده و همچنین در مجموعه کار یک شورای بررسی و انتخاب داریم که این شورای از کیفی از افراد حوزه ادبیات داستانی و کودکان و نوجوانان کار کرده‌اند، است. این افراد دانش‌آمیزگری و نظارت را در جهت تولید ما دارند که مجموعه کار را جهت‌دهی می‌کنند.

بعضی از کتاب‌های شما، مخاطب خاص خودش را دارد، اما بسیاری از مردم به کتابفروشی ما نمی‌توانند، شیکه تزویج، توضیح میده.

فکر می‌کنم با این ساختار تزویج، کتاب‌های ما بیش از حد و بیشترین‌های برخی از نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌ها باشد. قطعاً عاقلن این است که ما ساختار توزیعی داریم که این ساختار به ۴۳۰۰ منطقه آموزش و پرورش کتاب می‌فرستد و کتاب در شمارگان ۱۰ تا ۱۰ هزار قطعاً به دست مخاطب می‌رسد و ما مشکل توزیع نداریم، بلکه مشکل تولید داریم. در بخش خصوصی اگر کتابی بعد از ۱۵ سال به فروش نرسد، یعنی به زیان می‌شود در آنها شما کتاب می‌تواند؟

معاونت تولید و بازرگانی و شورای بررسی و مشاوران عالی بازرگانی و شورای وابسته را به کارگرفتن از دستجاتی که در حوزه کودک و نوجوان تخصص تولید است و ارتقای کیفیت تولید و همچنین قیمت تولید است. زمین و استدلال و شعار بر این اعتبار داریم. هدف انتشارات تریبست به عنوان ناشر سال ۱۴۰۰ است که نشان‌دهنده این است که این بازرگاری و نگاه جدی به فرم و محتوای سبب شده و کتاب‌های مطبوع و مغلوب در اختیار مخاطب قرار گیرد و خوشبختانه کتاب‌ها در این حد در ایلام می‌مانند که بعداً چندو مشکل می‌شود.

سال گذشته چند جلد کتاب فروختید؟

قریباً حدود ۱۵۳ عنوان و در حدود ۲ میلیون جلد کتاب فروختیم.

بیشترین فروشتان در چه مراکز است؟
در همه مراکز آموزش و پرورش با ارزشیایی که توسط معاونت پژوهشی مؤسسه انجام شده، بیشترین فروش دانش آموزان به کتاب‌های کمک‌آموزشی و زبان است که ما قلاً در حوزه کمک‌آموزشی کار کرده کتاب چاپ کردیم ولی در حوزه زبان و ادبیات داستانی بازگای سرمایه‌گذاری شده است.

حرف آخر؟
فکر می‌اگر به جای تخریب به تمجیح هدلیگر برودیم، خیلی از مشکلات حل می‌شود، به کار هیأتان بنگیریم و نقد مستمر کنیم و این نقادی به منظور تقویت کارمان باشد.

از سوی مؤسسه فرهنگی منادی تریبست صورت می‌گیرد.
تسویه حساب ناشران ۱۰ هزار نمایشگاه در مدرسه
مؤسسه منادی تریبست مجری طرح ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۱۰ هزار مدرسه با ناشران شرکت‌کننده در این طرح تسویه حساب می‌کند.
ناشرانی که در این نمایشگاه‌ها شرکت کرده‌اند و از آنان تا ۲۵ میلیون ریال کتاب (قیمت پشت جلد) خریداری شده است می‌توانند از بیبست و یکم دی برای تسویه حساب به مؤسسه فرهنگی منادی تریبست مراجعه کنند. همرا داشتن مهر انتشارات و قرارداد منعقد شده برای تسویه حساب ضروری است.
طرح ۱۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۹ هزار مدرسه همه ساله در هفته کتاب اجرا می‌شود.

دیدگاه
سیدعلی کاشفی خوانساری
<div>خصوصی سازی و ادبیات کودک</div>
<div><div> </div><div> </div></div> <div>خصوصی سازی از برنامه های فراگیر در سراسر جهان است و سبزی است که در سراسر جهان با قوت و ضعف دنبال می‌شود. در ایران هم خصوصی‌سازی از اهداف و برنامه‌های دولت بوده و در حوزه‌های مختلف کم و بیش در دستور کار قرار گرفته است. شکی نیست که فضای فعلی ادبیات کودک ما شدت دولتی است و عملاً کار به ناشران دولتی و شبه دولتی (که یا به طور غیررسمی روابط خاصی با دولت برخوردارند) محدود است. این فضای کاملاً دولتی مشکلات فراوانی را برای کتاب کودک پدیدآورده که چندان از برای آن اهل فن آشکار است. حالا سؤال این است که خصوصی‌سازی در کتاب کودک و در نهادهای متولی کتاب کودک چگونه باید صورت بگیرد؟ نکته مهمی که نباید از آن غافل شد، لزوم حفظ سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت در این عرصه است. در هیچ جای دنیا مقوله فرهنگ بدون نظارت و حمایت دولت نمی‌تواند بپویایی و سلامت خود را حفظ کند و این البته به معنای ادامه دخالت مستقیم دولت در تولید کتاب کودک نیست. واگذاری تصدی‌گری دولت بویژه در حیطه اجرا و تولید و توزیع نیاز جدی به شکل‌گیری نهادهای مدنی آیا نمی‌شود چشواره ها و نمایشگاههای دولتی را به نهادهای انجمن ها سپرده آيا نمی‌شود سهام ناشران دولتی را به نویسندگان و تصویرگران و منتقدان کتاب کودک فروخت؟ آیا نمی‌شود تعاونی‌هایی از نویسندگان، کتابداران، معلمان و کتابدوستان متولی ایجاد فرورنگاههای کتاب کودک شوند؟ آیا نمی‌شود…</div>
خبر
<div><div> </div><div> </div></div> <div>آثار تصویرگری کتاب کودک نوما ۲۰۰۰ در تهران</div>
<div><div> </div><div> </div></div> <div>از ۲۴ دی ماه نمایشگاهی از آثار کارگاه تصویرگری کتاب کودک نوما ۲۰۰۰ که هم‌زمان باپروایی نمایشگاه آثار برگزیده نوما در روزهای دوم تا پنجم مهرماه توسط ان‌ی‌شو موزه تصویرگریست زاینی برگزار شده بود، به نمایش گذاشته می‌شود. در این کارگاه ان‌ی‌شو موزا به همراه ابوالفضل همتی آمویی و بهزاد غریب‌پور کار آموزش ۲۸ دانشجوی تصویرگر را به عهده داشتند. این کارگاه به درخواست ایران و با همکاری مرکز آسیا-اقیانوسیه یونسکو (ACCU) در مرکز آموزش‌های هنری کانون با عنوان «بازی» برپا شده بود. ساسانه تصویرگری کتاب کودک نوما ژان از معتبرترین مسابقه‌های بین‌المللی تصویرگری در جهان محسوب می‌شود.</div>

داستان کفتدوزک تپیل، نوشته، **مهران توحیدی**، **تصویرگر**، **لادن اسلاملو**، چاپ اول؛ **قطع خوشی**، **۱۲ صفحه**، **۱۵۰۰۰ نسخه**، **مؤسسه خیریه آموزشی فرهنگی شهید مهدوی**.

یک کفتدوزک که در باغ نسیبآزادگی در گوشه‌ای از این دنیای پهناور با پدر و مادر خود زندگی می‌کند و بیست سال روی بدن خود دارد شخصیت اصلی این کتاب است. کفتدوزک با به اتفاق نویسنده و نقاشی که برایش می‌کند، به عنوان حشره‌ای تپیل و کم‌حرکت معرفی می‌شود.

این نماندنی‌های تابان داستان توسط نویسنده دنبال می‌شود، به طوری که همه اتفاق‌هایی که در کتاب شاهد آن هستیم، دست به دست هم داده تا تپیلی و رخوت را در منظر نگاه مخاطبان به عنوان پدیده‌ای زشت و زیانبار معرفی کند.

کناسبازی برای کودکان یکی از حرکت‌های بحث‌گیز این سال‌هاست که البته با گذشتن نیز چندان بی‌نیست نیست. متأسفانه بخش عمده‌ای از کتاب‌هایی که به بازار کتاب کودک و نوجوان راه می‌یابند و این گروه از مخاطبان فرهنگ‌مکتوب را به سمت خود فرا می‌خوانند، تنها حرف تازه‌ای برای گفتن ندارند، بلکه از اصول و قواعد اولیه یک اثر داستانی هم فاصله گرفته و عرصه را بر آثارهای خلاق و اثرگذار تنگ می‌کنند، یعنی ممکن است این آثار در برخی مواقع، چنان مخاطب خود را دچار دلزدگی کند که دیگر رغبتی از سوی مخاطب برای خوانش کتاب‌های بعدی ایجاد نشود و با حداقل این رعبت، مگر رنگ‌تر شود برون آنکه خوانسته باشد «داستان کفتدوزک

اقبال لفظان
<div>حمید هنرجو</div>
به حشره‌ها اجازه بده فکر کنند!



تپیل را زوی کناسبازی و اثر مطعی معرفی‌کنم و آن را در حیطه آثار کم‌روزی و معضات‌محرب ببینم. لازم می‌مانم که کتابی را دربارهٔ آن یادآور شوم. مقدمه غربیاً بزرگسالانه کتاب، در همان سطرهای آغازین، این ذهنیت را در خواننده ایجاد می‌کند که زبان نوشتاری اثر، با زبان مخاطب، هماهنگ نیست. استفاده از برشی و واژه‌های مستعمل و غیر لطیف از یک سو تلاش برای امر و نهی به مخاطب و بیان برخی مفاهیم به صورت مستقیم گویی از همان ابتدا پر زائقه مخاطب اثر سعی می‌گذارد، ممکن است خواننده در همان ابتدا از سیر تا پیاز قضیه را حدس بزند و اصولاً از خیر خواندن کتاب بگذرد و این بزرگترین خطری است که گریانگیر آثاری با این مشخصه است. اینکه کفتدوزک که خاطر خوانین زیاد به خانه‌ای راه می‌یابد و با دوستان جدیدی مانند عنکبوت، مورچه و… ارتباط برقرار می‌کند، به نفعی تضاد در داستان‌هایماده و قابل قبول است اما این ارتباط خیلی سریع قطع می‌شود و نویسنده کمی شازنده از آثار آن می‌گذرد تا زودتر به پیام داستان برسد. در صورتی که

اقبال لفظان
<div>حمید هنرجو</div>
به حشره‌ها اجازه بده فکر کنند!

همین مشاخره کلامی عنکبوت با کفتدوزک و کمی بعد که پای مورچه هم به وسط کشیده می‌شود، داستانی‌ترین بخش کتاب می‌توانست باشد و اتفاقاً پیام مورد نظر هم تلوخا به مخاطب منتقل شود، یعنی قضیه با مشارکت خود حشره‌ها حل و فصل می‌شد و کار به آدمیزاد و تنگه‌ها و نظرات نصیحت‌آمیز و بعضاً شماری نمی‌رسید زیرا کودک امروز، بیشتر می‌بیند و کمتر می‌شود و مایل است که واقعیت‌ها، هنرمندانه و صادقانه برایش گفته شود و بخشی از قضاوت به خود او واگذار گردد، نه اینکه بخواهیم مفاهیمی را، هر چقدر هم که درست باشد، به او القا کنیم. ایالت عمومی بچه‌ها از این نوع اتفاقات مدت‌هاست که برگشته است.

کتابه دیگر تأکید غیر ضروری راوی بر موقعیت جغرافیایی باغی است که محل زندگی کفتدوزک و پدر و مادرش است، به نظر می‌آید که نویسنده به صورت تصنعی از شیراز چند بار نام برده، در صورتی که نمی‌توان ویژگی‌ها و موقعیت باغ مورد نظر را (احصا) در شیراز دید، یا اینکه «باغ» مربوط به شخصی به نام حاج محمد است اما حتماً باید این نام تزییح اتفاق خاصی در داستان نمی‌افتد!

چاپ مطلوب، شیوه استفاده از تصاویر و رنگ‌ها، نوع فکم انتخاب شده برای متن که برای مخاطب کودک چندان آشنا نیست هم از دیگر عواملی است که ممکن است این کتاب و مخاطب، فاصله ایجاد نماید و امیدوارم در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

خشناکار در صفحه پایانی داستان هم، نظرم را دره قضه ما کشت تمام - به همراه درس و پیان(؟) درج نمی‌شد، کسی مدعی بی‌پایام بود؟

آدم‌های سیاه. آدم‌های سفید

شهرلا شهری
<div><div> </div><div> </div></div> <div>مسافر کوچولو (داخت) خیلی سؤال دارم خیلی. مثلاً اینکه روزی روزگاری زمین هنوز هموار بود و هیچ کجایی آن حتی یک گور هم وجود نداشت را نفهمیدم. مگر زمین با وجود کوهها و دره‌ها می‌توانست هموار هم باشد، حالا کوه و دره هنوز ساخته نشده بوده یعنی فقط قبرستان‌ها و گورها باعث نامهواری زمین می‌شوند.وقتی مرده‌ها دفن شدند زمین دوباره هموار می‌شود.(ما) در</div>

جنوب تهران چه زمین هموار وسیعی داریم؟ مسأله دیگر ورود ناگهانی دختر و پسری است که نمی‌دانم کی و از کجا پلایشه هم شده بودند. وقتی به صفحه ۱۰ رسیدیم یک لحظه تصور کردم که یک صحنه را جا انداخته‌ام. این دختر و پسر چنان ناگهانی و با یک پرش بلند وارد داستان شدند که فکر می‌کنم خودشان هم از این خیز بلندشان کمی متعجب شدند. خواننده این کتاب یک احساس بی‌پای در من بره وجود آورد.

بخصوص نقاشی‌های عنکبین و کمی ترسناک آن. مثلاً تصویر صفحه ۱۵ خیلی جالب و کمی بی ربط است. در خط سوم می‌خوانیم اروی زمین به آن بزرگی به جز آدم‌ها فقط یک بوته گل سرخ وجود داشت. در حالی که در تصویر مقابل من ۲ تا بوته گل سرخ، مرسک، گاو، ماهی، خانه‌هایی خیلی مدرن‌تر از زمان خلقت و چند بومی آفریقای می‌بینم و بالاخره کسی را پیدا کنید تا جواب این سؤال من را بدهد. چرا آدم‌ها که تنها میزبان به دیگر مخلوقات شعورشان است در این داستان اینقدر می‌زنند!

پر و بچه‌ها

دو رمان برای نوجوانان

عزت‌الله الوذی مشغول نگارش رمانی برای نوجوانان است که هنوز اسم ندارد. وی همچنین رمان دیگری دربارهٔ زندگینامه حضرت محمد(ص) می‌نویسد.

الوذی کتاب زندگینامه عبدالحسن زین‌کوبه را در انتشارات کتک آموزش مجموعه شعر ایچه‌ها دلم برایتان تنگ می‌شود را در انتشارات حوزه هنری زیر چاپ دارد.

مجموعه داستان سالمون و مردی که در بالش من راه می‌رود کتاب دیگری از الوذی است که هنوز ناشر آن قطعی نشده است.

شماره ۱۰۵، شهریانه ۱۳۸۱ - ۱۵

پلرام پاک‌آیین مشغول نوشتن مجموعه‌ای از سیره اهل بیت‌بانم «زبان مادری» است که انتشارات طمعا آن را منتشر خواهد کرد. وی همچنین مجموعه شعری با عنوان ابرگی از بهار» برای نوجوانان دارد که هنوز ناشر آن مشخص نشده است. پاک‌آیین کتاب «ما هم شعر نخوانیم» را در انتشارات کانون زیر چاپ دارد. این کتاب مجموعه‌ای از تحلیل‌های توصیفی شعر شعری نوجوان است که بچه‌ها را با عناصر شعر آشنا می‌سازد.

این نویسنده و منتقد، مسؤول ویژه‌نامه «تیک تاک» روزنامه جام جم است که پنجشنبه‌ها برای نوجوانان چاپ می‌شود.

^[1] حمید هنرجو

^[2] حمید هنرجو

داریوش ارجمند، نامی آشناست. او سال‌ها در تأثر و ستیما فعالیت می‌کند. این هنرمند تمام‌دوم و حضور یک هنرمند با مربوط به میزان آگاهی و اطلاعاتش از جزئیات دنیای پیرامون می‌داند و اعتقاد دارد کتاب جزء ضروریات زندگی هر کس است. او در طول مصاحبه‌اش از کتاب‌های مورد علاقه‌اش سخن گفت و در عین حال عشق و علاقه‌اش به سرزمین ایران را محرمی دانست. برای شناخت هر چه بیشتر دنیای پیرامون خود

به نظر شما، یک هنرمند چقدر باید مطالعه کند؟

پسیم الله رحمن الرحیم، به نظر من مطالعه چیزی نیست که آدم انجام ندهد. بویژه برای هنرمندان که جزء ضروریات زندگی آنهاست، بنابراین منبع تغذیه هر آدمی که در زمینه هنر فعالیت می‌کند، کتاب است. از طریق مطالعه هنر تنها هنرمندان بلکه هر آدمی نگاه عمیقی به پیرامون خود پیدا می‌کند، من همیشه این جمله را گفته‌ام و حالا هم تکرار می‌کنم که «مطالعه یادزهر جهل و نفرت است».

شما خودتان چگونه مطالعه می‌کنید؟

هر کتابی که مربوط به حرفه من می‌شد و به عنوان کتاب‌های ما مُذخر مطرح بودند را در عنوان جوانی خواندم‌ام. برخی کتاب‌ها هم تا به امروز در حال انتشار هستند و قطعاً ناگزیر از مطالعه آنها هستم. مثلاً اخیراً کتابی انتشار یافت، تحت عنوان «تاریخ سیمنا» به ترجمه آقای هوشنگ آزادی‌ور که علیرغم مشکلات اقتصادی، آن را خریدم و خواندم‌ام. اینکه مدت‌ها پیش کتاب «تاریخ سیمنا» می‌نوشته «آزادی‌نایت» را خوانده بودم، ولی لازم دیدم که کتاب‌های تازه‌ای که نگاه نویسنده به تاریخ سیمنا دارند را نیز مطالعه کنم. البته مطالعه‌ام در حیطه تصویر و نمایش بخشی از دهه‌های اخیر را تشکیل می‌دهد، بخش دیگری آن به موضوعات جدی اندیشه‌ای و روزمره مربوط می‌شود.

چه موضوعات دیگری برایتان جذابیت دارد؟

مشاغل و مسائل فلسفی، اینکه می‌باحث در تئیین و تحلیل اندیشه هر انسانی تأثیر شگرفت می‌گذارد، مثل وقتی کتاب تحلیلی، فلسفی آقای ابراهیمی دینانی را مطالعه می‌کنم، درجه‌های مختلفی در ذهن کشوده می‌شود که شاید پیش از آن به آن مسائل فکر نمی‌کردم. من تردید ندارم که اینکه مطالعه‌ام در خدمت من خواننده فضایی را باز می‌کند پس از ترکیب و امتزاج با یکدیگر برآیند آن در یک جایی به صورت فکر، سخن و اندیشه جدیدی بروز و ظهور پیدا می‌کند، بدون اینکه صرفاً تقلیدی کرده باشم. هر یک از درجه‌ها، من را وارد دنیای جدیدی می‌کند و این همین طریق است که به اعماق زندگی نزدیکتر شوم.

شما که به مباحث تحریک و تحلیلی علاقه‌مند هستید، چقدر با «هرمان» ارتباط برقرار می‌کنید؟

داشته‌ام و چه در مدرسه بازیگری توصیه می‌کنم که «هرمان» بخوانند، چون از طریق خواندن آن راحت‌تر به شناخت درونیات انسان‌ها می‌رسند. بویژه در حرفه بازیگری شخصیت‌ها و فضاهای رمان‌های مختلف منبع آگاهی برای بازیگران می‌شود، چون در این روزگار به آدم‌های نمی‌شود و تنها منبع تغذیه برای شناخت انسان، با همه ابعادش، کتاب و بخصوص رمان است. وقتی یک بازیگر رمان می‌خواند با حقیقت آدم‌هایی که نویسنده توضیح داده است، بیشتر آشنا می‌شود، من برای شما مثال می‌زنم، در نمایشنامه درونیات و جزئیات شخصیت‌ها نوشته نمی‌شود و فقط ما از طریق کلمات و واژگان که بر زبان شخصیت‌ها جاری می‌شود فقط در یک محدوده مشخص به ذات و خصوصیات آنها پی می‌بریم. حالا

داریوش ارجمند، بازیگر تئاتر و سینما

مطالعه یادزهر جهل و نفرت است

شما آن را با شخصیت یک رمان مقایسه کنید؛ مثلاً راسکولنیکوف در رمان جنایت و مکافات، وقتی حالات و احوالات او را پس از قتل می‌خوانید، می‌بینید تا پوست و استخوان شخصیت را از طریق توصیفات و توضیحات نویسنده درک کرده‌اید؛ نگاه‌هایش، راه رفتن و نشستنش، رنجی که در درونش وجود دارد… پس از خواندن کتاب متوجه می‌شوید به‌طور واقعی با انسان‌هایی مواجه شدید که تک‌بعدی نیستند، بلکه ابعاد گسترده و ناشناخته‌ای دارند. حالا اگر سراغ تک‌تک کتاب‌های بزرگ و عظیم برویم کم‌کم متوجه می‌شوید وارد دنیایی شدید که پیش از خواندن کتاب، آن‌را هرگز لمس نکرده بودیم. مگر یک انسان به‌طور متوسط چقدر عمر می‌کند و چقدر فرصت دارد با انسان‌های نادر و بزرگ و



♦ من همیشه به شاکردانم در کلاس‌هایم: چه دن داشنگاه و چه در مدرسه بازیگری توصیه می‌کنم که «هرمان» بخوانند

متفاوت برخورد کند، ولی رمان این امکان را در اختیار ما قرار می‌دهد که غیر از خودمان را بهتر بشناسیم و درک کنیم، خوب، یک‌بار دیگر هم با انسان طرف است، چون قصه‌دار داستان‌ها را خلق کرده، پس چه بهتر با رمان مانوس و هوشمنان باشد، قدرت برنده خیال نویسنده‌گان نامتناهی است و ما هر چه بیشتر سوار این برنده شویم، بیشتر به درو دست ما سفر می‌کنیم و در این مسیر و سفرگلی باقی می‌گیریم. البته این مسائل برای رمان‌های کلاسیک صدق نمی‌کند؛ بلکه در بخش ادبیات مدرن و ادبیات رئالیسم جدید هم چنین چیزهایی را حس می‌کنیم. یعنی نویسنده‌گان آن کتاب‌ها حقایق روزگارمان را از طریق واژگان پیش رویمان زنده می‌کنند. آنها انسان آفرینند و با آدم‌هایی را از درون کوچکی بی‌آزار وارد می‌کنند. من آخرین رمانی که خواندم کتاب هیلثان می‌کنم. من سعی می‌کنم، اجسدهای رمان بسیار زیادی مسعود کیمیایی، اجسدهای شیشه‌ای» بود که واقعاً مرا حیرت زده کرد، به‌طوری‌که به‌صورت قطره چکان آن را می‌خوانم، **به نظر شما این رمان چه ویژگی داشت؟**

من منتقد و مفسر رمان نیستم، با یک اثر هنری با همه دانش، بینش و وسواس برخورد می‌کنم، اینکه می‌گویم از فلان رمان خوشم می‌آید، به سلیقه‌ام مربوط می‌شود، به نظر من در این رمان لحظات، موقعیت‌های آدم‌هایی خلق شده‌اند که هم واقعی‌اند هم حقیقی. خیلی مهم است که نویسنده‌ای موفق به خلق آدم‌های واقعی و حقیقی شود، در این رمان به برهه‌ای از تاریخ کشور اشاره می‌شود، همین‌طور معضوت‌هایی از دست رفته، مناظر از بین رفته، خیابان‌های خیس باران خورده و آدم‌های منقضی تصویر شده‌اند. در عین حال با قصه پردازی زیبا تمام

جریانات و حوادث به هم وصل می‌شوند. بنابراین از هر لحظه کتاب لذت بردم‌ام. با مثلاً وقتی «کلید» محمود دولت‌آبادی را می‌خواندم باجهانی آشنا شدم. دولت‌آبادی دست مرا گرفت و پرولب کیویو گفت «حالا زان و مهران حاشیه کیویو را بنشان و با آنها زندگی کن. آدم‌هایی که ممکن بود هرگز تا آخر عمرم نبینم، من این‌سوی جهان هستم ولی با مارگزه» و فونتنس از طریق کتاب هیلثان نامی شوم، اصلاً آن‌سوی جهان را دیدم و حس کردم، منی که هرگز آمریکا ای لاین و جنوبی را ندیده‌ام، و این نوع نگاه خیلی زیاست، ما در این‌گونه ساکن هستیم ولی دنیا را می‌بینیم و سفر می‌کنیم، مثل یک سیاح که دائماً دنبال چیزهای نو و تازه است.

آیا به نظر شما بخشی از کویماهی یک رمان چهره مجبور زمانه است؟

به جبر زمانه بستگی ندارد، بلکه به قدرت نویسنده مربوط می‌شود. الان کتاب، رقیبی مثل تلویزیون و سینما دارد و به قوی‌اش بیشترم رقیب آن است. شما در گذشته مثلاً بعد از ظهر یک روز بهاری در گوشه‌ای از خیاط‌خانه‌اتان و یا در زیرزمین که خوشخانه‌ای داشت، مطالعه می‌کردید. حالا مجبور هستید داخل ایوبوس و یا پشت چراغ قرمز کتاب بخوانید. اما همه موضوع به اینجا ختم نمی‌شود. این درست که باید زمان خود را درپایم ولی کویماهی یا بلندی یک اثر به نگاه نویسنده بستگی دارد. یعنی اگر نویسنده‌ای در همان ابتدای کار قصد کرده که صد صفحه کتاب بنویسد، همان موقع کلکتش کرده‌شود. این درست است که روزگار ما، روزگار نوشتن رمان‌های کوتاه و داستان‌های کوتاه است ولی من برای شما از مقصد سال پیش مثال می‌آورم که در آن زمان هم نویسندگان کوتاه و گزیده می‌گفتند و می‌نوشته‌ند، «در عنوان جوانی چنان که افتد و دانی» خود این جمله، یک کتاب است» و یا این جوان را تئری بر پهلوشیند بهتر که پیری» این خودش کلی قصه است، می‌خواهم بگویم که ضرورت نگارش کتاب را نویسنده تعیین می‌کند.

چیز بیرونی را چگونه توجیه می‌کنید؟

اصلاً به نظر من اثر هنری عبارت است از یک ستیز یا جبر بیرونی، به محض اینکه اثری با جبر بیرونی خود به ستیز برخاست، آنجا آفرینش هنری آغاز شده است، یعنی هر جا مجبور به ستیز شدید، خلاقیت و باآفرینی وارد می‌شود.

شیشه‌ایم که به تاریخ و کتاب‌های تاریخی اهمیت می‌دهید چرا؟

اصلاً یکی از رشته‌های تحصیلی‌ام تاریخ است. چون تاریخ مادر همه علم‌هاست، شما هر رشته‌ای را مطالعه می‌کنید، باید نسبت به تاریخ آن آگاه باشید. از درون تاریخ خیلی چیزها یاد می‌گیریم، اینکه اصل و منشأ هر چیزی چگونه و چرا به وجود آمده است و تاریخ پاسخ این چرایی و چگونه‌گی را به ما می‌دهد. از طرف دیگر علاوه‌ای که به دکتر علی شریعتی داشتم که معلم تاریخ بود تاریخ را از منظر او آموختم و سعی کردم از نگاه او نگاه کنم.

شاعر مورد علاقه کیم است؟
حکیم ابوالقاسم فردوسی، البته برخی‌ها شاید تعجب کنند چون براساس مد روز نام حافظ و مولوی را می‌برند… ولی اعتقاد دارم فردوسی، قله جبال غیر قابل تسخیر شعر ایران است که تمام شعرای مملکت ریزه‌خیز خود او هستند، من با حافظ نزد عشق و بازم و کلام پر معنای معاصر را نام شکرگویی بر من می‌گذارد، شاعران معاصر را نام نمی‌برم چون نمی‌ترسم که اسم کسی را از قلم بیدارم… من از هر یک از آنها آموختم و هنوز هم خواهم آموختم.

چشم‌انداز هنر

عاطفه صادقی

بیادگاران

چاپ بیست و دوم کتاب آموزش سه تا به اثر جلال ذوالفنون توسط انتشارات هوای تازه در دست انتشار است. بیست و دوم چاپ این کتاب حاکی از استقبال هنرجویان و کاربرد مفید آن است. از آنجا که در کار فرهنگی - هر قدر هم که حرکت روان و دقیق باشد - باز هم نمی‌توان از تجدیدنظر و بازنگری چشم‌پوشی‌ها و روش‌های تازه نیاز بود. لذا در این چاپ نویسی شده است که علاوه بر دوز نویسی و رسداری ظاهر کتاب، نکات حساسی که حاصل تجربه چندین ساله استاید است مورد توجه و بازنگری قرار گیرد.

انتشارت‌های تازه چاپ دوم کتاب شامل پیشگامکاران از زیر دست انتشارات فردا در این کتاب شامل تصنیف‌های خاطره انگیز قدیمی و تازه‌های فولکلوریک ایران است که می‌رواند. کتاب بیست و ستونزوی و نیز هم‌نام با آموزش دیدم تدریس شده اکثر قطعات کتاب در دستگاه شور و مضافت آن است. بنابراین نیازی به تغییر کتب ساز نیست. جهت کمک بیشتر به اجزای فوق تشخیص‌ها و ارائه‌ها، متن اصنام نیز دو کتاب آمده است. گنگنگ کتابکار همین کتاب یادگاران را بعد از کتاب کارهای بازاری محضی زامی گردآوری و تنظیم کرده است که توسط همین نشر در دست چاپ است. این کتاب شامل جهل قطعه هر آنه در دستگاه همایون و اصفاغان برای ستور است که می‌راند برای هنرجویانی که دستگاه همایون و از ایات امفهان را فرا گرفته‌اند مفید باشد.

موسیقی و زندگی موسیقایی

مازندران

«موسیقی و زندگی موسیقایی مازندران، ساله غیرتراه» عنوان کتابی است نوشته ساسان فاطمی که توسط مؤسسه فرهنگی هنری همایون در دست انتشار است. این کتاب نتیجه پژوهش‌های ساسان فاطمی عضو هیأت مدیره کمیته پژوهش‌خانه موسیقی در سال‌های ۷۴-۷۵ و شامل سه بخش به اقسام آوازگاری، قطعات، آوازها و نقشه‌ها و جدول آن است که در مقدمه نیز به طور اجمال به معرفی شرایط جغرافیایی، قومی، زبانی و تاریخی منطقه می‌پردازد. کتاب اساساً به بررسی موسیقی آوازی منطقه معهود شده است. بخش اول به کلیات اختصاصی دارد و به طبقه‌بندی موسیقی‌های سنتی و جزئیات اشعار و آوازها می‌پردازد. بخش دوم به شرح و اجمال و ویژگی‌های فن موسیقی مازندران و ویژگی‌های موسیقایی این منطقه را بررسی می‌کند و به رابطه بین موسیقی، سیمپدیان -توسنده می‌پردازد. در بخش سوم نیز سازه‌های غیرتار در موسیقی و فرهنگ موسیقایی مازندران در دو مرحله قبل و بعد از انقلاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مؤسسه علمی - فرهنگی همایون موسوم کتاب از مجموعه موسیقی ایرانی در تألیف استاد علی جوهری در نیز در دست چاپ وارد. این کتاب شامل مقام معروف به روش محلی و تطبیقی و توضیحات مؤلف است که در معرفی گوشه‌های مقام همایون، اشعاری متناسب با گوشه مورد نظر آمده است و بخش دوم شامل قطعات ساخته شده، مؤلف است.

کتاب اول این مجموعه نیز شامل مقام‌های همایون، ایات امفهان، چهارگاه و کتاب دوم راست بیچگاه، نوا و سه‌گاه است. این دو کتاب در گذشته توسط انتشارات سروش منتشر شده‌اند.

تکتیک‌های دست راست

کتابچه چپ کیتار

انتشارت هنر و فرهنگ کتاب تکتیک‌های دست راست کیتار (کیتار بیست و یکم آریز کیتار از ایوبس اول) را در دست چاپ وارد. این کتاب از آثار مولوچریانی با بعدنظر و علامتگذاری و دوز نویسی جزو و ترجمه حسین قیصر است. این مجموعه شامل ۲۰۰ تمرین برای تقویت دست راست است و به تحلیل تأثیر ریاضی که در تقویت تکتیک بکسری از اجزای کلاسیک داشت، نیز عموم نوازندگان شناخته شده معروف است. حسین دیر معجین کتاب تکتیک‌های دست چپ کیتار (کام‌های دیاتونیک بزرگ و کوچک برای کیتار) اثر آندره سه‌گوریا را نیز ترجمه کرده است که توسط همین ناشر بزودی وارد بازار می‌شود.

<div>یادداشت</div>
<div>حمید یارباش</div>
مرگ در بی‌غمی
 <p>روزهای اول داغ دافیم، می‌خواهم فرهاد وار کوه را بشکافیم و هیچ تائیده‌ای هم جلودارمان نبست.آب پردقزنی هستنم که هیچ سدی را برنمی‌تابیم. می‌خواهم جریان داشته باشم تا زندگی کتیب، اما بی‌غلوئی در کتیب تعاد این نظام‌نامه‌نشته‌است واماان ازان موقع که برسرمان هوارشود.</p> <p>به سراغ یکی از دوستان پرس‌وپلویشت رفته بودم، مثل همیشه بود کمتر می‌عذید.از کار و بارش که پرسیدم فهمیدم بازارش حسابی کساداست باحداقل این واندوم می‌کرد، می‌گفت بوجه نیست، هزینه‌های جاری بالاست و چنین و چنان است و حاصل همه این مشکلات زکود و بیگاری است. غصه‌دار شده بودم که بالاخره یک نهاددیگر هم زیر بار مشکلات لانز خم کردو نام خود را از فهرست فعالان عرصه ادبیات پایداری پاک کرد.باخود فکر کردم اینجا و این مان صیف است که نباشد.گفتم چنین وچنان می‌شودکرد.شایدفرجی شودانتظارش رانداشتم.به صندلی اش تکیه دادویدایلی آرام گفتم از من گذشته که دنبال این کارها بروم. دادند. کار می‌کنم.ندادند.تعطیل.</p> <p>دیگر حرفی باقی نمانده بود.خداحافظی کردم اما دلیم تاب و توب می‌کرد.چندروز بعد دوست عزیز پرس‌وپلوشم رادار اخباریکی ازسکه‌های سیمادیدم که ظاهرآ به‌عنوان عیبر همایشی از کارهای انجام شده درآشتم با خودم ماندم. واقعاً چطور می‌شود همه اینها را در یک جا جمع کرد. ظاهرآ برخی از دوستان متولی ادبیات دفاع مقدس خود را کلیتدار عنوانه می‌نالدند.به نپدرمهربانی که بایدبرای فرزندش ازجان مایه بگذارویدو حداقل در طی سالان به چنین اساسی نگاه‌اند که فقط پدیری لباس انداره آنان نوده است.</p> <p>احتمالاً چنین دوستانی برای اسراف تمام مال و اموال چندین و چند سازمان و مرکز و مؤسسه کفایت نمی‌کنند.</p> <p>خوب‌اندازد دوستان عزیزمان را به درد بی‌غمی مبتلا مگردان.</p>
حیف از این کار خوانندگی
ناگفته‌های جنگ
<div>عاطرات سیه‌د نشد علی سید شیزایی۱ احمد دهقان،نشر شاهد و سور مهر، چاپ ششم، ۱۳۸۱ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه، ۳۵۷ صفحه، ۱۶۵۰ تومان.</div> <div>ظاهراً همکاری نشر شاهد و حوزه هنری تعایت نشربخشی بوده است. همه کتاب‌هایی که توسط این دو مرکز به صورت مشترک چاپ و منتشر شده‌اند، این اقبال را یافته‌اند که روی جاب‌های مکرر در فواصل زمانی کوتاه را ببینند.</div> <div>ناگفته‌های جنگ کتاب ارزشمندی است که در همکاری میان این دو نهاد به چاپ ششم رسیده است. این کتاب مجموعه‌ای است از خاطرات سیه‌د شیزایی که در گفت‌وگو با گروه معارف دهقان به دست آمده است. تدوین خوب احمد دهقان خواندن این اثر ارزشمند را به خواندند متنی لذت‌بخش تبدیل کرده است. گرچه جای تأسف باقی است که دو صفحه آغازین این کتاب به فظننامه‌ای تبدیل شده است که در اصل می‌بایست در متن کتاب اصلاح می‌شد.</div>

پیشنهادبرادر خواندگی تهران-خرمشهر،پیشنهاد تأسیس فرهنگسرای پایداری، کار آقای زم بود. در جلسه‌ای که چند نفری از همکاران حضور داشتند، حرف‌های دیگری زده شدو طرح‌های دیگری ارائه شد که ای کاش مثل همین دو طرح جامه عمل به خود می‌دید.نقاشی گرفتن و راهی خرمشهر شدم. کار تنظیم آن نفاغمنامه در جلساتی که با شهردار و فرماندار خرمشهر داشتم چند روزی طول کشید. روزهای تاب‌دب و گرمی که در طی آن زمان و دقایق کم می‌شد.وضع امروز خرمشهر مثل یک کولاز است. طرخی که واقعیت امروز، مثل یک وصله برش خورده و خام برزنگ سپید و سرخ دیروز خرمشهر نشسته. هیچ کاریش هم نمی‌شودکرد، کسانیکه در روزهای خون و آتش و باروت بودند، لک خاطر ایشان نمی‌تواند امروز دیروز این شهر را از هم تفکیک کند. خرمشهر برای همه ما، همان خرمشهر دیروز است؛ یونی بندر و نفت و ماهی و نخلستان، خاک نفتیده و کارون زرد و لنج‌های زنگار گرفته و تا کمر در گل نشسته، کوجه‌های بازیگ و مناره‌های بلند و تر گل خورده مسجد جامع و آن آسمان صاف همیشه نیلی و یکنواخت. خرمشهر را نمی‌شود از دیروز جدا کرد و سهم من برای امضای آن نفاغمنامه، سهم قانع‌کننده‌ای نبود.امضای سند برادر خواندگی تهران-خرمشهر کار بزرگ و مثنی بود و من می‌خواستم در این کار سهمی داشته باشم. وقتی به تهران بازگشتم تمامی مبلغ تنخواه را بازگرداندم، پرداخت هزینه‌های سفر تا حدی قائم می‌کرد.

روز بعد دوستم زنگ زد و گفت: چراهم تنخواه را بر برگرداندی؟ مگر مهمان کسی بودی؟ گفتم: نه، این طور راحت‌ترم. گفت: یعنی چه راحت‌ترم. بالاخره خرج این چند روز باید از یک جایی تأمین شده باشد. گفتم: هزینه‌های سفر را خودم دادم. می‌خواستم در این کار فرهنگی که یک وجهه ملی دارد و کار خیریه هم تلقی می‌شود سهمی داشته باشم.

گفت: چه حرف‌ها یعنی چه؟ دیدم حرف زدن زیاد، کار را خراب می‌کند. به هر صورتی بود خداحافظی کردم و گوئی را گذاشتم. یک رمعی نگذاشته بود که دوستم دوباره زنگ زد و گفت: می‌دانم یک کانه‌ای زیر نیم کاسه هست. مأموریت تو یک مأموریت دولتی بوده، چه کاری است که تو از جیب خودت هزینه کنی.

دیدم انگار کار عجیب کرده‌ام. دیدم با کار من خیلی عجیب بوده و یا آدم غریبی استم. دیدم هر چه هست نمی‌شود پیش از این توضیح داد. او را با شوخی و سرخوشی از سر باز کردم و گوئی را گذاشتم. احساس بدی داشتم.

اتاق ریاست در ساختمانی که تحویل گرفته بودیم، اتاق دنج و راحت‌ی بود. یک میز جلسه شش نفره، چند میل راحتی و یک میز کار که دست کم قیمت آن صد و پنجاه هزار تومان بود. از وقتی وارد اتاق شدم نتوانستم پشت میز کار بنشینم. همان میز جلسه شش نفره برای نوشتن و ملاقات‌ها کافی بود. وقتی یکی دو ماهی گذشت بهتر دیدم میز کار و میل‌ها را از اتاق خارج کنم تا کسی از آنها استفاده کند که جراثش را دارد. چطور می‌شد پشت آن میز نشست و برای جنگ و سیسج و ابتیار کار فرهنگی کرد. به هر صورت هر کاری لوازم و ابزار خودش را می‌خواهد.

ساذگی پرازنده کاری بود که ما می‌کردیم. هفته بعد به جلسه‌ای دعوت شدم. آنجا همان دوستم نشسته بود. چند نفر دیگری هم بودند. جلسه، کار خود را شروع کرد. آنجا دوستم رو به دیگری کرد و گفت: این آقای میز کار و میل‌ها را از اتاقش بیرون انداخته، کدام مدیری یک چنین حرکتی می‌کند؟ به نظر شما این کار در شأن یک مدیر است؟ بعد گفت: این آقایان مدیریت را در میان همکاران محدودش کرده است.

برای یک لحظه زبانت بند آمد. فهمیدم باید چه بگویم. هیچ نگفتم. سرم را پایین انداختم، فهمیدم چه کنس مراملات می‌کرده؟ فهمیدم چقدر گذشته است. فهمیدم چقدر از آن سال‌ها گذشته است. سال‌هایی که بدون نامگذاری سال علوی و رفتار حسینی، سال‌های سادگی و برادری بود. سال‌هایی که بوی خدا روی خاک گرم پیچیده بود و یاد خدا، کوجه‌های باریکی شده بود که به سنگ‌راهی کوچک و ابری می‌رسید.

یک زمانی مسؤولیت بخش گزارش‌نشریه‌ای اقتصادی به نام «سناج پلاستیک» به عهده من بود. این نشریه همایشی تخصصی در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار کرد. روز بعد، اخبار همایش برای رسانه‌ها ارسال شد. روزنامه‌ها کم و بیش اخبار مربوط به این همایش را به دست چاپ سپردند. دوستی داشتم در یک روزنامه عصر و از دو آتشه‌های جنگ و دفاع مقدس، هفته بعد وقتی به دفتر مجله سرزدم او را دیدم که در اتاق سردبیری نشسته است. بی آنکه خودم را نشان بدهم از همکاری پرسیدم. او اینجا چه می‌کند؟ گفتم: آمده است سکه‌اش را بگیرد. گفتم: سکه برای چه؟ گفتم: برای انعکاس خبرها. گفتم: مگر سکه می‌دهند؟ گفتم: اگر این رابطه‌ها را نداشته باشیم که اخبار ما منعکس نمی‌شود. حیرت من به اندازه پایان جنگ مستم کرد. سال‌ها گذشت. حالا من در یک مرکز فرهنگی برای ترویج فرهنگ دفاع مقدس کار می‌کنم. همایش سراسری پایان‌مانند کار اولین کار ما

یادداشت
<div>محمد اسبن ناهید</div>

پاییز ترنج

بود. همایشی در شانزده منقظه شهر تهران که باید برای آن تبلیغاتی صورت می‌گرفت. از همان ابتدا دوستم به من فهماند که در جلسه مطبوعاتی، حرف! است که چیزی به عنوان هدیه به خبرنگارها داده شود. خبرنگارهایی که نمایندہ رسمی رسانه‌های ما بودند. گفتم فقط از آن بابت که مرکز ما تازه تأسیس است و این جلسه مطبوعاتی اولین ارتباط ما تلقی می‌شود به آنها قلم یا روتاس هدیه کنید. ما مهیا گذاشت. هفته دفاع مقدس رسید و ما کار دیگری در پیش داشتیم. بازار هم یک جلسه مطبوعاتی برای انعکاس اخبار. این بار دوستم گفت: خبرنگارها از جلسه قبل دلگیر بودند و من برای این جلسه پیشنهاد سکه می‌دهم. گفتم: خیلی اشتباه می‌کنی. کاری که ما می‌کنیم یک کار اقتصادی نیست. نفس کار ما، برخورد ما و حدود ما مشخص می‌کند. ما در نفسیای کاری می‌کنیم که این جور حرف‌ها در آن جایی ندارد. گفتم: من اینها را می‌شناسم. کار من این است. گفتم: من هم روزنامه نگار بودم و اینها را می‌شناسم. کار ما کار فرهنگی است. آن هم از نوع اعتقادی‌اش.

جلسه، یک ساعت و نیم طول کشید. تقریباً همه رسانه‌ها حضور داشتند. خبری هم مرکز ما حتی ناهار را در کنار این گروه خبری خوردند. دوستان شخصی من هم بودند. دوستانی که زمانی همکار مطبوعاتی به حساب می‌آمدند. جلسه به پایان رسید. آنها ناهار را خوردند و رفتند. فردای آن روز رسید و فردای آن روز و فردای آن روز و خبری در هیچ رسانه‌ای منعکس نشد. دوستم راست می‌گفت. من اشتباه می‌کردم. رسانه‌های ما یک چیزشان شده است. اتفاق بدای افتاده است.

اتفاق بدتری خواهد افتاد. حتماً آسرتزش می‌کردند. شهیدباکری راست می‌گفت: چه دستنامه عصبی، ماسه گرده شده ایم. او راحت شد. راست می‌گفت که ماندن سخت است. ماندن و همان‌طور ماندن، سخت است. راحت شدو ندید که ماندن مثل مو داشتن در سوزمین کچل‌هاست. راحت شد. مو ندید که کار کردن برای دفاع مقدس بعضی جاها بوی بقیه دارد. راحت شد و ندید که حتی اگر پشتش به حضور یک آدم لاین گرم است. از جلو گونه‌هایت از فرط غم آدم‌ها سرخ و کمیود است. راحت شد و ندید، زبان آدم‌ها در این ده سال، به اندازه ده قرن با هم فرق کرده است.

راحت شد. ندید دفاع مقدس حالا برای بعضی‌ها یعنی دادن طرح و گرفتن پروژه و برگزاری جشنواره و کسب نام و نان. راحت شد و ندید. خدایش ما را رحمت کند.

خبر

خود را به این کتاب اختصاصی داده است.

محمدرضا یابرامی نویسنده توانای کشورمان مدیریت این جلسه را به عهده خواهد داشت. لازم به ذکر است که انتشارات قدیانی ناشر این کتاب است.

یادزده داستان

یواد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس که کتاچه کوچک از داستان‌های دفاع مقدس را با زبان انگلیسی منتشر کرده است. داستان‌های انتخاب‌شده این مجموعه عبارتند از: «همه زندگی و «منه» از احمد غلامی، «اتاقی پرغبار» و «نغمه‌ها» از رضا جولایی، «دروایی آرامش» از شهیار منطقی پور، «فامده‌که» از علی مؤذنی، «برگ‌بانگ» از داود غفاریزادگان، «من فقط نگهبانم» از محمدرضا کاتبی، «عطر» از مجید قیصری، «مزار دریایی» از احمد دهقان، «فرطینه» از سید پاسر شش‌تروی، «نگهبان مردگان» از اسعد عبدالغنی، «یسرک و سرباز» از مصطفی حبیبی، «از کوچک» از فرخنده آقابلی و «داستانی برای جنگ» از محسن مخملباف. مترجم این مجموعه سفدر زقی‌اندا است.

گفت وگو با اسماعیل دمیرچی

گذشته

هر صنف

چراغ راه آینده است



دمیرچی در حوزه صنعت نشر کشور، فعالیتش را از ۱۳۲۰ با حروفچینی در چاپخانه «جولانی‌ها» شروع کرده تا انقلاب اسلامی و در مشاغل مختلف چاپ و نشر منشأ خدمات ارزنده‌ای بود و بعد از انقلاب نیز به عنوان منحصص دستگاههای چاپ به بسیاری از تهرهای این بخش مشاوه می‌داد. وی اخیراً با استفتاه از سال‌ها تجربه‌اندوژی کتابی تحت عنوان «آشنایی با صنعت چاپ از حروفچینی تا صنعتی» تألیف کرده که از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

داستان تألیف کتاب «آشنایی با صنعت چاپ» به چگونه شکل گرفت؟

اینکه مطلب این کتاب چگونه شکل گرفت، در مقدمه به طور مختصر توضیح داده. مقدار زیادی از اطلاعات و آموزش‌ها را در همین مسافرت‌هایی که به خارج از کشور دادم، فراهم آوردم. خیلی از مطالب این کتاب را از کتاب‌ها و جزوه‌هایی که در خارج از کشور منتشر می‌شد، تهیه کردم. برای پیدا کردن عکس‌هایی که در کتاب می‌بینید، شرکت گسترگ، مهر حلی که دفتر می‌گذاهد می‌تواند عکس‌های مورد نظر را به دست بیاورد. مراجعه کردم تقریباً برای همهٔ اوریج مطالب این کتاب کسی را ندانستم که به من خدمات ویژه‌ای بدهد. یا چه به توان خود خیلی باطنیهٔ ما بود و بعد کمک سعی می‌کردم آنچه برای تألیف و تدوین این کتاب نیاز دارم، کار کنم.

در اولین قدم چه انگیزه‌ای سبب تألیف این کتاب شد؟

داستان از این فرار بود که استاد زبان انگلیسی بسم در دانشگاه طرخی را به مهداشان گذاشت که بیابان نامه تحصیلی‌اش را رایج به صنعت نشر بنویسد. حوزه کوچکی در صنعت نشر داشتیم از کشور استرالیا که در چاپش رایج به فرزندم و کارگر کرم‌پس از ترجمهٔ دیدم اطلاعات این حوزه خیلی گویا و بازمانست. مصددم درآمد اطلاعات این حوزه را تکمیل کنم. در واقع اطلاعات ۸۰۰ صفحه‌ای آن حوزه انگیزه‌ای برای نوشتن این کتاب شد. اطلاعات و استاد و عکس‌هایی که طی سال‌ها کار در حوزه نشر جمع آوری کرده بودم که حیثاً در نشر مقاله و آموزش به تهره‌های جوان به کار می‌آمد، همه را در این کتاب آوردم.

بر مایه‌ی برای تکلیف این کتاب غیر از آن حوزه، دیگر از کدام یک‌ک از مسئولان این فن بهره‌گرفته‌اید؟

آقای شجری از شرکت صنعت قبل از چاپ کتاب را دیدند. به آقای جلایی در مسکن چاپ نشان دادم. قسمت طراحی کتاب به با گروه‌طرحمان آقای عطیعی‌نشان دادم. ویرایش کتاب را به دوستی که مدیریت چاپخانهٔ استاد قندرزوی را به عهده دارند، سپردم.

کتابی که شما تألیف کرده‌اید، فکر می‌کنید برای چه اقشاری قابل استفاده است؟

من با چاپ این کتاب یک هدف ریشه‌ای داشتم، به ویژه برای علاقه‌مندان رشته چاپ که اطلاعات آن مثل هزار بار آنها آلود است. علوم زینت‌های برای هر استانی امروز در زندگی نقش تعیین‌کننده دارد. شما اگر یک روز از خانه بیرون بیایید و ببینید، روزنامه و کتاب و بلیت اتوبوس و… چاپ و منتشر شده، یک زکوهٔ عظیمی اتفاق می‌افتد. یک خبر و هر چیزی نیست می‌شود که بهتر از یازده سیلیسار خواهد بود. چاپ از زندگی امروز ما قابل حذف شدن نیست. می‌خواستم این کتاب را برای علاقه‌مندان با ساده‌ترین زبان و ساده‌ترین شکل آموزش در دسترس باشد. این کتاب در پنج فصل همهٔ اطلاعات لازم چاپ و نشر را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. همهٔ گروه‌های می‌توانند از آن استفاده کنند، چون رایج به حرفه‌چینی، کثیرگرافی، صنعتی، رنگ، پیش از چاپ، بعد از چاپ، بخش توزیع و… همه چیز را می‌گویند.

گفت وگو

سایر مصدعی

گفت وگو با دکتر ابوالقاسم تفضلی

همگام با سماع درویشان

دولت ترکیه و مردم قزلبه می‌شود.

آقای دکتر شما برای نوشتن کتاب «سماع درویشان» از چه منابعی استفاده کرده‌ید و چه مقدار خودتان به تحقیق پرداخته‌اید؟

مهمترین و ارزنده‌ترین منبع حقیر در نوشتن کتاب سماع درویشان یکی کتاب «آداب و ارکان سماع» به قلم «گلبنارلی» محقق و مرید بزرگ و درگذشته ترک بود که به وسیلهٔ استاد دکتر توفیق سبحانی به فارسی بسیار سلیس و روان ترجمه شده است و دیگری «چلیب» نوانه بیست و یکم مولانا و «جلال‌الدین چلیب» نوانه بیست و یکم مولانا و پیر طریقت مولویه بود که ارادت خاص و دوستی نزدیک با او داشتم و اضافه بر آن سابقهٔ ۳ سال تحصیلی به زبان ترکی استانبولی در دانشگاه استانبول به من کمک کرد تا در طول شش یا هفت جلسه حضور در مراسم سماع درویشان قزلبه با یکایک پوست نشینان و سماع کنندگان و

آقای تفضلی، پیش از این کتاب «سماع درویشان در صورت مولانا» را نوشته بودید که به چاپ سوم رسید. انگیزه نوشتن این کتاب چه بود؟

در خازواده و حقیقت درویشانه و عارفانه به دنیا آمدم و پرورش یافتم و شاید به همین جهت در سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ که برای ادامه تحصیل به ترکیه دعوت شدم متر صدبوم که از اسواتات مولانا که در شهر قزلبه، مدفون است باخبر شوم زیرا در تمام محاسن فقره را درویشی که در دوران کودکی و نوجوانی من در منزل ما تشکیل می‌شد، منتهوی می‌خواندند و تفسیر می‌کردند.

برای اولین بار به شرحی که در کتاب آمده است، در سال ۱۳۳۳ به زیارت تربت مولانا نائل شدم. بعد از آن در سال ۱۳۴۳ و سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ به قزلبه رفتم و در مجالس سماع درویشان حضور یافتم. در سال ۱۳۶۵ به معد هم که به فکر نوشتن کتاب اقدام تقریباً هر سال چند روزی به قزلبه قزلبه می‌رفتم و با مشایخ طریقت مولویه و سماع کنندگان دیدار و گفت‌وگو می‌کردم. به همین جهت کتاب را نوشتم تا آنچه دیده و خوانده‌ام که در قطع اطلاعات مخصوص نسل جوان امروز برسانم. خوشبختانه کتاب مورد استقبال غیر منتظره‌ای واقع شد و کثیر هفت‌ای است که از شهرهای مختلف ایران با جهن با حقیر تماس تلفنی بگیرند و دربارهٔ موضوعات کتاب سؤال کنندند.

ترجمه‌ای در کتاب هم تهیه شده که برای دوستان به خارج فرستاده‌ام و منبای آداب و مراسم سماع در غالب شهرهای اروپایی و آمریکایی است. اخیراً هم کتاب جامعی در ۶۷۰ صفحه در آمریکا منتشر شده به نام «Rumi» که یک نسخه آن را برایم فرستاده‌اند و در چندین مورد به حقیر اشاره شد و از کتابم نقل شده است.

زمانی در ترکیه انجام مراسم سماع ممنوع شد و کسب سماع خانه‌ها و خانقاهها تعطیل شدند. از سال ۱۳۵۳ که به مناسبت هفتصدمین سال عروج مولانا، به دعوت دولت ترکیه، مولوی‌نشینان و مولوی دوستان برای شرکت در کنگره بزرگداشت مولانا شرکت کردند. مراسم قدیمی سماع درویشان هم با همان لباس‌ها و آهنگ‌ها و آلات موسیقی سنتی و قدیمی برای شرکت کنندگان در کنگره به نمایش گذاشته شد و به قدری جلب توجه کرد که از آن تاریخ تاکنون هر سال از ۱۹ آذر تا ۲۶ آذر به مدت یک و هفت مراسم سماع در شهر قزلبه که آرامگاه و تربت ابدی مولانا است، انجام می‌شود، اما به صورت نمایشی. در این مراسم هر سال دهها هزار نفر برای تماشا و حضور چرخ درویشان به قزلبه می‌آیند و میلیون‌ها دلار از این طریق عاید

گفت وگو با دکتر ابوالقاسم تفضلی

همگام با سماع درویشان

دولت ترکیه و مردم قزلبه می‌شود.

آقای دکتر شما برای نوشتن کتاب «سماع درویشان» از چه منابعی استفاده کرده‌ید و چه مقدار خودتان به تحقیق پرداخته‌اید؟

مهمترین و ارزنده‌ترین منبع حقیر در نوشتن کتاب سماع درویشان یکی کتاب «آداب و ارکان سماع» به قلم «گلبنارلی» محقق و مرید بزرگ و درگذشته ترک بود که به وسیلهٔ استاد دکتر توفیق سبحانی به فارسی بسیار سلیس و روان ترجمه شده است و دیگری «چلیب» نوانه بیست و یکم مولانا و «جلال‌الدین چلیب» نوانه بیست و یکم مولانا و پیر طریقت مولویه بود که ارادت خاص و دوستی نزدیک با او داشتم و اضافه بر آن سابقهٔ ۳ سال تحصیلی به زبان ترکی استانبولی در دانشگاه استانبول به من کمک کرد تا در طول شش یا هفت جلسه حضور در مراسم سماع درویشان قزلبه با یکایک پوست نشینان و سماع کنندگان و

آقای تفضلی، پیش از این کتاب «سماع درویشان در صورت مولانا» را نوشته بودید که به چاپ سوم رسید. انگیزه نوشتن این کتاب چه بود؟

در خازواده و حقیقت درویشانه و عارفانه به دنیا آمدم و پرورش یافتم و شاید به همین جهت در سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ که برای ادامه تحصیل به ترکیه دعوت شدم متر صدبوم که از اسواتات مولانا که در شهر قزلبه، مدفون است باخبر شوم زیرا در تمام محاسن فقره را درویشی که در دوران کودکی و نوجوانی من در منزل ما تشکیل می‌شد، منتهوی می‌خواندند و تفسیر می‌کردند.

برای اولین بار به شرحی که در کتاب آمده است، در سال ۱۳۳۳ به زیارت تربت مولانا نائل شدم. بعد از آن در سال ۱۳۴۳ و سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ به قزلبه رفتم و در مجالس سماع درویشان حضور یافتم. در سال ۱۳۶۵ به معد هم که به فکر نوشتن کتاب اقدام تقریباً هر سال چند روزی به قزلبه قزلبه می‌رفتم و با مشایخ طریقت مولویه و سماع کنندگان دیدار و گفت‌وگو می‌کردم. به همین جهت کتاب را نوشتم تا آنچه دیده و خوانده‌ام که در قطع اطلاعات مخصوص نسل جوان امروز برسانم. خوشبختانه کتاب مورد استقبال غیر منتظره‌ای واقع شد و کثیر هفت‌ای است که از شهرهای مختلف ایران با جهن با حقیر تماس تلفنی بگیرند و دربارهٔ موضوعات کتاب سؤال کنندند.



نوازندگان از نزدیک آشنا شده و گفت‌وگو کنیم. کتاب «سرگذشت پیش نوشته» تازه‌ترین کتاب شماست که ناگفته‌هایی از تاریخ معاصر را روایت می‌کنید و در این کتاب در بخش‌ها و زندگی خود می‌پردازید. زندگی شما چقدر با تاریخ معاصر ایران پیوند خورده است و شاهد چه رویدادهایی بوده‌اید که به کار علاقه‌مندان و محققان می‌آید؟

عمرم از ۸۰ سال تجاوز کرده و در طول این عمر که به درازا کشیده است، سرنوشت پیش‌نوشته یا تقدیر و خواست خدا چنین اقتضا کرده است که تحصیلات ابتدایی دبیرستانی را در دوران رضاشاه و تحصیلات حقوقی در تهران را در اوایل سلطنت محمدرضاشاه انجام دهم و سه سال دوران جنگ دوم جهانی را که دنیای را به آتش و خون کشید و میلیون‌ها کشته داد، در کشوری طرف ترکیه به تحصیل مشغول شوم. در سال ۱۳۲۵ که به ایران برگشتم، مملکت همچنان آشفته و شمال ایران در اشغال روس‌ها بود و خواین و فوادل‌ها در گرفته و کنار کشور باخوادکنگمی سرگرم استعمار مردم و مخالفت با مرکز بودند. در این دوران چون با روزنامه‌ها (ایران ماه به سردبیری ویرادتمن همکاری داشتم و به اعتبار وکالت دادگستری که در پرورنده‌های جنایی و سیاسی و جنجالی روز شرکت می‌کردم طبعاً شاهد و ناظر وقایعی بودم که در سرنوشت ایران و تاحدی جهان اثر گذاشت. مثل عمل شدن صنایع نفتی در زمان مصدق و فرار شاه به ایتالیا و مراجعتش به ایران با حمایت و دخالت آمریکا و بسیاری وقایع تاریخی دیگر که در مطوعات به آنها اشاره شده و من در کتاب آورده‌ام. از جمله دعوت دولت ترکیه از ۱۱۰ دانشجوی ایرانی در سال ۱۳۲۲ و اولین دیپلاژ قلم خارجی به فارسی که به وسیله من و دوستانم در

هوز تعداد دقیق پرورنده‌ها و حوادث را نمی‌دانم زیرا مشغول نوشتن آنها هستم اما به سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ و در پایه سه پرورنده آن مربوط به سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ است.

آیا این کتاب در قالب روایت نوشته می‌شود یا به شکل مستند و گزارشی تدوین شده است؟
بدون شک کلمه و روایلی که در کتاب خواهد عنوان وکیل مدافع یا مشاور حقوقی در آنها دخالت مستقیم و مؤثر داشته‌ام اما صرف گزارش وقایع از نظر اخلاق حرفه‌ای وکالت ناپسند است و از طرف دیگر برای خواننده هم خسته‌کننده می‌باشد. بنابراین سعی کرده‌ام که هر یک از پرورنده‌ها را با رنگ و جلایی داستان‌گونه نقل کنم که امیدوارم مورد پسند خوانندگان واقع شود.

آغاز وکالت دادگستری و دفاع در دادگاه‌های

مک‌تظیر سر و کار داشته‌ام که هر یک از آنها رمان یا داستان یا فیلمنامه‌ای جالب به‌نظر می‌رسد. چون پیش از سی سال از این محاکمات و پرورنده‌ها می‌گذرد و اکثر قریب باقاعی موکلین و قهرمانان داستان‌ها به عدم پیوسته‌اند سعی کردم گزارده‌ای از این پرورنده‌ها را انتخاب کرده و برای عبرت نسل جدید و نسل‌های آینده بنویسم. البته اگر از بین موکلین کسی زنده مانده یا احتمال زنده ماندن یازماندگانشان را داده‌ام فقط به ذکر حروف اول اسم کوچک آنان یا تغییر نامشان اکتفا کرده‌ام. عنوانی را که فعلاً برای کتاب انتخاب کرده‌ام «جنابیتی که تهران را تکان داد» هست که موضوع جنجالی‌ترین محاکمه جنجالی ایران و اولین خاطرات مندرج در کتاب می‌باشد.

این حوادث در چه سال‌های اتفاق افتاده‌اند؟

هوز تعداد دقیق پرورنده‌ها و حوادث را نمی‌دانم زیرا مشغول نوشتن آنها هستم اما

به سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ و در پایه سه پرورنده آن مربوط به سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ است.

آیا این کتاب در قالب روایت نوشته می‌شود یا به شکل مستند و گزارشی تدوین شده است؟
بدون شک کلمه و روایلی که در کتاب خواهد عنوان وکیل مدافع یا مشاور حقوقی در آنها دخالت مستقیم و مؤثر داشته‌ام اما صرف گزارش وقایع از نظر اخلاق حرفه‌ای وکالت ناپسند است و از طرف دیگر برای خواننده هم خسته‌کننده می‌باشد. بنابراین سعی کرده‌ام که هر یک از پرورنده‌ها را با رنگ و جلایی داستان‌گونه نقل کنم که امیدوارم مورد پسند خوانندگان واقع شود.

موضوع آن ترجمه‌ای است از یک کتاب انگلیسی

با عنوان «درویشان چراغان» و به وسیله «خاتم کارانی» به فارسی ترجمه شده و تا آنجا که توانستم در ویراستاری آن شرکت داشتم. مقدمه کتاب به وسیله مخلص نوشته شده و

برای ترجمه کتاب با نویسنده آمریکایی آن که

در پایان کتاب مطالب بسیار تازه و ناوشته‌ای را

درباره یازماندگان امروزی مولانا و سماع در

کشورهای غربی و آمریکایی و همچنین ماههای

آخر حیات زنده‌یاد «استاد زرین کوب» افزوده‌ام

و امیدوارم که طرف دو ماه آینده منتشر شود.

خودتان هم گویا در حال تألیف کتابی هستید. این کتاب پیرامون چه مسائلی است؟

تقدیر چنین بود که در طول ۵۵ ساله‌ی که از

آغاز وکالت دادگستری و دفاع در دادگاه‌های

مک‌تظیر سر و کار داشته‌ام که هر یک از آنها رمان

یا داستان یا فیلمنامه‌ای جالب به‌نظر می‌رسد.

چون پیش از سی سال از این محاکمات و پرورنده‌ها

می‌گذرد و اکثر قریب باقاعی موکلین و قهرمانان

داستان‌ها به عدم پیوسته‌اند سعی کردم گزارده‌ای

از این پرورنده‌ها را انتخاب کرده و برای عبرت نسل

جدید و نسل‌های آینده بنویسم. البته اگر از بین

موکلین کسی زنده مانده یا احتمال زنده ماندن یازماندگانشان

را داده‌ام فقط به ذکر حروف اول اسم کوچک

آنان یا تغییر نامشان اکتفا کرده‌ام. عنوانی را که

فعلاً برای کتاب انتخاب کرده‌ام «جنابیتی که

تهران را تکان داد» هست که موضوع جنجالی‌ترین

محاکمه جنجالی ایران و اولین خاطرات مندرج در

کتاب می‌باشد.

این حوادث در چه سال‌های اتفاق افتاده‌اند؟

هوز تعداد دقیق پرورنده‌ها و حوادث را نمی‌دانم

زیرا مشغول نوشتن آنها هستم اما به سال‌های

۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ و در پایه سه پرورنده آن مربوط

به سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ است.

آیا این کتاب در قالب روایت نوشته می‌شود یا به

شکل مستند و گزارشی تدوین شده است؟

بدون شک کلمه و روایلی که در کتاب خواهد

عنوان وکیل مدافع یا مشاور حقوقی در آنها

دخالت مستقیم و مؤثر داشته‌ام اما صرف

گزارش وقایع از نظر اخلاق حرفه‌ای وکالت

ناپسند است و از طرف دیگر برای خواننده هم

خسته‌کننده می‌باشد. بنابراین سعی کرده‌ام که

هر یک از پرورنده‌ها را با رنگ و جلایی داستان‌گونه

نقل کنم که امیدوارم مورد پسند خوانندگان

واقع شود.



رهنمودهایی برای مطالعه

به راستی که این [قرآن] کتابی بی‌همتا و ارزشمند است. باطل را از هیچ سو به آن راهی نیست (نه از باطل نتیجه می‌شود و نه نتیجه باطل از آن گرفته می‌شود). فرد آمده‌ای از سوی [موجودی] حکیم و ستودنی است.

سه چیز فراموشی را از بین می‌برد و حافظه را افزایش می‌دهد: خواندن قرآن، مسواک زدن و روزه.

رسول اکرم (ص) گفته می‌رساند: حدیث ۱۴۳۶، به نقل از بحوال لاکتور

یادداشت

دکتر علیرضا فیض

نکته‌های توضیحی و تکمیلی در گفت و گوی «فقه، عرف، زمان و مکان» - ۲

زمان، مکان و عرف عقلا



توضیحات مربوط به گفت و گوی من در مجله وزین کتاب هفته (شماره ۹۹، ص ۲۰) از نظر خوانندگان دانشپروانه گذشت و در ص ۲۱ آن نشریه گزارشی چهار مطلب را به طور مبهم گفته ام: ۱- تائید و منقیرهای فقه یا دین؛ ۲- دلیل عقلی، ۳- عرف عقلا؛ ۴- حیثیت ظن منطلق به جای ظن خاص.

این چهار از مباحث مهم اصول فقه‌اند که متأسفانه به طور اجمال و اختصار در کتابهای اصولی به بحث گرفته شده‌اند. حتی یکی از اینها - که تائید و منقیرهاست - در هیچ کتاب اصولی وجود ندارد.

در شماره ۱۰۲ توضیحات تکمیلی دربارهٔ مسأله خود آوردم و در آنجا گفتم که توجه به زمان و مکان و عرف عقلا می‌تواند فقه را شکوفا، پیشرفته و اجتماعی کند و پاسخ همه مسائل و قانون همه جوامع را از آن استخراج نماید.

در این شماره توضیحی نسبتاً کافی دربارهٔ «زمان و مکان» و «عرف عقلا» عرضه می‌شود و در مجال دیگری از «منقیرها و تائیدها در فقه» سخن گفته خواهد شد.

زمان و مکان چیست؟

مراد از عنصر زمان و مکان، بحث از ماهیت فلسفی آنها نیست که آن به اجتهاد و فقه ربطی ندارد. فرض فقیه از طرح این مسئله چیز دیگری است.

زمان و مکان دو ظرفی هستند که جامعه را در بر گرفته‌اند و مراد این است که راه و رسم و عرف و سنت هر جامعه در هر دوره و هر جا باید مورد عنایت خاص فقیه باشد تا در پرتو این بستگی با جامعه، فتاوی کارشناسان حقوقی راهگشا گردد و حلال مشکلات باشد.

نظر عرف و بنای عقلا بیشتر از هر چیز به زمان و مکان دوخته شده که اثر چشمگیری بر فقه و حقوق اسلام دارد. چنان که زمان و مکان نیز پیشتر

از هر چیز، ناظر به عرف است و در مقابل دیگر کاربرد کمتری دارد.

از عرفها و راه و رسمها و سنتهای عقلایی که در میان جامعه شکل گرفته یا خواهد گرفت و سپس در احقاق وجود اکثر مردم و توده‌ها رسوخ کرده یا خواهد کرد، در لسان فقها و تالیفات آنان، تعبیرات گوناگونی شده و همه آنها ناظر به یک چیز هستند که آن عرف عقلاست. به جای کلمه عرف، این تعبیرات نیز در لسان فقها و کتب آنان آمده است.

عادت، عادت عقلا، سنت عقلا، سیره عقلا، طریقه عقلا، ارتکازات، ارتکازی، ارتکاز عقلا، مرکز عقلا و اخیراً تأثیر زمان و مکان در فقه و اجتهاد.

غریب‌بانه تحقیقاً همه این الفاظ در یک معنی به کار گرفته می‌شوند و جز عرف، معنی دیگری برای آنها نیست؛ عرف و بنای عقلا.

عرف عقلا

در تعریف «عرف» گفته شده: هر پدیده‌ای است که در میان مردم رایج می‌شود، یا هر شیوه عملی یا قولی است که در میان اکثریت توده‌ها شکل می‌گیرد و رواج می‌یابد و مردم به آن تیار دارند و از آن پیروی می‌کنند.

کتاب کتاب

اثری در روانشناسی دین



انسان در جست وجوی معنای غایی، نوشته ویکتور فرانکل، ترجمه احمد صیوری و عباس صمیم، چاپ اول، فقه رفه، ۲۰۰۷ صفحه، ۲۰۰۰ نشانه، انتشارات تهران صدا و قاصده تهران، ۱۳۸۱، ۱۵۰۰ تومان.

نام ویکتور فرانکل با کتاب انسان در جست وجوی معنی برای فارسی‌زبانان آشناست؛ اثری که به روان‌درمانی می‌پردازد. مؤلف، بنیانگذار مکتب شناخت درمانی در روانکاوی است.

اثر حاضر نیز کند و کاوی در روانشناسی دین است و به فهم بهتر روانشناسی تلاش استنباطی کمک می‌کند که با مسائل غایی زندگی، مرگ و رنج انسان روبرو می‌شوند و در هر نقطه عطفی از زندگی معنایی ژرف می‌یابند.



تازه‌های

ندیای دین

www.Amazon.com

آزاده ونیسی

Answers to Questions of the Spirit

پاسخ به پرسشهای معنوی

نوشته دکتر ریون پ بولکا Reuven p. Dr Bulka، ۱۴۴ صفحه، ناشر: Mosale Press، دسامبر ۲۰۰۲، بهای ۱۵ دلار.

خانام دکتر بولکا پس از سالها تحقیق و تفکر سرانجام توانسته است که شهرت بسیاری در پاسخگویی به مسائلی نظیر خودشناسی، تهذیب نفس، رجم و شفقت و... به دست آورد. تحمل و شکنجایی او در راه دستیابی به تبحر در این زمینه دستمسی او به پاسخیابی نو و آگاهی عمیق او از موضوعها و پرسشهای روحی و معنوی گردیده است.

این کتاب حاوی موضوعهایی است که عمدتاً به شرح و تفسیر معنویات مربوط می‌شود. در این میان مفهولای نظیر: «خداوند و کتاب مقدس»، «تعریف مذعب»، «تعلیمات دینی و مذهبی»، «مسائل الهیات» و «بالاخره زندگی و مرگ» نیز گنجانده شده است.

Cries from the Cross: A Journey to the Heart of Jesus

فریادهایی بر فراز صلیب: سفری به قلب مسیح

نوشته اریون و لایتر Erwin W. Lutzer، ۱۷۶ صفحه، ناشر: Moody Press، بهای ۱۷۹۸ دلار.

برخلاف مسلمانان که اعتقاد دارند حضرت عیسی(ع) به صلیب کشیده نشده است، این باور در میان مسیحیان ریشه‌ای عمیق دارد و با تالوهای و تفسیرهایی همراه است. با این حال، امروزه در جهان مسیحیت، مفهوم صلیب به صورت گسترده‌ای دچار سو تعبیر شده است.

«اروین لایتر» کشیش و پیتولی روحانی کلیسا در این کتاب سعی دارد تا با روشی ملایم و آهسته خوانندگان را به سوی درک واقعیت وجودی مسیح سوق دهد و بیان کند که خواست حقیقی این پیامبر از آگاهی دینی مردم در ارتباط با مسیحیت چیست. او همچنین تأکید دارد که مسیح هیچ‌گاه که فراز صلیب ساکت و آرام نبوده است. باید به فریاد او گوش فراداد و به تعبیر خویش پرداخت.

دو نکته توضیحی

۱) در تصحیح بخش منطقی کتاب «المجمل» بهمنیار، که اثری در منطق و فلسفه است و از سوی دانشگاه تهران و به همراه دیدگاههای استاد مطهری به چاپ رسیده، بنده و استاد جواد صلح همکاری داشته‌ام.

۲) در ترجمه کتاب لعمه از همکاری آقای دکتر علی مهذب بهره بردم و این اثر در واقع حاصل کار مشترک بنده و ایشان است.



تازه‌های

ندیای دین

www.Amazon.com

آزاده ونیسی

Answers to Questions of the Spirit

پاسخ به پرسشهای معنوی

نوشته دکتر ریون پ بولکا Reuven p. Dr Bulka، ۱۴۴ صفحه، ناشر: Mosale Press، دسامبر ۲۰۰۲، بهای ۱۵ دلار.

خانام دکتر بولکا پس از سالها تحقیق و تفکر سرانجام توانسته است که شهرت بسیاری در پاسخگویی به مسائلی نظیر خودشناسی، تهذیب نفس، رجم و شفقت و... به دست آورد. تحمل و شکنجایی او در راه دستیابی به تبحر در این زمینه دستمسی او به پاسخیابی نو و آگاهی عمیق او از موضوعها و پرسشهای روحی و معنوی گردیده است.

این کتاب حاوی موضوعهایی است که عمدتاً به شرح و تفسیر معنویات مربوط می‌شود. در این میان مفهولای نظیر: «خداوند و کتاب مقدس»، «تعریف مذعب»، «تعلیمات دینی و مذهبی»، «مسائل الهیات» و «بالاخره زندگی و مرگ» نیز گنجانده شده است.

Cries from the Cross: A Journey to the Heart of Jesus

فریادهایی بر فراز صلیب: سفری به قلب مسیح

نوشته اریون و لایتر Erwin W. Lutzer، ۱۷۶ صفحه، ناشر: Moody Press، بهای ۱۷۹۸ دلار.

برخلاف مسلمانان که اعتقاد دارند حضرت عیسی(ع) به صلیب کشیده نشده است، این باور در میان مسیحیان ریشه‌ای عمیق دارد و با تالوهای و تفسیرهایی همراه است. با این حال، امروزه در جهان مسیحیت، مفهوم صلیب به صورت گسترده‌ای دچار سو تعبیر شده است.

«اروین لایتر» کشیش و پیتولی روحانی کلیسا در این کتاب سعی دارد تا با روشی ملایم و آهسته خوانندگان را به سوی درک واقعیت وجودی مسیح سوق دهد و بیان کند که خواست حقیقی این پیامبر از آگاهی دینی مردم در ارتباط با مسیحیت چیست. او همچنین تأکید دارد که مسیح هیچ‌گاه که فراز صلیب ساکت و آرام نبوده است. باید به فریاد او گوش فراداد و به تعبیر خویش پرداخت.

دو نکته توضیحی

۱) در تصحیح بخش منطقی کتاب «المجمل» بهمنیار، که اثری در منطق و فلسفه است و از سوی دانشگاه تهران و به همراه دیدگاههای استاد مطهری به چاپ رسیده، بنده و استاد جواد صلح همکاری داشته‌ام.

۲) در ترجمه کتاب لعمه از همکاری آقای دکتر علی مهذب بهره بردم و این اثر در واقع حاصل کار مشترک بنده و ایشان است.

و آن اینکه، امکان آن نیست که بدی یا نیک در جهان هستی کم شود. هیچ بدی نیست که وقتی فرد را انجام ندهد، بتواند از واکنش مناسب آن بگریزد و برعکس هیچ نیکی نیست که اگر فرد آن را نکند، واکنش مستند آن را دریافت نکند. چراکه جهان هستی ادراک نیک و بد نمی‌کند و انگاه مناسب با آن ادراک واکنش نشان می‌دهد. اینکه، این واکنش در یک لحاظ نگاه داده می‌شود، در زندگی این جهانی یا در زندگی پس از مرگ، یا هم در اینجا نشان داده می‌شود و هم در پس از مرگ، مطالب زیرتری است.
آیه معروف قرآن هم به این مسأله اشاره دارد:
فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یراه، فمن یعمل مثقال ذرة شرا یراه
گرچه آنچه در نهایت سرنوشت هر فرد به دست خودش است، هر فرد بر سرنوشت و سرشت زندگی‌اش امع آن نیک و بد حاکم است.
گرچه نشتم، همه ادیان گفته‌اند که یا دیگران به گونه‌ای رفتار کن که خوش داری یا تو رفتار کنش، گرچه مقصد، به کل جهان هستی راضی باشیم. این مسأله به این معنا نیست که تصور را در نظام هستی انکار کنیم و نسبت به هر درد و ناخوشی بی‌تفاوت باشیم. به عبارت دیگر، در عین صلابت به کل نظام هستی، با هر تنگی بدی مبارزه کنیم و هر خوبی را باید بیازیم و بگستریم.
آیا آن خاص‌شتر که ادیان با نگرش انسان مدرن متضاد است؟

به گمان من هیچ کدام از این گزاره‌ها واقعاً با نگرش انسان مدرن ضد یا ناقض ندارند. بنابراین با همه ارزش‌های جهان‌شمول سازگار دارند. به هر روی در یک نگرش معیوم، این گزاره‌های مشترک باید به صورت عقلانی به آسانه ذهن و ضمیر مخاطبان برسد. در این صورت ذهن و ضمیر مخاطبان پذیرای آراش، آراش، امنیت و رضایت‌بخش خواهد بود. **ولی به هر حال انسان معاصر که به تعبیر شما از نوعی احساس غلا و کشتنکش درونی با خویش رنج می‌برد، چگونه و از چه طریقی می‌تواند با استفاده از این امور معومی به آرامش و زندگی فرین شادی و امنیت دست یابد؟**

در واقع از طریق پذیرش گزاره‌هایی که گفتیم و درینادانندگی که می‌توان به چنین زندگی‌گست یافت، از طریق پذیرش ذهنی و درود درونی زندگی آرام و امنی حاصل می‌آید. اگر به زندگی معاصر که به این آراش و شادی رسیده‌اند، نگاهی بیکنند، خواهید دید که همه آنها این پیش‌فرض‌ها را پذیرفته‌اند. البته پیش‌فرضی که می‌خواهد به آدمی آرامش و شادی بدهد، نباید گزاره‌ای غیرطبیعی و ضد استدلالی باشد. اگر گزاره‌ای خردسنجی بوده یعنی چنان بود که عقل قدرت البیات نادرستی آن را دانش، آن وقت دیگر نمی‌توانیم. حتی اگر قائل به این باشیم که به ما آرامش می‌دهد، آن را بپذیریم، اگر آن را بپذیریم، فردی خرافاتی هستیم؛ یعنی آدمی که برای یافتن آرامش و شادی به یک دست انجام و باقیل متوسل شده است. گزاره‌هایی که می‌خواهند به ما آرامش و شادی بدهند، باید اتونوعی باشند که اگر سرچشمهٔ نیستند، لائق خردگریز باشند ولی به هیچ وجه خردسنجی نباشند. بنابراین کمال مطلوب آن است که این گزاره‌ها خردچینی‌باشند ولی اگر نیستند، حداقل خردگریز باشند.

آیا این گزاره‌های شترک معنوی باید در مقام عمل آزمایش می‌شوند؟

شکی نیست، ملاطبت اقتضا دارد که اگر چیزی در مقام عمل آزموده نشود، دیگر نمی‌توان به آن متعهد ماند. معنویت هم که در مقام عمل آزموده نشود، نمی‌تواند به آن پاینده بود چراکه عقلانی نیست. همه هم ضم من این است که ملاطبت ما بدون معنویت نباشد. ولی در عین معنویت ما هم بدون غلاطبت نباشد.
بله، شما باید در مقام عمل آزموده شود. چه آزمونی؟

خوب، مسلمانان آزمون فیزیک یا شیمی ضرورتاً نیستند. متلی آزمون‌های روانشناسی استند. در روانشناسی آزمون داریم. بسیاری از این آزمون‌ها جنبه درون‌نگرانه دارند یعنی آزمون را در درون خود انجام می‌دهیم. مثلاً اگر ادعایی در فیزیک مطرح می‌شود، باید آن را کابل در یک نظیر علمی به اثبات رساند اما اگر ادعایی در روانشناسی مطرح شود، فقط کافی است که فرد آن را در درونش بیابد. البته اگر هر فردی به درون خودش رجوع کند، آن را می‌یابد ولی در عین حال امری است درونی.

در واقع امر شخصی‌هم نیست؟

بله! کاملاً شخصی نیست ولی مثلاً هم جمعی

نیست. به تعبیر بهتر بگویم، عینی (اؤکتیو) صرف هم نیست، ذهنی (سوبژکتیو) صرف هم نیست. نوعی بین‌الذهانی است. یا به عبارتی بین‌الانسی است. به هر روی این گزاره‌ها آزمون‌پذیر هستند. اما آزمونی در آزمایشگاه روان انسان انجام می‌پذیرد، نه در آزمایشگاه جهان طبیعت.
آقای دکتر ملکیان! نکته دیگری در رابطه با گزاره‌های مشترک ادیان با این ادیان وجود دارد و آن اینکه باز اگر بخواهیم دقیقتر شویم و بیشتر بکارویم، آیا می‌توانیم مفهوم «دیگری مطلق یا خدا» را مطرح مشترک همه این گزاره‌ها بنماییم؟

گزارهٔ مفهوم خداست؟

اگر مرادشان از خدا، خدای متشخص انسان‌وار باشد، نه ملا در آیین بودا، اصلاً خدای متشخص انسان‌وار وجود ندارد اما اگر خدا را به مفهوم عام آن بگیریم که هم شامل خدای متشخص انسان‌وار بشود و هم خدای متشخص ناتسان‌وار و با اصلاً خدای غیر مطلق، کاملاً با نظر شما موافق یعنی واقعاً در ادیان خدایه عیناً یک امر یکسره دیگر البته وجود دارد اما نه لزوماً به عنوان وجود متشخص انسان‌وار یا ناتسان‌وار حتی. در مواردی می‌تواند یک وجود غیر متشخص باشد.

اتحاد که در بحث از آزمون‌های وابسته به گزاره‌های

جهانی ادیان سخن گفتند و اینکه آنها امری بنیادین هستند، آیا به همین طریق هم می‌توان مفهوم خدا را امری بنیادینی دانست؟ یعنی امری که مخرج مشترک همه ادیان است؟

بله، قطعاً. ما در این زمینه یک داد و ستد دیالکتیکی قرار داریم. به این معنا که این پیش‌فرض‌های مشترک در ادیان هیچ گاه ایلمانه نیستند و در واقع اگر کنش و واکنش‌ها با جهان هستی مؤید این پیش‌فرض‌ها نباشد، اصرار ورزیدن بر آنها امری لزومی ندارد. البته همان‌طور که عرض کردم، خدا را باید به مفهوم عام آن گرفت، به طوری که کنشاتی مانند بوداییان‌ها باشد که آن تعریف شریک ساخت. بدین معنا که باید خدای اعم از متشخص انسان‌وار، ناتسان‌وار و غیر متشخص را در



این تعریف خدا لحاظ کنیم.

اشاره کردید که آزمون‌های معنوی باید در آزمایشگاه درون انسان به کمک گذاشته شوند و در عین حال در تضاد با امور عقلانی هم نباشند. از طرفی خدا را هم مفهومی بین‌الذهانی دانستید. به عبارت دیگر آیا می‌توان به غیر از وجود حقیقی خدا که در مابعدالطبیعه وجود دارد و شکی در آن نیست، به خدای شخصی که من یا خودم، فرد یا آن را لحاظ دارد و نیز خدای شخصی که مخرج مشترک میان انسان‌ها و ایمان است، اشاره داشت؟

بی‌شک از مهمترین وظایف ادیان فرا رفتن انسان از خودیستیم به فراسوی آن است و فکر می‌کنم که خدای

فرهنگی این تعالی را تسهیل می‌کند؟

بله. استفاده این است که از دو دیدگاه می‌توان در باب خداوند گفت و اگر کرده، یکی خدای معنی شناختی و دیگری خدای روانشناختی. هنگامی که نیچه بیان می‌کرد که خدا مرده است، اصلاً بحث وی این نبود که در عالم هستی و یا در عالم واقع خدا وجود دارد یا ندارد، با این نبود که در عالم هستی خدا تا چندنی پیش وجود داشته و هم اکنون وجود ندارد. اصلاً بحث نیچه، بحث هستی شناختی نبود. بحث وی در معنایی که فیلسوفان می‌گویند، نبود. بحث نیچه در خدای روانشناختی بود. او می‌خواست این را بگوید که چه در عالم واقع خدا وجود داشته باشد

معنویتي که هم اکنون

محل بحث ایجنانب است. در

واقع تاکید ورزیدین به پیام

مشترک ادیان است. به این

پیام مشترک مثلاً با تعبیر

«گوهر دین، را حفظ کرن،

می توان رسید

و چه نداشته باشد. در هر دو حال این سخن صادق است که تا چندنی قبل در صحنه ذهن، آتش سیرت‌ها ما خدا حضور داشت ولی مدتی است که حضورش در ذهن و ضمیر آنها از دست بریده است. حضورش و آدمی به دلیل از دست دادن همین نقطه انکاست که به نیهیلیس یا پرچی می‌رسد. در واقع نیچه می‌خواهد بگوید که آدمی باورده عصر جدید، انکایش را به خدا از دست می‌دهد و در همین علت به پرچی می‌رسد.

دقیقاً همین طور است. در واقع آنچه انسان را به پرچی می‌رساند یا وی را از پرچی زده می‌کند، وجود فلسفی خدا نیست، بلکه وجود روانشناختی خداست که اگر در جایی بود شخص را از پرچی می‌رهاند و اگر نبود به پرچی می‌رساند. در واقع حضور روانشناختی خدا در ذهن و ضمیر، انسان است که وی را از پرچی رها می‌سازد. حال اگر این حضور روانشناختی از ذهن آدمی رخت بریندد ولی خداوند در عالم واقع هم وجود داشته باشد، انسان به پرچی می‌رسد.

در واقع این حضور روانشناختی را نمی‌توان منحصراً در یک جای خاص جست‌وجو کرد. همچنانکه نیچه برای گریز از پرچی و رهایی از آن به هنر پناه برد. حال بگذریم که فردی چون لیل وولپو به قلیوف معاصر فرانسوی مستند است که انسان مدرن اگر خدا را کشت، ولی خدایی از جنس ماشین ابداع کرد ولی به هر روی این خدای ماشینی، یا به قول هایدگر تکنیک‌دوره، هم نتوانست خلا ناشی از آن خدای به قول شما روانشناختی را بپرکند.

در تأیید سخن شما به تعبیر که لیل تیشی به کار برده است، برمی‌گردم. لیل تیشی لیفوف و مثاله پروتستان، می‌گفت که هر کسی یک خدا دارد که - به تعبیر من - روانشناختی است. آن خدا منگن است برای هر فردی متفاوت باشد. آن خدا امری است که هر فرد حاضر است همه چیزش را فدای آن کند ولی حاضر نیست که آن را فدای هیچ چیز کند. این خدای روانشناختی است، یک خدای دیگر، در عالم واقع وجود دارد. برخی انسان‌ها هستند که خدای روانشناختی اشان، خدایی است که دین و مذهبشان بیان می‌کند و آن، در عالم واقع وجود دارد. خدای روانشناختی بسیاری از آدمیان غیر از خدایی است که از نظر دین و مذهب در عالم واقع وجود دارد.

آیا بین این دو ضرورتاً تطابقی هست؟

ممکن است نباشد. اگر فرض کنیم که فردی همه چیز را به خاطر حیثیت اجتماعی‌اش فدا کند، حیثیت اجتماعی وی خدایش است. اما اگر همه چیزش را به خاطر آن چیزی که در اسلام بالله، در بهودیت ابهوده و در آیین هندو شیوا یا کریشنا، گفته می‌شود، فدا کند. در آن صورت خدای روانشناختی وی، همان خدای ادیان و مذاهب هم هست. بنابراین آن نظر ادیان و مذاهب خدایی در عالم واقع تحقق دارد و خدایی هم در کدام از او انسان‌ها در درون خودمان داریم. همیشه این دو با یکدیگر انطباق ندارند. هنگامی انطباق دارند که آن چیزی که همه چیز را افزایش می‌کني، همان خدای ادیان و مذاهب باشد. در آن صورت خدای ادیان و مذاهب با خدای روانشناختی انطباق دارد و گاهی هم ندارد. به هر حال ممکن است خدا قدرت، ثروت ، شهرت، مقام و جاه و… باشد یا به تعبیر نیچه قرآن ، افرآیت من اتخذ الهه هواء، ممکن است خدای کسی خواسته‌های دلش باشد. این تعبیر قرآن، بدین معنا نیست که به محض آنکه کسی هوای نفس خودش را خدا بخرد، فرد، در عالم هستی هم خدا را عوض کرده باشد. نه در عالم هستی خدای

مابعدالطبیعی وجود دارد. یا هنگامی که قرآن می‌فرماید:
الطغوا الحاکمهم و رهیبهم
اینها بیان دهن الله یعنی هنگامی که بهودیان و نصاریان، عالمان دینی خود را خدا گرفته‌اند، بدین معنا نیست که وقتی گفته‌اند عالمان دینی ما خدا هستند، در عالم وجود هم دخل و تصرف کرده‌اند. در عالم وجود خدای نکرده‌اند ولی در جهان ذهن و ضمیر خودشان، این کار را انجام داده‌اند. بنابراین واقعاً در وادی متفاوت است، یکی خدای هستی شناختی است که همه ادیان مذاهب به آن گواهی داده‌اند و دیگر خدای روانشناختی است که حاضریم همه چیزمان را برای آن ذبح کنیم.

آیا می‌توان گفت که تصوری که در ادیان مختلف از خدا وجود دارد، وابسته به نوعیت‌های تاریخی و قومی، خاص است و در واقع بازتاب‌دهنده سوادویدهت‌های خاص جغرافیایی و تمدنی آن مردم است؟

شکی نیست. در احاطت خودمان هم آدمی که اگر مورچگان بخواهند خدا را تصور کنند، آن را به شکل یک مورچه عظیم فرض می‌کنند. چراکه نمی‌توانند از قالب مورچی خودشان بیرون بروند. از این رو خدا را مانند یک مورچه بسیار عظیم تصور می‌کنند. ما انسان‌ها هم مثلاً در هر دینی، چه بسا خدا را سبزه در مورد عوام‌الناس به صورت انسان عظیم تصور می‌کنیم.

این تصور خاص خدا از کجا می‌آید؟

این تصویر ناشی از محدودیت فرهنگی ماست.

محدودیت در ساحت باورها، احساسات، عواطف و آرزوهایمان از این محدودیت کنایش گریزی نداریم. تا هنگامی که این محدودیت فرهنگی را داریم، خدایی را هم که تصور می‌کنیم، فردی مسغه خاص است. هر چه از محدودیت‌های فرهنگی خودمان بیرون می‌آید، ما انسان‌ها هم مثلاً در هر دینی، چه بسا خدای سبزه در مورد عوام‌الناس به صورت انسان عظیم تصور می‌کنیم.

این تصویر ناشی از محدودیت فرهنگی ماست.

محدودیت در ساحت باورها، احساسات، عواطف و آرزوهایمان از این محدودیت کنایش گریزی نداریم. تا هنگامی که این محدودیت فرهنگی را داریم، خدایی را هم که تصور می‌کنیم، فردی مسغه خاص است. هر چه از محدودیت‌های فرهنگی خودمان بیرون می‌آید، ما انسان‌ها هم مثلاً در هر دینی، چه بسا خدای سبزه در مورد عوام‌الناس به صورت انسان عظیم تصور می‌کنیم.

جمله‌ای است - که فکرم می‌کند از اظهارت باشد- بدین مضنون که حتی خدای یک طرف هم که خدایی جهانی و فراقومی و فرافرهنگی است، در نهایت رنگ و بویی از جغرافیا، تاریخ و قوم خاص آن طرف دارد. حال اگر اقتدر بر روی فردی با تاریخی بودن آن تأکید نکنیم، مسلماً خدای فردی است «معی‌الذین این عربی» در آخرین بند «فصوص‌الحکمه» خود می‌گوید که هر کسی خدای ساخته خودش را دارد. حتی اگر از تنگ‌فروایی‌های قومی و نژادی بیرون بیاید و از اقلیم جغرافیایی که در آن پرورش یافته‌اند، خودتان را جدا کنید و یا از همه تاریخ که در آن قرار دارید، بیرون بیایید، به هر حال محدودیت‌های ذهنی و فردی خودتان را مقدر آب و رنگ خودتان را دارد. ظاهراً از امام محمد باقر (ع) نقل است که می‌فرماید: اگر شما با لطف‌اندیش‌ترین ذهن هم خدا را تصور کنید، باز خدای است زاییده ذهن شما که به هر حال آن خدای واقع نخواهد بود. آن خدای واقع تنها زاییده پدیدآورنده همه چیز است. بنابراین نمی‌توان این مسأله خلاص شد اما به هر حال یک چیزی هست که می‌تواند آن کتون که بی‌موم که خدای من هم کنایش محدودیت‌های ذهنی و فرهنگی من را دارد، لافلاقی باشد که خدایان با خدای من یکی نیستند. دشمنی نوزدم، اگر بپذیریم که در چارچوب ذهنی خودم هستم، پس باید این را هم بپذیرم که دیگری هم در چارچوب ذهنی خودش قرار دارد. همین‌طور که من نمی‌توانم وارد چارچوب ذهن و ضمیر دیگری بشوم، پس نباید انتظار داشته باشم که وی هم به چارچوب ذهن و ضمیر من وارد شود و لافلاقی باشد که یک مدارا قائل شد. بنابراین حتی اگر به لحاظ روانشناختی این قدرت را نداشته باشیم، خدای هر مسیوح به قدرت خودمان را باید بپاوییم. ولی می‌توانیم با خدای دیگران با انعطاف بیشتری رویه‌رو شویم.

البته مقصودم آن نیست که بشر کنونی باید به مفهوم واحدی از خدا برسد، بلکه نظم آن است که حل مشکلات اجتماعی هیچ‌گاه مستلزم تصوری واحد از خداوند نیست. بشر کنونی باید یک سلسله اختلافات مشترک را رعایت کند و لذا بیشتر مشکلات و بحران‌های بشر کنونی، به عدم رعایت این بیان‌های اخلاقی مشترک می‌رسد.

یادداشت

میلون خیری

اهل علمی که گفت وگو نمی‌کند



دو روزی بود به سفارش دوستی، با او بود یک ریاضی خوان کپی زبدم، او را به دفتر کتاب هفته دعوت کردم زودتر از من به دفتر رسید به دو یا همان دوست کپی می‌زدند. بعد از سلام و عرض ارادتی سرفه دلش را باز کرد کتاب هم آورده بود که تپسی از آن نامه‌هایی بود که یا به این سازمان و آن فرد داده بود یا از آنها گرفته بود.گفت علاقه‌ای به ریاضیات وخصوصاً هندسه دارم و می‌گویم یافته‌هایی دارم اما به هر جا مراجعه می‌کنم جواب سر بالا می‌شوم. دوست آخر سر در کارم به کاشتری و شکت‌بندی افتاده و دوست کاپی برسات انجام میدهد.گفت کاشمرا معرفی کنی، دوست دیگرش را شناسم داد که حتی کپی را هم عود میدهد. دو سال در گوشه زویبندی خانه‌اش نشناختم کرده‌است. نامه‌های آخر کاشیار را دو بار می‌خواندم همه درباره هندسه و ریاضیات بود و دست آخر در آخرین کتابش نوشته هر کسی که جواب سوالم را بدهد یک میلیون تومان پاداش می‌دهم. من در حد نه از آفتابهای علمی‌اش دفاع نمی‌کنم چون ریاضی خوان نسبت امامی توانم که در یادداشتم از بزرگان علم که علم طریقم جزایط علمی‌اش را باپستی خود فرستگن هم مختور به هم می‌رساند بخواهم صفای تیغ را در محیط علمی بلدانم.

امی را می‌شناسم که سال‌ها پیش دست در کار ترویج نجوم آماتوری داشت و در حد بضاعت خود به علاقه‌مندان نجوم چیزی پادامی داد یکی از علمای نجوم چنان در محفلت با او درآمد که همه آنچه به عنوان نجوم آماتوری در دست آن منجم آماتور بود به پا فتا رفت. آن عالم نجوم هم خود نوانست علاقه‌مندان را در زیر یک سقف گرم آورد، اگر از جمع آن منجم آماتور حتی یک نفر هم از سطح علمی سطح منجم آماتور، نجوم را نهاوده شده‌کافی به فر مغز منجم گذشته، است و اگر کتاب‌های ریاضی و هندسه این ریاضی‌خوان به یک نفر از علاقه‌مندیان رسد گناه بیگاری‌اش به گردن منتقدان این ریاضی‌خوان است.

اگر اهل علم قائل به گفت‌وگو سلامت امیر یا یکدیگر نباشند چه کنشی باید چنین باشد؟

ابراهیم خندان

شاید اگر ده سال پیش به خواب می‌رفتم و امروز از خواب بیدار می‌شدم هیچ رفتن نمی‌توانستم باور کنم که بیداریم و شاید حال روزمان بهتر از زمان بیدار شدن کاربور در سزمین یی یوت بود.

تغیرات شگفت‌انگیز دنیای پیرامونمان در طی این ده سال حاصل انقلابی است که به آن انقلاب فناوری اطلاعاتی می‌گویند. به وجود آمدن دسترهای ارتباطی جدیدی هم که ارزانند و هم فراگیر و هم چند رسانه‌ای، یکی از دستاوردهای این انقلاب بزرگ است. این دسترهای ارتباطی که از این پس آنها را شبکه‌های رایانه‌ای می‌نامیم، توانی ارائه خدماتی مختلف به افراد و نیازهای مختلف را با بهایی بسیار اندک باز کرد و بر همین بنیاد است که به سرعت رشد کرده‌اند. اینترنت نیز یکی از همین شبکه‌هاست.کشاهن که خود از شبکه‌های مختلف کمپیوتری تشکیل شده است. به وجود آمدن اینترنت باعث به وجود آمده‌ایدهایی در نشر و آموزش شده که با پیش از این حتی در داستان‌های علمی تخیلی نیز نمی‌توانستی اثری از آن ببینی.

مفاهیمی مانند دانشگاه اینترنتی چیست که بتوان بسازگی آن را توصیف کرد و به چند نمونه در یک فرهنگ لغات، پرورده آن راست کتاب‌های الکترونیک نیز همین طوره که کتاب الکترونیک چیست و چه تفاوتی با دیگر کتاب‌ها می‌تواند داشته باشد؟ پاسخ به این سوال در این زمان بسیار مشکل به نظر می‌رسد. چه اگر بخواهیم امکانات و خواص محیط‌های الکترونیک را به کتاب سنتی بدهیم، شاید کتابی دیگر کتاب باشد. اگر فقط تصور کتاب را در محیط‌های مجازی برسانیم از فناوری اطلاعاتی منتشر کنیم از هر دو سو چیزی را باقی گذاشته باشیم یا به زبان خودمانی تر نه نباید داشته باشیم و الکترونیک، اینکه یک کتاب الکترونیک چیست می‌تواند باشد و چه نمی‌تواند باشد.سننوم تعریف ما از کتاب و محیط‌های مجازی مبتنی بر کامپیوترهاست. شایداینکه تعریف محیط‌های الکترونیک چیست می‌تواند باشد و چه نمی‌تواند باشد.سننوم تعریف ما از کتاب و محیط‌های مجزواتی نیست و مطرح کرده‌ام که محیط به نظر می‌رسد ولی در واقع چنین نیست. از نظر اکثر ما تعریف کتاب آنچنان واضح و روشن است که کسی که نشریه را با یک کتاب اشتباه نمی‌گیرد، یک روزن کتابگراگ با پایان نامه را نیز همین طوره.

اگر چه ممکن است عده زیادی باشند که توانند واژه کتاب را معنی کنند

مزمان با هفتصن دوره هفته پژوهش از پژوهشگران حوزه کتاب تجلیل شد
کاربردی کردن پژوهش در حوزه کتاب چگونه فراهم می‌شود و راهبردها کدامیک از نیازهای جامعه علمی-پژوهشی را پاسخگو است؟
کاربران قائل، میدالحمین آژونگ، مدیر اعظم علمی و نهاد مؤسسه پژوهشگران برتر که شایسته کتاب علمی هستند به سوال مطرح‌شده پاسخ گفتند.

کاربران فانی پژوهشگر برگزیده حوزه کتاب می‌گویند: اصولاً پژوهش در دو حوزه نظری و عملی با کاربردی انجام می‌شود.مطابق پژوهشی که البته باید نظر گرفتن مابنی نظری جنبه کاربردی باشد. برتر است. برای کاربردی کردن پژوهش کتاب باید نیازهای جامعه مطالعاتی را در نظر گرفت.

به نظر من در سه حوزه می‌توان پژوهش کرد.دوره کمپیوترها و کتابی‌ها، دوره پژوهش‌های اصول و مبانی کتابخانه‌ای که در آن منتشر شده تا جاب برنامهای مشخص بوده، در برخی موضوعات کمتر کتاب دلیب و باصوالاً نادانیم. لازم است این موضوعات تحقیق شوند و کمپیوها و کاشیارها روشن شوند و آنگاه با توجه به آن کتاب‌ها، تألیف و ترجمه شوند.حوزه پژوهش‌های پاسخ‌های جامعه مربوط به فروش کتاب و استقبال خوانندگان است. در جامعه مطالعاتی این تاکنون بررسی جامعه‌شناختی نشده که خوانندگان ما چه کتاب‌هایی را می‌خوانند

و بیشتر می‌پسندند. تحقیق در این حوزه علاوه بر نشر دهندند

کتاب کمک می‌کند.

حوزه سوم کتابخانه گفتند. به هندسه‌های نظری و مبانی اصول آن و در واقع فلسفه پژوهش می‌پردازد که برپس به هر کوزه پژوهشی است.

جامعه علمی-پژوهشی ما نیز به آن دارد که منابع و مباحث اطلاع‌رسانی و آن معتمد شود.پژوهش درباره کتاب و نشر، به این مهم‌باری اساسی می‌کند.

آن‌جا که پژوهش‌های فرهنگی می‌توانند زیربنای پژوهش‌های علمی جامعه باشند، اهمیت بالایی دارند.

نیچه این نوع پژوهش، آفرینش کتاب‌هایی است که نیازهای پژوهشگران را پاسخ می‌دهد، و پژوهش در تخصص‌های مختلف بدون اطلاعات تخصصی و نهادی‌نشر تخصصی و ناشر

درباره

آزاده سدید

پژوهشگران حوزه کتاب از پژوهش فرهنگی می‌گویند



متخصص امکان‌نارند

میدالحمین آژونگ

پژوهشگر مسائل و مشکلات نشر می‌گویند: پژوهش‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کنند: یکی پژوهش محض، دیگری پژوهش کاربردی و نهادی پژوهش و پشترفت تحقیق و توسعه.

پژوهش کاربردی

متشخص بوده که کاربردی است و معطوف به کاربرد پژوهش نوع سوم هم کاملاً کاربردی است و با توجه به کاربرد بر و اثر نیازهای کاربردی انجام می‌شود.

امداد نظر و نشر کتاب اصولاً با نشر پژوهشی انجام می‌شود که از مشکل کاربردی شدن با کاربردی شدن خرفی گفته شود. از این فلندو، پژوهش محض همانند کارده روز این پژوهش تخصص علمی است که بینامی‌های نشر را تشکیل می‌دهد.طوسی که نشر از آنها استفاده می‌کند.

به گنلم جای‌نگری نیست که چرا پژوهش‌ها در نشر کاربردی نمی‌شود.بلکه این نکته جای‌نگری دارد که چرا اصولاً در نشر پژوهش انجام نمی‌شود و چرا نهادهای تشکیل نمی‌یروند که وظیفه اصلی آنها پژوهش در حوزه نشر کتاب باشد. اگر پرسید چرا اصولاً، نهاد مطالعاتی ویژه نشر کتاب را تشکیل نمی‌دهند و آموزش‌های آکادمیک نشر را بسبب نمی‌شود، شاید پرسش مناسب‌تری باشد.

آن‌جا که فراهم آوردن زمینه پژوهش‌های علمی و همچنین تحقیق در حوزه‌های فرهنگی مستلزم پژوهش‌های تخصصی‌های عمده

بسیارآکادمیک‌های خاص است.همه این نهادها سازمان‌های دولتی و خصوصی نیز در این مهم پیشرانان دارد.

علی اعظم محسنیگی پژوهشگر حرف مؤلف در ایران می‌گویند: کاربردی کردن نتایج پژوهش‌هایی که کاربردی برای آنها متصور است، پیش از هر عملی سنگینی به وجود گروه یا گروه‌های تیغ فوی در اجرای نتایج این پژوهش‌ها دارد.

برای تبیین دقیق این اطلاعات خود را از خواب انتخاب

می‌کنیم.

چرا به هم خلاصه‌ای سبب علمی، موبته‌های الحاقی این مطالعه‌ها، مطالعه علمی حرف مؤلف که این موبته‌ها را آنگاه در پی نویسنده‌گان و حتی اکوبیت نامشان کشور برسرهم‌دهند.

سیاست‌گذاران به الحاق ایران به این نظام توجهی نمی‌کنند؟ پاسخ این است که گروه‌های ذیع فوی پشتیبان این سیاست هستند. همچنین به سوالان نشر به کتاب هفته ملاحظاتی سیاسی به بحث گذاشته.

و بی‌انها فرشته مولوی پژوهشگر کتاب‌های اقصایی همه علمی-گوناگون جامعه ما معرفی دیگه‌های غلط افراطی و غیرعلمی درباره پژوهش‌های بنیادی نظری و پژوهش‌های کاربردی شده‌اند.عده عدم شناخت پایه مسأله، نوع اصلی مشکل و همچنین ضرورت‌های با آن، تمام این مشکلات را بسبب خواهد شد.واقعت این است که ارزش علمی کاربرد یک پژوهش علمی و همچنین پژوهش در حوزه کتاب نیست به چارچوب نظری مناسب یا پژوهش‌هاست.

نظری مایل در جامعه‌ای که هنوز به نظر علمی، فرهنگ فلسفی، فرهنگ فلسفی است و افراد از کمپیوت کردن ایده‌ها و تجویزات و یافته‌های خود بهره می‌برند. نیازهای نظری اساسی برای تبیین دقیق این مسأله وجود ندارد و مشکلات حوزه کتاب نیز به وقت خود باقی خواهد ماند.

ازین نظر به روشی می‌توان به تعلقات میان پژوهش‌های نظری و کاربردی پرداخت و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را برای شناخه مسائل و مشکلات موجود در نظام پائین اقصایی و اجتماعی نظام سمس آموزش و نیز سازمان پژوهش‌های علمی می‌تواند زمینه اساسی برای توسعه اصولی و باقی با مباحث علمی توسعه دهد.

آن‌جا که مودل‌ها و مدل‌ها بر کتاب مربوط می‌شود، آنگاه پژوهشگران صاحب صلاحیت در این زمینه ایجاد زیربنای لازم از جمله نظام آمار و اطلاعات آماری و تعیین یک برنامه پژوهشی در زمینه کتاب به معنی علمی گفته می‌تواند زمینه‌های اساسی برای پشترفت توسعه فرهنگی کشور باشد. اهمیت این مسأله پژوهش‌ها نیز با توجه به روند فرایند دانش آموتخان دانشگاهی بهتر درک خواهد شد.

آنچه می‌رساند تحلیلی به معنی قراردادی از اقدامات بارزاش و آثار گذار جامعه علمی هم‌را با اهدافی خاص می‌تواند مفید و برنام برنام برنام در نشر نتایج علمی و عملی آنستفاده می‌شود. در این زمینه ضرورت‌ها و نیازهای علمی و عملی آنستفاده می‌شود. در این زمینه ضرورت‌ها و نیازهای علمی و عملی آنستفاده می‌شود. در این زمینه ضرورت‌ها و نیازهای علمی و عملی آنستفاده می‌شود. در این زمینه ضرورت‌ها و نیازهای علمی و عملی آنستفاده می‌شود.



می‌تواند متن چاپ یا اسکن شده یک کتاب

باشد که به وسیله یک نرم‌افزار دیجیتالی قابل خواندن باشد یا یک چیزی شبیه به مثال‌های بالا و اینکه، نام تعریف درست است.

سنگینی به نگاه ما به مقوله پژوهش‌های جدید انتشار آرا و عقاید و آثار را به طور کلی اینترنت و کتاب دارد.

تعریف مجدد کتاب بر اساس نیازهای روز جامعه و شرایط جهانی را در برداش تعریف کتاب الکترونیک نیز باز می‌کند و باز اجاره این کار بیشتر بر دوش متخصصان حوزه علوم اجتماعی و آموزشی است.

بسیار خوب، حال فرض کنیم که تعریفی کارگزارانه از کتاب الکترونیک به وجود آمد و حتی با اثرات گذشته‌تر نمی‌تواند استانداردها و این تعریف کرده‌ام ولی آیا اینها، از خود برسد ضرورت این با تعریف و در این استاندارد چیست؟ یا نگاهی به وضعیت کتاب‌های کشور، متوجه می‌شویم که اگر استانداردهایی برای نشر کتاب وجود داشت علمی از بیداری و تابدها شدن می‌گرفت و خیلی از افسوس‌هایی که مگش با دیدن یک کتاب بر لب می‌آوریم دیگر تکرار نمی‌شد.

در حوزه نشر الکترونیک با کمی کوچک‌تر نشر کتاب‌های الکترونیک نیز تدوین این استانداردها کمک زیادی به ناشران و مؤلفان یا به طور کلی پدیدآورندگان اینگونه کتاب‌ها خواهد کرد. (و البته خوانندگان)

اینکه کتاب الکترونیک چیست و چگونه باید آن کند، کمک می‌کند تا این هدر رفتن سرمایه‌ها جلوگیری کنیم و از همین آنگاه که در آغاز راه هستیم زمین‌هایی محکم برای بنایی که باید بسازیم، به وجود می‌آوریم. و این نکته را بی‌نیاز نیستیم به یاد داشته باشیم که بسیاری به همین مکتوب یک دانش یک نفر با فقط با یادداشت‌ها به یاد کتاب الکترونیک می‌تواند باشد. اگر کتاب الکترونیک می‌خواهیم باید استانداردهایی برای آن تعریف کنیم تا در آینده‌ای که خیلی خیلی هم دور نیست افسوس از دست رفتن فرصت‌ها را با تعوییر کتاب الکترونیک اسکن کردن چند عنوان در ویبختن آن روی یک لوح فشرده نیست و اگر فکر می‌کنیم که این تعریف درست است پس حداقل کمی آن را استاندارد کنیم.

کتاب الکترونیک چیست و چگونه باید باشد

ولی تقریباً همه تعریف مشخصی از کتاب را در ذهن دارند، حتی اگر نتوانند آن را بدون ادراک اشکال بیان کنند.

ولی تعریف کتاب الکترونیکی چطوره؟ آیا کتاب الکترونیک همانند یک کتاب معمولی تعریفی مشخص و همه گیر دارد؟ همان‌طور که قبل تر اشاره شد، تعریف شکل جدیدی از اشیا (در اینجا کتاب) مستلزم تعریف مجدد آن شی، باشد و نگویید که کتاب در هر حالی کتاب است و این فقط استانداردهایی نشر است که تغییر می‌کند.

هر کدام از دو گفته بالا که صحیح باشد در اصل قضیه که یک کتاب الکترونیک چیست می‌تواند باشد و چه نباید باشد. تعیری ایجاد نمی‌کنند. تعیین به جای این تعاریف کل با مطالعه علمی بحث را پیش ببریم. یک نام را در نظر بگیرید که هر کلمه از آن را که برداش کنید بود بتوانید با اشاره به یک کلمه معنی کنید. با برای درک بهتر فضای واقع داستان یا شمار کلمیدی دیگر معنی که داستان در آن پیش می‌رود (یک اتاق یا یک جنگل) به تصویر در آورید یا هر گاه حسنه شدید یا اشاره به کتاب آن را وادار کنید که خودش برای شما فرانت کند و در نهایت اگر اصلاً حوصله کتاب خواندن یا کتاب شنیدن نداشته باشید یکی از روایت‌های سیمناهی آن اثر را که به مکاتبات خوشتر می‌آید به نمایش بگذارید. آیا این کتاب است؟ یک مثال کمی پیچیده تر، یک کتاب در زمینه علوم اجتماعی یا فلسفه را در نظر بگیرید، همان کلمیدی که کلمات را در زمان قلمی نمی‌تواند معنی می‌کود اما هم همین کار نمی‌کند. ولی با یک تفاوت و آن تعداد از جملات و تقاسیمی است که در این کلمه منتج می‌شود که ممکن است شما را به یک دنیای دیگر به غیر از فضای کتاب مورد علاقه‌تان برود. با این کتاب کارهای دیگری هم می‌توانید بکنید مثلاً براحتی می‌توانید آخرین مقالات یا باقیاتی را که در مورد موضوع کتاب در سرتاسر دنیا نوشته شده پیدا کنید و حتی با نویسنده‌ها گفتش وارد بحث شوید.

ذهن می‌توان تا خیلی جلوتر از این مثال‌ها پیش برده و تمام آرزوهایی دوران کودکی و جوانی را در قالب کتاب‌های الکترونیک گنجد ولی باز هم به جواب سوال کتاب الکترونیک چیست؟ نخواهیم رسید. کتاب الکترونیک



کتاب ماه دین

شماره‌های ۵۸ تا ۵۹ کتاب ماه دین، ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب منتشر شد. در زاینتری شماره این نشریه مقالاتی چون «عقل»- فرهنگ‌ها و موجدعلی‌شماره این نشریه احمد موسی، عصر تدوین: الگوی مرجع عقل‌گری‌ایات‌جامعه‌متصور عقلی و سه مقاله از جورج طرابیشتی با عنوان نقدی بر الگوی مرجع جاری» و «عجری و مفهوم عقل و عقل‌گری» اسلامی معرفی و ساختار آن را می‌خوانیم. معرفی کتاب تکوین‌العقل‌العربی‌بازترجمه جوادی‌آملی، تحلیل و بررسی کتاب اللبیب والدوله و تطبیق نشریه‌ها از کمال‌بایی‌کلهای‌نقدی‌به‌از محمدعلیر عالی‌چابری‌و-از دیگر مطالب خواندنی کتاب ماه دین است.

عصر پنجشنبه

هفته‌نامه ادبی، هنری عصر پنجشنبه و نشریه ادبیات کردستان منتشر شد. اخبار اهل قلم در صفحات نخست شماره ۵۳۲ عصر پنجشنبه آمده است و به دنبال آن ویژه‌نامه ادبیات کردستان با عنوان عشق‌های آسمانی بی‌چنگ‌که‌به‌احتمال‌شهرام محمودی را می‌خوانیم. در این بخش داستان‌های از شیروان حسن‌هوشیار حسینی و علی‌شرف‌درویشیان‌و-و داستان‌های کردی از فرهاد پیرالپا با ترجمه نوید شیحی، امین گردی‌گلایلی با ترجمه حاکم‌انگهری‌و-آمده‌است. شعر کردستان و ترجمه شعر، مصاحبه، مقالات، داستان این قلمی‌نقد، شعر، شعر در دهه هفتاد، بازخوانی شعر... از دیگر مطالب این شماره عصر پنجشنبه است.

ادبیات داستانی

ششمت و سومین شماره ماهنامه ادبیات داستانی - مجله تخصصی ادبیات داستانی در آبان منتشر شد. در این شماره نوشته‌های ادبیات داستانی که ویژه آذرماه منتشر شده است می‌خوانیم؛ رابطه نویسنده‌گان با جامعه و نمایش احمد محمود و نگاه خود و دیگران، هفت وادی - صورت در آخرین زمان نوشتن؛ نگاه، به دو مقاله ادبیات، حران و لحاظ کاکاوار با کردی، درباره هنر، آدمی که مرده زندانش یکی است.

کتاب در رسانه‌ها

فتوسی و چند مطلب خواندنی دیگر.

همچنین در این نشریه چند داستان کوتاه از جمله نواری بین دو غراب نوشته کرشن رینولدز، کره‌ستان پاییزی نوشته آکاگوریو سوسو که همواره نوشته نورالدین آزاد، «راج نوشته حسین جندقیان یدگلی، «ارایشگاه نوشته خالد سولپور، «لیوی چنین دار نوشته میژو عارفی، «سوخته نوشته مرتضی تورانی به علاقه‌مندان ادبیات داستانی قدیم شده است.

کتابداری

«کتابداری، جدیدترین شماره نشریه علمی در تحقیقات کتابشناسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی منتشر شد. نشریه کتابداری که سی و ششمین سال انتشارش را پشت سر می‌گذارد اکنون به مدیریت دکتر قاسم صافی و به اهتمام سیدجعفر شهیدی، رضا نادری، جلیل نجیل، مظفر بختیار، ماماناماسلیم‌پناه‌زادی، و... به عنوان شورای تحریریه به موضوعات کتاب و کتابداری اختصاص دارد. این نشریه در چندین بخش، مقالات، نقد و نظر، ترجمه‌شناسی، به‌یادنگار کرد و ویژه‌های کتاب‌داری، نقد و نظر، آشنایی با کتابداران دوسویه کتابخانه در دوره مولان آزاد، نقد طهری و ارتباط آن با نقد محتوایی در ادبیات کودکان، از مرتضی کوکبی، «کتابخانه مرکزی دانشگاه خنایه در خیلر آباد هند، از لولاق‌سماز پادفر و... عنوان بخشی از مقالات این شماره را تشکیل می‌دهد. در بخش به‌یادنگار از قاسم صافی پادری از دکتر امیرحسین آریاپور را مرور می‌کنیم.

بروین

نوزدهمین شماره ماهنامه ادبی بروین منتشر شد. در این شماره از نشریه بروین که صفحه اول خود را به اولیاد ادبیات‌تخصصی داد، از نوشته‌های مشهوری بیرون فرهنگ اصطلاحات عامیانه - جوانان و مارگارت ات وود نویسنده کانادایی می‌خوانیم. در دیگر صفحات این شماره بروین داستانی از دورتی پاک‌کرمانه‌جانب‌نشرهای از بیژن‌نعمتی‌آبیات‌و-می‌بینیم. «باغ دین، گزارش از دومین دوره جایزه ادبی گلشنی‌نگاهی به رمان‌های بیست‌و نوزده‌اولیاد آذری‌ماه‌سال‌المولوی‌و معرفی کتاب‌های تازه می‌خوانیم.

هنریو

اولین شماره فصلنامه «هنریو» نشریه هنری - تحلیلی هنرهای هنگه‌گه منتشر شد. تیزر اول این شماره به «قدر و جایگاه هنر از دیدگاه قرآن کریم» اختصاص یافت. در «حرف اول» سرمقاله‌ای به قلم محمد کاظم سالمی در ضرورت انتشار این فصلنامه را می‌خوانیم. موسیقی کلاسیک چیست؟ به قلم مهرداد عرفانی، سرگذشت باغ، نقاشی قهوه‌خانه‌ای به قلم مجید اوشانی، کارگزار چیست؟ به قلم جواد علیزاده‌احیاری‌بیرون‌چاپ و صحنای، مقاله‌ای از پروین رفص و سماخ با تحقیق آنا سجادی‌فرخانی‌از نمایش، گرافیک، شعر و ادبیات، داستان کوتاه، سینما و عکاسی صفحات دیگر این فصلنامه را تشکیل می‌دهد.

نگین ایران

اولین شماره انگین ایران، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق منتشر شد.

صاحب امتیاز این نشریه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است و مدیرمسئول آن محسن رخصت‌طلب و سرمدیز آن مجید مختاری است. عنوان سرمقاله نگین ایران «به قلم مختاری هشت ساله، تجلی اراده جمعی ملت ایران» به قلم مختاری است و در بخش مقالات، «مقدمه‌ای بر الگوی مدیریت جنگ توسط امام خمینی (ره)» به قلم اکبر مهدی‌زاده، «پنگونگی شکل‌گیری ساختار سیاسی جمهوری اسلامی» به قلم احسان خرم‌زده، «دلایل شکست عراق در چهار عملیات...» به قلم حسین حمیدی‌نیا، «ایران، عراق و مذاکرات آتش‌بس از چارلز مک‌دونالد» تا ترجمه پریساکرمی‌نیا-را می‌خوانیم. مصاحبه با محمد درویش‌بخش‌نویسنده درویش‌بخش‌نویسنده در همین شماره آمده است.

پیل فیروزه

جدیدترین شماره «پیل فیروزه» فصلنامه گفت‌وگوئی تمدن‌ماشترا شد. این نشریه در چند فصل به مقاله، گفت‌وگو، پژوهش، گزارش، نقد و معرفی کتاب می‌پردازد. مصطفی ملکیان، جهانگیرگلی، نراقی، پایا، احمد کتانی و زین کوب هر یک مقاله‌ای در این فصلنامه دارند. گفت‌وگو با سیدحسین نصر، تقی‌الان در القاط‌تمدن‌های غرب و شرقی به فرش‌اشجعی‌ظفر در قرآن و انجیل به قلم مصطفی ذاکری و گزارش یک قرن اسلام در کتاب‌های قلم فاضل لاریجانی از جمله مطالبی است که در این شماره فصلنامه می‌خوانید. یکپده پایان نامه‌ها، کتابشناسی شامل و ترجمه، یکپده مقالات و یادداشت سردبیر به انگلیسی صفحات پایانی فیروزه را تشکیل می‌دهد.

تران

اولین شماره مجله ادبی «هنری تران» منتشر شد. نشریه تران که از سوی دبیرخانه انجمن شعر و ادب «تران» در آستان‌فرام می‌آید، طرح جلد اولین شماره‌اش را به بیژن کتکی شاعر شمالی اختصاص داده و در واقع ویژه‌نامه‌ای برای کتکی‌نقاری از شاعران و نویسندگان استرالی است.

نامه‌هایی از احمد شامور، احمد محمود، حسین دلشور، نعمت رحمانی، رضا راضی... به بیژن کتکی به همراه مصاحبه‌ای طنز با کر اسکیور از دیگر مطالب این شماره تران است. شعر، داستان و خبرهای فرهنگی را هم در این نشریه می‌خوانید.

چهاردها و کتابها

جلال الدین همایی

جلال‌الدین همایی در سیزدهم دی‌ماه ۱۳۷۸ در اصفهان به دنیا آمد و دروس ابتدایی را نزد پدرش آموخت. سپس از فارغ‌التحصیل و محقق و منتقد و معاشی‌نویس، نزدیک به بیست سال در مدرسه تخصصی و نیم‌وارد اصفهان در حوزه‌ها به آموزش علوم دینی پرداخت و نزد استادان چند به فارغ‌التحصیل ادبیات عرب و فقه و اصول پرداخت و سرانجام به درجه اجتهاد رسید.

همایی در بیست و چهار سالگی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌های تریز به تدریس مشغول شد. سپس از چندی به تهران آمد و دارالفنون را برای ادامه تدریس انتخاب کرد. در همین دوران و پس از کسب تجارب تدریس در دانشگاه اصفهری، تدریس در دانشگاه ادبیات و حقوق کرمان را پذیرفت. در سن ۶۷ سالگی خود را بازنشسته کرد اما از تحقیق و پژوهش باز نایستاد همایی که به زبان عربی تسلط داشت. اشعاری به زبان عربی در نشریات دهه چهل به چاپ بریده است. فتنه همدان مجدداً نیز فرهنگستان ایران بود و با مؤسسه همدان نیز همکاری می‌کرد.

عده مقالات استاد همایی در موضوعات آن زمان چون تعلیم و تربیت، مطالعهٔ مجله دانشگاه ادبیات، اسخا، آیه‌ها، اعراف اسلامی... و... چاپ می‌شد. همایی در دوران حیات پرآوازه بسیاری به شکل کتابت مشغول بود که اولین اثر تبلیغی او تاریخ ادبیات ایران در سال ۱۳۰۸ است که باب آن کتاب نشان علمی درجه دوم گرفت. «فقر نامه» کتابی در شرح احوال و آثار و عقاید مذهبی، ادبی و فلسفی و عرفانی امام ابوالخادم غزالی را در ۱۳۱۷ تألیف کرد. جلد اول «وخیام‌نامه» در تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام را در سال ۱۳۱۶ به دست چاپ سپرد. در سال بعد تاریخ علوم اسلامی، که تقریرات استاد در دوره دکتری ادبیات فارسی است منتشر شد. در دیگر وی اسرار و آثار واقعه کربلا در دهه چهل نوشته و منتشر شد و با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تجدید چاپ شد. «فقر بلاغت و صناعات ادبی» کتاب دیگر او است. تاریخ اسیر و میرخواند صاحب روضه‌القصص از دیگر کتاب‌های همایی است. مولانا چه می‌گوید از دیگر آثار او در دو جلد در سال‌های ۱۳۵۰ منتشر شد. «سلفه سلفا و سینه گدستان»، «سیر شمتی مولوی»، مقام حافظ، «طرب‌خانه و شرح احوال سورش اصفهانی جزو آثار است که در کارنامه استاد همایی ثبت شده و تصوف در اسلام، که نگاه به مقام عرفانی شیخ ابوسعید دیوان ساه‌مجموعه اشعار او در سوره به‌یازان آمد. همایی در دوران تدریس در تألیف نیز مداومت چندین جلد کتاب درسی دانشگاهی نیز نگاشت و دانش همدان که در توضیح و تفسیر بسیاری از آثار کلاسیک فارسی تلاش کرد.

استاد همایی سال ۱۳۵۹ در گذشت و در اصفهان به خاک سپرده شد. زندگینامه او به صورت کتابی منتقل از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۱۳۹۸ منتشر شد.



کوتاه

پدیدآورندگان ؛ روایت اول شخص

مسعود احمدی؛ شاعر

پندار ابرای نقشه پاید صبر کنی ؛ که اشعار آذر ۱۳۷۲ تادی ماه ۱۳۷۷ بنده را در بر می‌گیرد و در بهار ۱۳۷۸ منتشر شد، فریب به ۳ سال طول کشید تا مجموعه بدیعی ام فراهم آمد با نام «دو سه ساعت عطر باس» که نشر همراه آن را چاپ خواهد کرد. در ضمن مصاحبه‌هایی که در چند سال اخیر با مصاحبه‌کنندگان مختلف داشته‌ام و در روزنامه‌های ایران، ایران جمعه، انتخاب، نیم‌نگاه، عصر مردم و… به چاپ رسیده‌اند، در مجموعه ای ذیل نام «حرف زبانی» گرد آورده‌ام که باز نشر همراه آن را منتشر خواهد کرد. از کتاب‌هایی که اخیراً ویرایش کرده‌ام، مجموعه قصه نگاه گرازها از رضا زنگی آبادی و رمان «تغییر در سالی‌های جذام» نوشته عزت صلابی همین چند روز پیش به بازار کتاب آمده‌اند. رمان «پنجاه دالیتی» هم که از خاتم منصوره شریف زاده است و ویرایش آن را بنده عهده‌دار بوده‌ام شاید تا اواخر همین ماه راهی بازار کتاب شود. شخصیت‌عقب‌مانده و اقتدارگرایی نیز کتابی است تألیف آقای دکتر مسعود تهرانی که ناین لفظهٔ آخرین اریست که من افتخار ویرایش آن را داشتم.

میرهاشم محدث؛ مصحح

پنج کتاب زیر چاپ دارم، سه کتاب چاپ اول و دو کتاب چاپ دوم. ۱- نیمه اول کتاب مجمع‌الاسناب، این کتاب تاریخ قصه‌های ایران است که در سال ۷۳۳ توسط محمدحسین علی‌بن محمد شاکرنامه‌ای تألیف شده و از حضرت آره‌اند (است) که در سال ۱۳۷۸ هجری قمری زده بوده، جزایری بوده و تا سال ۱۳۷۳ هجری قمری زده بود. نشر و بلافاصله تأیید شد و اکنون آخرین مراحل تجدید چاپ را می‌گذراند.

۵-تیس المؤمنین تألیف محمدبن اسحاق بن محمدحسری است که در سال ۶۳۸ هجری قمری نوشته شده و تاریخ زندگی چهارده معصوم تنظیم السلام هه‌راه با نقشه‌هایی است که در زمان که حدود یک چهارم از کل صفحات این کتاب به اولوسم خراسانی اختصاص یافته است، تیس المؤمنین در سال ۱۳۶۳ توسط بنیاد بعثت چاپ شده بود اما چون نسخه خطی

جدیدیی به دست آمد و نیز حروفینیی چاپ قلی محاسب آن نیز وادارو مقفله و تصحیح و حروفینیی شد و در آستانه نشر است. حدود ده سال است که یکی از منون معین اسلامی قرن ششم به نام تاریخ خلفا را هم با چه متفقین تصحیح کرده‌ام اما ناین زمان هرگز اجازه نشر نیافته است.

و بالاخره این که مدتی است مشغول تصحیح کتاب نجوم النساء، فی تذکره العلماء، نوشته محمدعلی کشمیری هستم که در زمینه تراجم احوال از بهترین کتاب‌ها است. این کتاب در سه جلد و هر جلد مخصوص شرح حال عظامت شعه یک قرن است. جلد اول شرح حال دانشمندان شعه قرن یازدهم، جلد دوم شرح حال دانشمندان شعه قرن دوازدهم و جلد سوم شرح حال دانشمندان شعه قرن سیزدهم است.

آتوسا ملکی؛ شاعر

زمستان (سفند ۸۰) اولین مجموعه شعرم به نام «تولدون خمیر مالکت» را با همکاری انتشارات نگاه سبزه چاپ رساندم. قبل از آن تاکنون با مطبوعات در زمینه ترجمه مقالات سینمایی، ادبی و داستانی… همکاری داشته‌ام. همان‌طور که می‌دانید بازار شعر شرایط مناسبی ندارد و وضعیت پیشی آن هم که واضحاً، لذا مسلماً کتاب شعرم به دست همه مخاطبان نرسیده است. اکنون کتاب ترجمه کورد و نوجوانی به نام «دانشچه» زیر چاپ دارم و حال مشغول ترجمه اشعار و ویلیامز هستم و هم‌زمان چند کار دیگر ترجمه داستان‌های کوتاه آرکایی در دست دارم.

البته ترجمه اشعار کارلوس ویلیامز را بیشتر دوست دارم و با تمامی پیچیدگی و توضیح‌های دوستان هیچ‌گاه نتوانستم از آن صرف‌نظر کنم. امیدوارم بتوانم ترجمه خوبی از این شاعر بزرگ ارائه دهم تا بتواند با مخاطب بخوبی ارتباط برقرار کند.

عبدالعظیم رضایی؛ مورخ

فرهنگ پیش از ۳۰۰۰ پیش از بزرگان و ناموران ایران از عصر باستان تاکنون را آماده کرده‌ام. یک فرهنگ سه‌زبانه فارسی-پهلوی-انگلیسی هم نوشته‌ام که بالغ به هفتاد هزار واژه است. دوازده هزاره پویدگی و پایدگی در ایران، کتابی تاریخی است. این کتاب تاریخ دوازده هزار ساله ایران است که آن را بر اساس منابع گوناگون و اسناد و مدارک مختلف فراهم آورده‌ام.

◆ **بهار و شبنم**
«هیشجه بهار و شبنم» عنوان اثر جدید حامد ابراهیمی یک قصه برای کودکان و نوجوانان است که نشر جلیلی مشهد منتشر می‌کند. مجموعه شعر «عائون خط خطی» از ابراهیمی نیز آماده انتشار است.
اوپراد آسمانه، مجموعه شعرهای عاشقانه او در سال ۸۰ منتشر شده بود.

◆ **اساطیر مصر**
«اساطیر مصر» نوشته ژ. ویو با ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پوراز سوی انتشارات کاروان بزودی منتشر می‌شود. این کتاب به بررسی اساطیر و آیزدبانان و بعدالذوات رودویسیان و در ادامه به ایران باستان گوناگون که به وایش و مرگ مربوطند می‌پردازد و در پایان به جانوران مقدس اشاره دارد.

◆ **ادبینه بامداد**
«ادبینه بامداده» شاخت‌نامه جدیدیی به قلم بهرام شهرجری است که پس از مدت‌ها با تکلیفی سرانجام به زیر چاپ رفت. این کتاب نگاهی دیگری است به شاملو و اثری که تاکنون از او منتشر شده است.

◆ **محقق فیلسوفان خاموش**
کوردوش صفوی زایشنامن و مترجم، جدیدترین کتابش «محقق فیلسوفان خاموش» را توسط نشر هرمس در دست انتشار دارد. از کوردوش صفوی کتاب «معنی‌شناسی» اخیراً تجدید چاپ شده است.

◆ **عروس سفارشی**
«عروس سفارشی» زمانی از یک زندگی واقعی به قلم علی‌نظام حسین‌زاده است که توسط انتشارات پرواز قلم سلمان منتشر خواهد شد.
«سه دل چون» کتاب دیگری از همین ناشر، تألیف محمدیاسینی سلماسی بزودی راهی بازار می‌شود.

◆ **فولاد قلب**
«فولاد قلب» زندگی‌نامه دکتر محمد مصدق نوشته مصطفی اسلامیته توسط انتشارات نیلوفر این هفته به بازار می‌آید.

◆ **دیدگاههای اروپایی**
هادی غزالی برادر مهدی غزایی هم کتاب «دیدگاههای اروپایی سیاست و فرهنگ» نوشته کریستوفر گردن را به فارسی برگردانده و از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر خواهد شد.

◆ **اوکتاویو پاز**
«اوکتاویو پاز» با عنوان فرعی گفت‌وگوهای دو صدایی، اثری به قلم خولیان ریوس با ترجمه کارم میرعاسمی است که از سوی نشر آری به بازار می‌آید. نویسنده در این گفت‌وگوها از سیاست، اقتصاد، زبان، از مکالمی را؛ نظریه تحول داروین و… می‌گوید.

◆ **پوپولیسیم**
«پوپولیسیم» عنوان کتابی از پیل تاکارت با ترجمه حسین فرعیروی است که از سوی نشر آفتاب منتشر خواهد شد.
عبدالله ناشر کتاب «فلسفیه» اثر جین فریدمن با ترجمه فیروزه مهرانیزر منتشر می‌کند.

◆ **مردگزار...**
نشر پایند در تدارک چاپ رمان «مردگزار عشق و مرگ» به قلم حسین یازسانی است. مضمون این رمان عشق و حماسه است.

◆ **انقلاب اسلامی**
«انقلاب اسلامی در شهرستان» عنوان کتابی به قلم عبدالحییم ابادزی است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر می‌کند.
همین ناشر در این هفته کتاب «چالش‌های ایران و آمریکا» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را به قلم حمید معیادی به بازار فرستاد.

◆ **شرم و لیختند**
«شرم لیختند» یک شب فیشتی «عنوان کتابی است از لیکلمار گمن که رضا خسراف آن را به فارسی برگردانده و نشر دیگر در دست انتشار دارد.

◆ **استقلال ادبی**
محمد مهدی خرمی استاد دانشگاه آمریکا کتاب «فقد و استقلال ادبی» در ایران» را تألیف کرده که از سوی نشر ویسنار بزودی منتشر می‌شود.
همین ناشر رمان «تقدیم به کسی که قائلم نبوده او فرخنده حاجی‌زاده را منتشر می‌کند.

◆ **کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد**
«کسی که به سرهنگ نامه نمی‌نویسد» اثر گریل کارسامارکز با ترجمه جهانپخش نورایی و یادداشت‌های روزهای تهیه‌ای از همین نویسنده با ترجمه محمدشاه‌رود توسط نشر آریوادی بزودی منتشر می‌شود.

◆ **ابن خلدون**
«الفقه اجتماعی ابن خلدون» اثر دکتر طه حسین با ترجمه امیر هوشنگ دالایی از سوی مؤسسه انتشارات آگاه بزودی منتشر می‌شود.

◆ **نسیب شمال**
زندگی و شعر نسیب شمال با عنوان «نسیب نسیم» به قلم فریاده کریسی نوقالی توسط نشر ثالث بزودی منتشر می‌شود. این کتاب مقدمه‌بین کتاب از مجموعه چهره‌های شعر معاصر ایران است.

◆ **خاکستر و خاک**
«خاکستر و خاک» نخستین رمان عتیقه رحیمی است که هفته آینده از سوی نشر ویراجوآند روانه بازار می‌شود.